

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
info

<https://konkur.info>



اهداف درس:

شناخت عوامل مؤثر در تغییر سبک خراسانی به عراقی و دلیل این نامگذاری

آشنایی با تأثیرات فرهنگی، ادبی و اجتماعی حمله مغول

شناخت وضعیّت زبان و ادبیات فارسی بعد از حمله مغول و تیموریان

آشنایی با ویژگی‌های شعر و نثر این دوره، شاعران و نویسندگان بنام و نمونه آثار آنها

آشنایی با دو جریان نثرنویسی در این دوره و نمونه آثاری برای هر یک از دو جریان

مهارت در تشخیص شعر سبک خراسانی و عراقی

شناخت حوزه‌های جدید شعر فارسی

آشنایی با پیامدهای حکومت تیموریان در ایران و وضعیّت فرهنگ و ادب و هنر در زمان آنها

ایجاد نگرش مثبت و علاقه به ادبیات و تحولات ادبی

*قرن هفتم:

علل تغییر سبک از خراسانی به عراقی:



عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی

تغییر مرکزیت ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم

فاصله گرفتن دو جریان شعری سبک «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی»

دلیل نام‌گذاری سبک این دوره به «عراقی»:

۱- انتقال کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم، بعد از مغول .

۲- وجود شاعران و نویسندگان بزرگی از اهالی شهرهای عراق عجم

(اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و....) در این دوره.



مهم‌ترین رویداد تاریخی قرن هفتم: حمله مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ ه . ق .)

- آسیب‌های عمده به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران
 - ویرانی خراسان که کانون فرهنگی ایران بود
 - از بین رفتن بسیاری از مدارس، که مهدهای علم و فرهنگ بودند
 - کشته شدن بزرگانی چون نجم‌الدین کبری، فریدالدین عطار نیشابوری و کمال‌الدین اسماعیل، مداح جلال‌الدین خوارزمشاه
- پیامدهای منفی حمله مغول

کمال‌الدین اسماعیل درباره قتل عام سال ۶۳۳ ه . ق . مغولان در اصفهان می‌گوید:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید
دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود
بر حال تباه مردم بد گرید
امروز یکی نیست که بر صد گرید

علل روی آوردن دوستداران فرهنگ و اخلاق، به تصوف و عرفان در قرن هفتم:

- ویرانی بنیان‌های فرهنگ و اخلاق
 - انزوا، یاس و سرخوردگی دوستداران فرهنگ و اخلاق
 - پناه بردن دوستداران فرهنگ و ادبیات به تصوف برای کسب آرامش
 - عواطف انسانی
 - ترویج روحیه تسامح (مدارا)
 - ترویج روحیه تساهل (آسان گرفتن بر یکدیگر)
 - خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا
- تاثیر حمله مغول و تیمور بر ادبیات
- رونق ادبیات عرفانی با تکیه بر مسائلی مانند

اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان **سلجوقیان** آغاز شده بود.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در قرن هفتم

- حمله ویرانگر مغول
 - هجوم وحشیانه تیمور
 - کشته و متواری شدن دانشمندان و ادیبان و محو دربارهای ادب دوست و خاندان‌های فرهنگ پرور
 - زبان دچار سستی و نابسامانی گردید
- عوامل مخرب و منفی زبان در قرن هفتم

علت نابسامانی زبان در قرن هفتم:

نابودی بسیاری از دربارهای ادب دوست و کشته شدن خاندان‌های فرهنگ پرور و متواری شدن دانشمندان و ادیبان.

رشد زبان و ادبیات و اعتباریافتن ادیبان و اندیشمندان

پدید آمدن آثار ارزشمند در حوزه‌های جغرافی جدید (ری، فارس، همدان و اطراف آنها)

تغییر سبک از خراسانی به عراقی

پدید آمدن قالب‌های جدید در شعر و نثر

پیامدهای مثبت حمله مغول

در زبان و ادبیات فارسی

(قرن هفتم)

تأثیر حمله مغول بر زبان	از رواج افتادن زبان رسمی و رایج عربی و توجه به زبان فارسی که زبان توده مردم بود.
-------------------------	--

ویژگی‌های شعر فارسی در قرن هفتم	<p>* نرم و دلنشین شدن اوزان شعر</p> <p>* روی برتافتن شاعران از حاکمان</p> <p>* کمرنگ شدن قالب قصیده (که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود)</p> <p>* گسترش قالب مثنوی و فراهم آوردن میدانی فراخ برای عاطفه، اخلاق و عرفان</p> <p>* خلق آثاری مانند مثنوی مولوی (حماسه ای عرفانی) که قهرمانش، انسان پاک نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می پردازد.</p>
---------------------------------	---

وضعیت نثر فارسی در قرن هفتم

دو جریان و گرایش عمده نثر قرن هفتم	۱- ساده نویسی	نمونه	طبقات ناصری (اخلاقی)
	۲- پیچیده نویسی (محتوا عمده تاریخ حاکمان)	نمونه	مرصادالعباد (عرفانی)
قرن هفتم	وقت		تاریخ و صاف (تاریخ مغول)
			تاریخ جهانگشای جوینی (تاریخ مغول)

معروف ترین شاعران قرن هفتم	* مولانا جلال الدین بلخی معروف به مولوی	* سعدی	* فخرالدین عراقی
----------------------------	---	--------	------------------

معروف ترین نویسندگان قرن هفتم	<p>۱) نجم الدین رازی (معروف به نجم دایه)</p> <p>۲) عطاملک جوینی</p> <p>۳) سعدی</p> <p>۴) خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی</p> <p>۵) شمس قیس رازی</p>
-------------------------------	---

مولانا جلال الدین بلخی معروف به مولوی	آثار	از شاخص ترین شاعران عارف است که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه ای پدید آورد.		
		منظوم	در هر دو اثر بسیاری از معارف بشری و مسائل عرفانی را بیان کرده است	
		منثور	مثنوی معنوی	دیوان شمس
			فیه ما فیه	مجالس سبعه
		مکاتیب	مولانا گفته و شاگردان نوشته اند	مجموعه نامه‌های مولانا به قلم خودش
این اثر مولانا سبک نثر وی را بیشتر و بهتر نمودار می سازد.				

<p>فرمانروای ملک سخن</p> <p>سی و پنج سال گرد جهان گشت، تجربه اندوخت و از هر خرمنی خوشه‌ای چید</p> <p>در ادبیات تعلیمی سخن گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است</p> <p>در سرودن غزل‌های عاشقانه نیز سرآمد شاعران و نویسندگان فارسی زبان است</p> <p>در بیشتر قالب‌های ادبی طبع آزمایی کرده و شاهکارهای ماندگاری در ادب فارسی به یادگار گذاشته است.</p>				سعدی	
منظوم		بوستان	در قالب مثنوی / موضوع: آموزش اخلاق و حکمت	آثار	
منثور		گلستان	به نثر مسجع / موضوع: آموزش اخلاق و حکمت		

<p>از شاعران نام آور قرن هفتم</p> <p>صاحب غزل‌های عرفانی زیبا</p>				فخرالدین عراقی	
منظوم		عشاق نامه	<p>مثنوی عرفانی</p> <p>هر فصل این مثنوی درباره یکی از مباحث عرفانی است</p> <p>با تمثیل و حکایت پایان یافته است</p>	آثار	
منثور		لمعات	<p>در قالب نظم و نثر</p> <p>در بیان سیر و سلوک عارفانه</p>		
<p>معروف به نجم دایه</p> <p>از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته قرن هفتم</p>				نجم الدین رازی	
منثور		مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد	<p>در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی.</p> <p>نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه، دارای احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر، نثری شیوا، آراسته و دل انگیز دارد.</p> <p>از متون والای عارفانه فارسی</p>	آثار	
<p>از نثرنویسان بزرگ قرن هفتم :</p> <p>خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود. وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد و در تالیف اثرش به کار گرفت.</p>				عطاملک جوینی	
منثور		تاریخ جهانگشا	<p>در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است.</p> <p>نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.</p>	آثار	
<p>از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان</p> <p>وزیر مقتدر غازان خان و اولجایتو</p> <p>اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است.</p>					

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی	آثار	منثور	جامع التواریخ	به نثری عالمانه و پخته نوشته شده است
از نویسندگان زبردست قرن هفتم				
شمس قیس رازی	آثار	منثور	المعجم فی معايير اشعار العجم	- از نخستین و مهم ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر - نثر او در مقدمه مصنوع و در اصل کتاب، ساده و عالمانه است.

تاریخ ادبیات فارسی در قرن هشتم

<p>- در این دوران به دلیل بی اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذهب های مختلف عقاید خود را ابراز کنند.</p> <p>- قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصه وسیعی یافت، به طوری که از شبه قاره هند تا آسیای صغیر، بسیاری به این زبان سخن می گفتند.</p> <p>- عراق عجم و مهم تر از آن شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به شمار می رفت.</p> <p>- از بین رفتن دربارهای ادب دوست ایرانی تبار</p> <p>- از رونق افتادن قصیده سرایی</p> <p>- زبان شعر جز در سروده های شاعران شاخص، مانند خواجه و حافظ، به سستی گرایید</p>	<p>اوضاع سیاسی - اجتماعی و ادبی قرن هشتم</p>
--	---

معروف ترین شاعران قرن هشتم	خواجوی کرمانی - ابن یمین - حافظ - سلمان ساوجی - عبید زاکانی
----------------------------	---

معروف ترین نویسندگان قرن هشتم	عبید زاکانی - حمدالله مستوفی
-------------------------------	------------------------------

<p>- از غزل پردازان برجسته قرن هشتم است</p> <p>- غزل های او بر حافظ تأثیرگذار بوده است.</p> <p>- در ادبیات تعلیمی سخن گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است</p> <p>- چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان دهنده استادی او در شاعری است.</p> <p>- شعر او در مجموع، کمال یافته و پخته است.</p>	<p>خواجوی کرمانی</p>
<p>- شاعر قطعه سرای بزرگ قرن هشتم است.</p> <p>- شاعر عصر سربداران</p> <p>- مردی دهقان پیشه با قدرت شاعری</p> <p>- سراینده قطعات اخلاقی</p> <p>- در شعر خود قناعت پیشگی و بی اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار داده است.</p> <p>مانند: مرد آزاده در میان گروه محترم آنگهی تواند بود وان که محتاج خلق شد، خوار است</p> <p>گر چه خوش خو و عاقل و داناست، که از ایشان به مالش استغناست گر چه در علم، بوعلی سیناست</p>	<p>ابن یمین</p>

<p>- از شاعران بزرگ قرن هشتم است.</p> <p>- در غزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته است.</p> <p>- دارای قصایدی نیز در سبک عراقی است.</p> <p>- مثنوی جمشید و خورشید او به شیوه داستان‌های نظامی سروده شده است.</p>	<p>سلمان ساوجی</p>
--	---------------------------

<p>- از شاعران سرآمد قرن هشتم است.</p> <p>- با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید.</p> <p>- لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح طلبی است.</p> <p>- در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی اسلامی خود رخ می‌نماید و شعرش به قول خود او «همه بیت الغزل معرفت» است:</p> <p style="text-align: center;">شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش</p>	<p>حافظ</p>
--	--------------------

<p>- شاعر و نویسنده خوش ذوق و آگاه قرن هشتم</p> <p>- نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است.</p> <p>- شاعری که ناملايمات اوضاع آشفته روزگار خود را بر نمی‌تافت</p> <p>- تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشید.</p>	<p>عبید زاکانی</p>
<p>منظوم موش و گربه ناهنجاری‌های اجتماعی را به شیوه طنز و تمثیل بیان کرده است.</p>	<p>آثار</p> <p>منتثور رساله دلگشا، اخلاق الاشراف و صدپند همگی به زبان طنز هستند</p>

<p>- از مورخان و نویسندگان مشهور ایران در قرن هشتم</p> <p>- نویسنده کتاب تاریخ گزیده است. این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ ه.ق. در بر می‌گیرد.</p>	<p>حمدالله مستوفی</p>
--	------------------------------

تاریخ ادبیات فارسی در قرن نهم

مهم‌ترین رویداد سیاسی و اجتماعی قرن‌های هشتم و نهم: حمله بنیان کن تیمور گورکانی

<p>- نابودی ابنیه فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور</p> <p>- از میان رفتن آنچه از حمله مغول سالم یا نیمه سالم مانده بود، مثل فارس و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود.</p>	<p>پیامدهای منفی حمله تیمور</p>
--	--

<p>- مقارن است با حکومت تیموریان از نیمه دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم</p> <p>- تأثیر پذیرفتن بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم و بیش از فرهنگ ایرانی</p> <p>- گسترش هنرهای چون مینیاتور، معماری و تذهیب</p> <p>- ادامه یافتن تاریخ نویسی به همان اسلوب ساده</p>	
---	--

<p>– رونق دوباره ادبیات و آفرینش آثاری ارزشمند هر چند سطحی، تقلیدی و فاقد نوآوری توسط کسانی مانند جامی و دولت‌شاه سمرقندی</p> <p>– علاقه شاهرخ (جانشین تیمور) به هنر و فرهنگ اسلامی و حمایت نمودن از هنرمندان خوشنویس، نقاش و شاعر و برگزیدن شهر هرات به مرکز فرمانروایی خود</p> <p>– هنرمندی و هنردوستی بایسنقر میرزا (پسر و جانشین شاهرخ) و حمایت از نگارش قرآن کریم و شاهنامه فردوسی به خط خوش و آراستن به تصاویر زیبا و خلق آثار ماندگار از هنر اسلامی</p>	<p>وضعیت فرهنگی و ادبی قرن نهم</p>
--	---

جامی – شاه نعمت الله ولی	شاعران معروف قرن نهم
دولت‌شاه سمرقندی	نویسندگان معروف قرن نهم

معروف‌ترین شاعر قرن نهم			آثار	جامی
مثنوی ای به پیروی از نظامی	تحفه الاحرار	منظوم		
اثری به تقلید از گلستان سعدی است	بهارستان	منثور		
– به شیوه تذکره الاولیای عطار	نفحات الانس			
<p>– از شاعران معروف قرن نهم</p> <p>– در تصوف و طریقت مقامی بلند داشته است</p> <p>– سرسلسله صوفیان نعمت‌اللهی به شمار می‌رود.</p> <p>– دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.</p>				شاه نعمت الله ولی
<p>– از نویسندگان قرن نهم</p> <p>– تذکره دولت‌شاه را به تشویق امیر علیشیر نوایی نوشته است. این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.</p>				دولت‌شاه سمرقندی

مرور

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در قرن هفتم (پس از حمله مغول)

- ۱- کشته و متواری شدن دانشمندان و ادیبان
- ۲- نابودی دربارهای ادب دوست و خاندان‌های فرهنگ پرور
- ۳- نابودی مراکز فرهنگی و ادبی ← سستی و نابسامانی زبان و ادب فارسی
- ۴- پایان یافتن خلافت ← از رواج افتادن رسمیت زبان عربی ← رونق زبان فارسی

۵- انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران ← گسترش زبان و ادب فارسی در عراق عجم

۶- آثار ارزشمند ← ایجاد زمینه تغییر سبک

۷- پدید آمدن قالب‌های جدید در شعر و نثر

وضعیت و ویژگی‌های شعر در قرن هفتم

۱- نرم و دلنشین شدن شعر و بهره بردن از معانی عمیق انسانی و آسمانی

۲- روی بر تافتن شاعران از حاکمان در نتیجه کم‌رنگ شدن قصیده

۳- گسترش قالب غزل به عنوان زبان دل و عشق

۴- میدان یافتن قالب مثنوی برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان (بیان این مفاهیم در قالب مثنوی)

۵- سروده شدن آثار ارزشمندی همچون « مثنوی معنوی » به عنوان حماسه‌ای عرفانی که قهرمان آن انسانی است؛ پاک نهاد و خداجو .

وضعیت نثر در قرن هفتم

نثر در این دوره به دو جریان گرایش پیدا کرد. «ساده نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگری «پیچیده‌نویسی» با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که در آثاری همچون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی دیده می‌شود.

وضعیت شعر و ادب فارسی در قرن هشتم

گسترش قلمرو رشد و بالندگی زبان و فرهنگ فارسی (از شبه قاره هند تا آسیای صغیر)

■ فراهم شدن فرصت برای ابراز عقیده صاحبان مذهب‌های مختلف به دلیل بی اعتقادی برخی از ایلخانان و بی تعصبی برخی دیگر)

■ قرار گرفتن مناطقی از مرکز ایران (عراق عجم) به ویژه شهر شیراز به عنوان مرکز ادبی این عصر

■ از رونق افتادن قصیده سرایی به خاطر از بین رفتن دربارهای ادب دوست ایرانی تبار

■ سست شدن زبان شعر به جز در سروده‌های شاعران شاخصی مثل خواجه و حافظ

وضعیت اجتماعی و فرهنگ و ادب در قرن نهم (حکومت تیموریان)

پیامدها و ویژگی‌های منفی این دوره

۱- نابودی بناهای فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور به وسیله تیمور گورکانی

۲- از میان رفتن مناطقی از کشور مانند فارس که پس از حمله مغول سالم یا نیمه سالم مانده بود، یا در زمان ایلخانان مغول(جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بودند.

۳- ادامه ویرانگری تیموریان از نیمه دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران.

پیامدها و ویژگی‌های مثبت این دوره

- ۱- تأثیر پذیری بازماندگان تیمور از فرهنگ ایرانی و متمدن شدن آن‌ها
- ۲- گسترش هنرهای همچون مینیاتور، معماری و تذهیب در عهد آنان
- ۳- رواج تاریخ نویسی به همان اسلوب ساده
- ۴- رونق گرفتن ادبیات و نوشته شدن آثاری ارزشمند توسط جامی و دولت‌شاه سمرقندی
- ۵- بنیادی نبودن این رونق، سطحی بودن بیشتر کتاب‌های تحقیقی، ادبیات تقلیدی و بدون نوآوری

خودارزیابی

۱- حمله مغول بر محتوای شعر و نثر قرن هفتم چه تأثیراتی گذاشت؟

تباه شدن بنیان فرهنگ و اخلاق، و یأس شاعران و نویسندگان موجب توجه به عرفان شد؛ همچنین، با از بین رفتن دربارهای ادب دوست و انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در عراق عجم نیز گسترش یافت و زمینه‌هایی برای تغییر سبک خراسانی به عراقی ایجاد شد. شعر این عصر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانیست. در این عصر اغلب شعرا از حاکمان روی برگرداندند. سرودن قصیده که در خدمت ستایش شاهان بود و برای مدیحه سرایی کاربرد داشت، از رواج افتاد و به جای آن قالب غزل گسترش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی سروده شد که می‌توان آن را نوعی حماسه عرفانی نیز تلقی کرد.

۲- دو جریان نثر قرن هفتم را از نظر ویژگی‌های زبانی بررسی کنید.

نثر در این دوره به دو جریان عمده گرایش پیدا کرد؛ یکی «ساده نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگر «پیچیده نویسی» که محتوایشان عمدتاً تاریخ حاکمان وقت بود. از نمونه‌های آن می‌توان به تاریخ وصاف و تاریخ جهانگشای جوینی اشاره کرد.

۳- شعر سبک عراقی را با شعر سبک خراسانی از نظر قالب مقایسه کنید.

قالب رایج در سبک خراسانی عموماً قصیده بود، در حالی که در سبک عراقی، شعرا به سرودن شعر در قالب غزل تمایل بیشتری نشان دادند.

۴- فکر و اندیشه غالب بر آثار مولانا جلال الدین را بیان کنید.

مولانا در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. وی در مثنوی معنوی و دیوان شمس به بیان معارف بشری و مسائل عرفانی پرداخته است.

۵- چه عواملی سبک ادبیات فارسی را از خراسانی به عراقی تغییر داد؟ آنها را بررسی کنید.

تغییر مراکز سیاسی و ادبی از خراسان به عراق عجم و روی کار آمدن حکومت‌های سلجوقی و غزنوی. تباه شدن بنیان فرهنگ و اخلاق، و یأس شاعران و نویسندگان موجب توجه به عرفان شد. با از بین رفتن دربارهای ادب دوست، انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در عراق عجم نیز گسترش یافت و زمینه‌هایی برای تغییر سبک خراسانی به عراقی ایجاد شد.

۶- کدام یک از ویژگی‌های فکری سبک عراقی موجب پیدایش عرفان در قرن هفتم شد؟

ویران شدن بناها و آبادانی‌ها، تباه شدن بنیان فرهنگ و اخلاق، یأس و سرخوردگی شاعران و نویسندگان، تکیه بر عواطف انسانی و ترویج روحیهٔ تسامح و تساهل.

۷- جدول زیر را تکمیل کنید:

نام کتاب	نام نویسنده	نوع نثر	موضوع و محتوا
گلستان	سعدی	مسجع	اخلاق و حکمت
مرصادالعباد	نجم رازی	مرسل - مسجع	بیان سلوک دین و تربیت نفس
تاریخ جهانگشا	عطاملک جوینی	متکلف و مصنوع	تاریخ خوارزمشاهیان و فتوحات چنگیز

پرسش‌های امتحانی

۱- درست یا نادرست بودن عبارت‌های زیر را مشخص کنید. الف) نجم دایه کتاب ارزشمند خود به نام «عشاق نامه» را در سیر و سلوک عارفانه نوشت. ب) جامی مثنوی‌هایی را به پیروی از سنایی غزنوی سرود که یکی از آن‌ها مثنوی «تحفه الاحرار» است. پ) دیوان شعری «شاه نعمت الله ولی» که سرسلسلهٔ صوفیان نعمت الهی است حاوی مضامین عرفانی است. ت) رشیدالدین فضل الله همدانی از رجال علمی و سیاسی دوره اولجایتو بود که ربع رشیدی را در تبریز بنا نهاد.
۲- جاهای خالی را با عبارات مناسب پر کنید. الف) تغییر جغرافیایی مرکزیت ادبی و سیاسی از به از زمینه‌های تغییر سبک در قرن هفتم است. ب) سبک عراقی از اوایل قرن تا اوایل قرن سبک غالب ادب فارسی شد. پ) در شعر ابن یمین و مورد تاکید قرار می‌گیرد. ت) حافظ با تلفیق و غزل فارسی را به اوج کمال رساند.
۳- کدام سبک‌ها از سبک خراسانی فاصله گرفتند تا کم کم سبک عراقی پدید آمد؟
۴- ادبیاتی که دوستداران فرهنگ و اخلاق در قرن هفتم برای تسکین خود به آن روی آوردند، شامل چه موضوعاتی بود؟
۵- در قرن هفتم هجری، کدام عوامل مثبت در کنار عوامل مخرب و منفی موجب رشد زبان و ادبیات فارسی شد؟
۶- دو محور اساسی آثار جاودانه جلال الدین مولوی را نام ببرید.
۷- فرمانروای ملک سخن کیست؟ آثار وی را نام ببرید.
۸- نثر کتاب جهانگشا چگونه است؟ موضوع آن چیست؟
۹- علت‌های فرصت ابراز عقاید مذهب‌های مختلف را در قرن هشتم بنویسید.
۱۰- عبید زاکانی در بیان چه موضوعاتی معروف است؟
۱۱- نثر قرن هفتم به دو جریان گرایش داشت، آن‌ها را نام ببرید و برای هر کدام مثال بیاورید.
۱۲- تذکره دولتشاه اثر کیست؟ به تشویق چه کسی نگاشته شد؟
پاسخنامه سوالات
۱- الف: نادرست / ب: نادرست / پ: درست / ت: درست
۲- الف: خراسان - عراق عجم / ب: قرن هفتم - قرن دهم / پ: قناعت پیشگی - بی اعتباری دنیا / ت: عشق - عرفان
۳- بینابین و آذربایجانی

۴- عواطف انسانی- ترویج روحیهٔ تسامح و تساهل - خدمت به خلق- آزادگی - اعتقاد به بی ثباتی دنیا
۵- با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در عراق عجم نیز گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثاری ارزشمند پدید آمد
۶- اندیشه و احساس
۷- سعدی / بوستان و گلستان
۸- مصنوع و دشوار / در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است.
۹- بی اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج
۱۰- در نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی
۱۱- الف: ساده نویسی نمونه طبقات ناصری - مرصادالعباد ب: پیچیده نویسی (محتوا عمدتاً تاریخ حاکمان وقت) نمونه تاریخ و صاف - تاریخ جهانگشای جوینی
۱۲- دولت‌شاه سمرقندی / به تشویق امیر علیشیر نوایی

درس دوم - پایه‌های آوایی

تنظیم: رقیه افکاری مهربانی از ناحیه یک

منظور از پایه‌های آوایی، همان ارکان عروضی است؛ مانند:

مفاعیلن، فاعلاتن، مستفععلن، فعولن، فاعلن، فعلاتن، مفتعلن، مفاعلن، مفعولن، فعلن، فاعلات، مفاعیل، مستفعل، فعلات، مفعول، فعل، فع لن، فع و...

بنابراین، هدف این درس، آموزش تقطیع به ارکان است؛ اما نه به شیوهٔ نوشتاری، بلکه به شیوهٔ شنیداری. برای آموزش شنیداری پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، لازم است:

۱- تقطیع هجایی و انواع هجا یادآوری شود.

عنوان هجا	نحوهٔ قرار گرفتن	نشانه	مثال
کوتاه	صامت + مصوّت کوتاه	U	چو (چ)، که (ک)، و
بلند	الف) صامت + مصوّت کوتاه + صامت	-	گُل، سَر، دِل
	ب) صامت + مصوّت بلند	-	پا، سی، مو
کشیده	الف) صامت + مصوّت کوتاه + دو صامت	U -	بُرد، سَبز، چهر
	ب) صامت + مصوّت بلند + یک یا دو صامت	U -	دوست، آب، سیب

۲- پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) یادآوری شود.

۳- برای هر یک از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) نمونه‌هایی هم‌وزن، تمرین و تکرار می‌شود؛ مثلاً:

همزمانی: فاعلاتن	رفته بودم: فاعلاتن	هماهنگی: مفاعیلن
سلامت: فعولن	پیچیدی: مفعول	سخندان: فعولن
مطابقت: مفاعلن	گفتم خوشا: مستفعلن	ای ساربان: مستفعلن
مرنجان: فعولن و...		

از دانش آموزان می‌خواهیم تا آن‌ها هم برای هر یک از پایه‌های آوایی، نمونه یا نمونه‌هایی بیاورند.

آمده‌ام: مفتعلن	شکیبایی: مفاعیلن	نمی دانم: مفاعیلن
نگفتم: فعولن	نباید: فعولن	بشورم: فعولن
زمستان: فعولن	کجایی: فعولن	خوانده بودم: فاعلاتن
میتوانم: فاعلاتن	مزاحمت: مفاعیلن	سجاوندی: مفاعیلن

رفته باشی: فاعلاتن و....

*مهم‌ترین ارکان عروضی فارسی ۱۹ تاست که به ترتیب با آن‌ها آشنا می‌شوید.

الف) ارکانی، که در آغاز و میان و پایان مصراع می‌آیند:

(۱) فاعلاتن	U _ _
(۲) فاعِلن	_ U _
(۳) مفاعیلن	_ _ _ U
(۴) فعولن	_ _ U
(۵) مُستَفعلِن	_ U _ _
(۶) مفعولن	_ _ _
(۷) فَعَلَاتِن	_ _ U U
(۸) فَعْلَن	_ U U
(۹) مَفَاعِلِن	_ U _ U
(۱۰) مُفْتَعِلِن	_ U U _
(۱۱) فَعْن	_ _

ب) ارکان غیر پایانی، که در آخر مصراع قرار نمی‌گیرند. آخرین هجای هر یک از این ارکان کوتاه است.

(۱۲) فاعلات	U _ U _
(۱۳) فَعَلَاتُ	U _ U U
(۱۴) مفاعیل	U _ _ U
(۱۵) مُسْتَفْعِلُ	U U _ _
(۱۶) مفعول	U _ _
(۱۷) مَفَاعِلُ	U U _ U

ج) ارکان پایانی، که فقط در آخر مصراع می‌آیند:

(۱۸) فَعْل	_ U
(۱۹) فَع	_

پس از تمرین و تکرار بسیار این گونه نمونه‌ها و تطبیق دادن شنیداری و نوشتاری آنها با پایه‌های عروضی، اکنون می‌خواهیم مصراع‌ها را متناسب با پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) به صورت شنیداری، تقطیع کنیم و برای این کار لازم است:

۱- هر مصراع را درست بخوانیم.

۲- با توجه به آهنگ هر مصراع و درنگ‌های آن، مصراع را به صورت زبانی براساس یکی از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، تقطیع نماییم؛ مثلاً: *مرنجان دلم را که این مرغ وحشی زبامی که برخاست مشکل نشیند

مرنجان (فعولن) دلم را (فعولن) که این مرغ (فعولن) غ وحشی (فعولن)

زبامی (فعولن) که برخاست (فعولن) مشکل (فعولن) نشیند (فعولن)

پایه‌های آوایی	مَ رَنَ جَانِ /	دِ لَمَ رَا	کِ اَيْنِ / مُر	غِ وَحَ شِی
	زِ بَا مِی	کِ بَرِ خَاسِ	تِ مَشِ کِلِ	نِ شِی نَدِ
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	_ _ U	_ _ U	_ _ U	_ _ U

*غمّت در نِهان خانۀ دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

غمّت در (فعلون) نِهان خا (فعلون) نَهّ دل (فعلون) نشیند (فعلون)
به نازی (فعلون) که لیلی (فعلون) به محمل (فعلون) نشیند (فعلون)

پایه‌های آوایی	غَمَتِ دَرِ	نَهانِ خَا	نِ یِ / دِلِ	نِ شِی نَدِ
	بِ نَا زِی	کِ لِ لِی	بِ مَحِ مِلِ	نِ شِی نَدِ
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	_ _ U	_ _ U	_ _ U	_ _ U

**هجای کوتاه ی به هجای بلند تبدیل می شود.

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود

ای ساربان (مستفعلن) آهسته ران (مستفعلن) کارام جا (مستفعلن) نم می رود (مستفعلن)
وان دل که با (مستفعلن) خود داشتم (مستفعلن) با دلستا (مستفعلن) نم می رود (مستفعلن)

پایه‌های آوایی	ای سا رِ بانِ /	آ هَس تِ رانِ /	کا را مِ جا	نَم می رَ وَدِ
	وانِ دِلِ کِ با	خُد دا شِ نَم	با دِلِ سِ تا	نَم می رَ وَدِ
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	_ _ U	_ _ U	_ U _ _	_ U _ _

من مانده‌ام مهجور زو در مانده ورنجورازو گویی که نیشی دور ازو در استخوانم می رود

من مانده‌ام (مستفعلن) مهجور زو (مستفعلن) در مانده و (مستفعلن) رنجورزو (مستفعلن)
گویی که نی (مستفعلن) شی دورزو (مستفعلن) در استخا (مستفعلن) نم می رود (مستفعلن)

پایه‌های آوایی	مَن مانِ دِ آمِ	مَه جو رَ زو	دَر مانِ دِ وُ	رَن جو رَ زو
	گو یی کِ نی	شی دو رَ زو	دَر اُس تِ خَا	نَم می رَ وَدِ
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _

می بینیم که مصراع‌ها همان گونه که خوانده می شوند، به پایه‌های آوایی، تقسیم می شوند؛ بنابراین باید بتوانیم بیت را درست و شیوا بخوانیم. اکنون بیت زیر را به پایه‌های آوایی آن، تقسیم می کنیم.

*محمل بدار ای ساربان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می رود

محمل بدا: مستفعلن / ری سار بان: مستفعلن / تندی مکن: مستفعلن / با کاروان: مستفعلن
کز عشق آن: مستفعلن / سرو روان: مستفعلن / گویی ک جا: مستفعلن / نم می رود: مستفعلن

پایه‌های آوایی	مَح مِل بِ دَا	رِی سَا رِ بَا	تُن دِی مَ کُن	بَا کَا رِ وَا
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _

****** هجای کوتاه **و** به هجای بلند تبدیل می‌شود. اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها توجه کنید.

۱- هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد

پایه‌های آوایی	هَر کِ چِی زِی	دوست دَا رَد	جَا نُ دِل بَر	وِی گَ مَا رَد
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _

۲- بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

پایه‌های آوایی	بُل بُّ لِی بَر	گِ گِ لِی خُش	رَن گِ دَر مِیْن	قَا رِ دَا شَت
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _

****** هجای کوتاه (ی) به هجای بلند تبدیل می‌شود.

۳- ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروز

پایه‌های آوایی	زِ کَوِ یِ لَ یا	رِ مِی آ یِد	نِ سِی مِ لَ بَا	دِ نَو رُو زِی
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _

۴- الهی سینه‌ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

پایه‌های آوایی	اِ لَ اِ هِی سِی	نِ اِی دِه آ	تَ شَف رُو ز
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _

۵- خدایا تودانی که بر ما چه آمد خدایا تو دانی که ما را چه می‌شد

پایه‌های آوایی	خُ دا یا	تُ دا نی	کِ بر ما	چِ آ مد
	خُ دا یا	تُ دا نی	کِ ما را	چِ می شد
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- - U

۶- بضاعت نیاوردم آلا امید خدا یا ز عفوم مکن ناامید

پایه‌های آوایی	بِ ضا عَت	نَ یا وَر	دَ مِلِ لا	أُ مید
	خُ دا یا	زِ عَفِ وَم	مَ کُنِ نا	أُ مید
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعَل
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

۷- یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

پایه‌های آوایی	یار مَ را	غار مَ را	عِشِ قِ جِ گر	خار مَ را
	یار تُ یی	غار تُ یی	خا جِ نِ گه	دا ر مَ را
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
خوشه‌های هجایی	- U U -	- U U -	- U U -	- U U -

خودارزیابی درس دوم:

۱- با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی یا ارکان آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

الف) ای خوش منادی‌های تودرباغ شادی‌های تو بر جای نان شادی خوردجانی که شد مهمان تو مولوی

پایه‌های آوایی	ای خُش مَ نا	دی‌ها یِ تُ /	دَر با غِ شا	دی‌ها یِ تُ
	بَر جا یِ نا	شا دی خُ رَد	جا نی کِ شُد	مه ما نِ تُ
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده وحشی بافقی

پایه‌های آوایی	دِ لِمَ را دا	غِ عِشِ قِ بَر	جَ بَیْنِ نه
	زَ با نَمَ را	بَ یا نی آ	تَ شَیْنِ ده
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- - - U	- - - U	- - U

سعدی

شکارش نجوید خلاص از کمند

پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند

پایه‌های آوایی	اَ سی رَش	نَ خا هَد	رَ ها یی	زِ بَند
	شِ کا رَش	نَ جو یَد	خَ لا صَز	کَ مَند
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعَل
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

(ت) عنكبوتی را به حکمت دام داد صد ر عالم را در او آرام داد عطار

پایه‌های آوایی	عَن کَ بو تی	را بِ حِک مَت	دام	داد
	صَد رِ عا لَم	را دَ رو آ	رام	داد
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن	
خوشه‌های هجایی	- - U -	- - U -	- U -	

(ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم حافظ

پایه‌های آوایی	بِ یا تا گُل	بَ رَف شا نی	مُ می دَر سا	غَ رَن دا زیم
	فَ لَک را سَق	فِ پِش کا فی	مُ طَر حِی نُو	دَ رَن دا زیم
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	- - - U	- - - U	- - - U	- - - U

۲- با خوانش درست بیت ها، رکن‌های آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طراحی نموده، هر رکن را در خانه خود جای دهید.

الف) یارب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده چشم بینا، جان آگاه و دلی بیدار ده صائب

پایه‌های آوایی	یا رَ بَز عِر	فانِ مَ را پی	ما نِ ای سَر	شار دِه
	چَش مِ بی نا	جانِ آ گا	هَ دِ لی بی	دا ر دِه
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن
خوشه‌های هجایی	- - U -	- - U -	- - U -	- U -

(ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پشش گوش دارد کسی سعدی

پایه‌های آوایی	مَ کُن پی	شِ دی وا	رِ غِی بَت	بَ سی
	بُ وَد کَز	پَ سَش گو	شِ دا رَد	کَ سی
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعَل
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

(پ) باران اشکم میدود وز ابرم آتش می جهد با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را سعدی

پایه‌های آوایی	با را نِ آش	گم می دَ ود	وَز اَب رَ ما	تَش می جَ هَد
	با یُخ تِ گان	گو این سِ خن	سو زِش نَ با	شَد خا م را
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

(ت) هر کسی را سیرتی بنهاده ام هر کسی را اصطلاحی داده ام مولوی

پایه‌های آوایی	هَر کَ سی را	سی رَ تی پِن	ها دِ اَم
	هَر کَ سی را	اِص طِ لا حی	دا دِ اَم
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -

(ث) مرا گه گه به دردی یاد می‌کن که دردت مرهم جان می‌نماید فخرالدین عراقی

پایه‌های آوایی	مَ را گَ گَ گَ	بِ دَر دی یا	دِ می گُن
	کِ دَر دَت مَر	هَ مِ جانِ می	نُ ما یَد
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -

۲- با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی بنویسید .

(الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست کی طمع در گردشِ گردونِ دون پرور کنم حافظ

رَختِ دیوانی پایه‌های ناروای

پایه‌های آوایی	مَن کِ دا رَم	دَر گِ دا یی	گَن جِ سُل طا	نی بِ دِست
	کی طَمَع دَر	گَر دِ شِ گَر	دو نِ دَو نِ پَر	وَر کُ نَم
		پا یِ ها یِ	نا رَ وا یِ	
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

* هجاهای کوتاه (شِ)، (یِ) به هجای بلند تبدیل می‌شوند .

(ب) من امشب آمدستم وام بگذارم حسابت را کنار جام بگذارم اخوان ثالث

آفرین بر تو همی‌گویم که شاید تا

پایه‌های آوایی	مَ نِمِ شَبِّ آ مَ نِمِ شَبِّ آ	مَ دَسِ تَمِ وا فَ رِینِ بَرِ ت/ا	م بُگِ زا رَم هَ می گو یَم
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U - - -	U - - -	U - - -

۴- پیامدهای حمله مغول را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

وضیعت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند و دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آن‌ها آثار ارزشمندی پدید آمد و در زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

درس سوم تشبیه



شعر با عاطفه و خیال در زبانی آهنگین شکل گرفته است. شاعر و نویسنده در توصیف زندگی و پیرامون آن بیان متفاوتی دارند. در بیان آن در زبان، از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به شکل گوناگون بهره می‌برند. آنها برای بیان باریدن باران و طلوع خورشید ظرافت‌های زیرکانه و هنرمندانه را به جای بیان ساده و عادی به کار می‌برند.

بهاران که شاباش ریزد سپهر به دامان گلشن ز رگبارها (توصیف بارش باران).

سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد (توصیف طلوع خورشید).

شیوه‌های گوناگونی شاعران و نویسندگان، برای آفرینش تخیل و بیان معنا به کار می‌برند که مهمترین آنها چهار آرایه **تشبیه**، **مجاز**، **استعاره** و **کنایه** هستند و این آرایه‌ها در حوزه علم بیان بررسی می‌شوند.

آرایه تشبیه، مهم‌ترین عنصر خیال و تصویرسازی در شعر پارسی است. تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر نویسنده دارد. آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود وجه شباهتی است که شاعر یا نویسنده به آن پی برده است. در تشبیه، نویسنده با تخیل خودش می‌کوشد میان چند چیز به ظاهر بی‌ارتباط، شباهت و پیوندی ایجاد کند و با این کار شنونده را به شگفتی وا دارد.

اما تشبیه چیست؟ تشبیه عبارت است از مانند و شبیه کردن چیزی یا کسی به چیز دیگر است. این شبیه کردن به دلیل داشتن صفت یا صفت‌هایی با هم مشترک صورت می‌گیرد. در تشبیه هدف مانند کردن است نه شبیه شدن. هدف از آرایه تشبیه، توصیف، اغراق و مادی کردن حالات است. در واقع نوعی تصویرسازی ذهنی شاعر و نویسنده است که در عالم واقعیت وجود ندارد. برای درک بهتر آرایه تشبیه به مثال زیر توجه کنید:

علی در شجاعت مانند شیر است.

در این مثال، علی را به شیر تشبیه کردیم. یعنی ویژگی مشترک بین علی و شیر، شجاعت است.

هر تشبیه از چهار رکن یا پایه تشکیل شده است:

۱- مشبه: کسی یا چیزی است که قصد مانند و تشبیه کردن آن را داریم و یا کسی یا چیزی است که مورد تشبیه قرار گرفته است. علی در این مثال بالا مشبه (تشبیه شده) است. علی همان کسی است که قصد داریم او را توصیف کنیم.

۲- مشبه به: کسی یا چیزی که مشبه، به آن مانند یا شبیه می‌شود. شیر در مثال بالا مشبه به می‌باشد.

۳- ادات تشبیه: واژه‌های پیوند دهنده شباهت است، یعنی مشبه را به مشبه به پیوند می‌هد؛ این واژه می‌تواند حرف، فعل و غیره باشد. از ادات تشبیه می‌توان به همانند، چو، همچو، چون، بسان، مانستی، مانند، چنان، نظیر، وار، گون، فش، به سان، وش، به کردار، گویی و غیره اشاره کرد.

۴- وجه شبه: ویژگی یا ویژگی‌های مشترک میان مشبه و مشبه به را گویند. معمولاً این ویژگی در مشبه به قویتر است. در مثال بالا شجاعت، همان ویژگی مشترک میان طرفین تشبیه است که سبب شده تا شاعر آنها را شبیه به هم بداند و به هم مانند کند.

نکته ۱: به مشبه و مشبه به، طرفین تشبیه می‌گویند. آنها رکن و اجزای اصلی در تشبیه هستند و بدون آنها آرایه تشبیه ساخته نمی‌شود. ادات تشبیه و وجه شبه همیشه در آرایه تشبیه حضور ندارند، ممکن است هر دو یا یکی از آنها در ارکان تشبیه حذف شوند.

نکته ۲: وجه شبه معمولاً بایستی در مشبه به بارزتر و مشخص‌تر باشد. برای فهم و درک آرایه تشبیه بایستی به سراغ مشبه به رفت چرا که مهم‌ترین رکن تشبیه است و وجه شبه از آن استنباط می‌شود.

انواع تشبیه بر اساس رکن به دو دسته تشبیه گسترده و فشرده تقسیم می‌شود.

الف) تشبیه گسترده

به تشبیه‌ای که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند.

شبی چون شبه روی شسته به قیر نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر

مشبه ادات تشبیه مشبه به وجه شبه

ب) تشبیه فشرده (بلیغ)

تشبیه‌ای که فقط دو رکن مشبه و مشبه به را داشته باشد، تشبیه فشرده یا رسا یا بلیغ می‌گویند. مثال: شمع خرد برفروز در دل و بشتاب. در اینجا خرد به شمع تشبیه شده است. خرد مشبه و شمع مشبه به، سایر ارکان تشبیه حذف شده است.

تشبیه فشرده به دو صورت به کار می‌رود:

الف) تشبیه فشرده به صورت ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) است.

چراغ هدایت : چراغ : مشبه به / هدایت : مشبه

از نمونه‌هایی از این نوع تشبیه می‌توان به باران رحمت، خرمن زلف، باغ عشق، سیل اشک، نسیم محبت، خنجر غم، کیمیای سعادت، نخل ولایت، ابر کرم، باران محبت، لب لعل، کمند نظر و سیل حوادث اشاره کرد.

ب) تشبیه فشرده به صورت غیر اضافی (معمولاً به شکل جمله اسنادی است)

زلفش، کمند بود . زلف : مشبه/ کمند : مشبه به / طبع من، طومار ندامت است . طبع من : مشبه / طومار ندامت : مشبه به

پاسخ به خود ارزیابی‌ها

۱- چهار عدد تشبیه گسترده در این بیت وجود دارد.

چو مرغ بنالم: تشبیه گسترده؛ م در بنالم: مشبه، مرغ: مشبه به، چو: ادات تشبیه، نالیدن: وجه شبه

تو همچو سرو ببالی: تشبیه گسترده؛ تو: مشبه، سرو: مشبه به؛ همچو: ادات تشبیه بالیدن: وجه شبه

چو ابر بگریم: تشبیه گسترده؛ م در بگریم: مشبه، ابر: مشبه به، چو: ادات تشبیه گریستن: وجه شبه

تو همچو غنچه بخندی: تشبیه گسترده؛ تو: مشبه، غنچه: مشبه به، همچو: ادات تشبیه، خندیدن: وجه شبه

مشبه	مشبه به	وجه شبه	ادات تشبیه	نوع تشبیه
من	مرغ	نالیدن	چو	تشبیه گسترده
تو	سرو	بالیدن	همچو	تشبیه گسترده
من	ابر	گریستن	چو	تشبیه گسترده
تو	غنچه	خندیدن	همچو	تشبیه گسترده

ب) کمان ابرو: یک تشبیه فشرده؛ ابرو: مشبه، کمان: مشبه به

پ) سه عدد تشبیه فشرده در این بیت وجود دارد.

مشبه	مشبه به	نوع تشبیه
عشق	بلا	تشبیه فشرده
عشق	کربلا	تشبیه فشرده
جان	شهید کربلا	تشبیه فشرده

-الف) وجه شبه در مصراع دوم: به آرامی پخش شدن / پخش شدن است. (صدا و بوی گل طرفین تشبیه هستند).

ب) تاریک، ایستادن وجه شبه: قرار گرفتن حجاب و مانعی در برابر چیزی / تاریکی / ایستادن.

• ایستادن در برابر چشمان (طرفین تشبیه نفس و دیوار هستند).

• نفس در مصراع اول به ابری تاریک تشبیه شده است که وجه شبه آن تاریکی است.

۱- دو پایه اصلی تشبیه را در اشعار زیر مشخص کنید:

چتر خواهش	نسیم عطش	زنگ باران
مشبه به مشبه	مشبه به مشبه	مشبه به مشبه

خواهش: مشبه	چتر: مشبه به
باران: مشبه	زنگ: مشبه به
عطش: مشبه	نسیم: مشبه به

ضمیر: مشبه	آینه: مشبه به
------------	---------------

آینه ضمیر
مشبه به مشبه

۴- نوع تشبیه را در ابیات زیر مشخص کنید:

ترتیب	تشبیه	نوع تشبیه
الف	دلهم مثل صنوبرها صبور است	تشبیه گسترده

(ب)

ترتیب	تشبیه	نوع تشبیه
ب	زمین چو سینه سهراب	تشبیه گسترده
ب	جوشن برگ	تشبیه فشرده
ب	ناوک صنوبر	تشبیه فشرده
ب	ناوک غان	تشبیه فشرده

(پ)

ترتیب	تشبیه	نوع تشبیه
پ	اجرام کوهها مانند پنبه دانه است	تشبیه گسترده

۵- در اشعار زیر مشبه و مشبه به را مشخص کنید.

(الف)

ترتیب	مشبه	مشبه به
الف	برف	پری‌های هزار افسانه‌ای

(ب)

ترتیب	مشبه	مشبه به
ب	روز	شمع
ب	شب	چراغ

۶- تشبیه‌های به کار رفته در بیت‌های زیر دارای کدام یک از پایه‌های تشبیه‌اند؟

الف) جام عشق: دو پایه: مشبه و مشبه به / ب) سنگ حادثه: دو پایه: مشبه و مشبه به

پ) خانه دل: دو پایه: مشبه و مشبه به

۷- در هر یک از نمونه‌های زیر ادات تشبیه را مشخص کنید:

الف) ادات تشبیه: ماند / ب) ادات تشبیه: چون / مانستی

پ) ادات تشبیه: گویی

۸- در اشعار ذکر شده در خودارزیابی‌های درس ۳ ابیاتی را که مربوط به شاعران قرن‌های هفتم، هشتم و نهم است بیابید و بگویید کدام نوع تشبیه (گسترده یا فشرده) در آنها بیشتر است؟

تشبیه گسترده / خواجهی کرمانی / تشبیه گسترده / کمال الدین اصفهانی

تشبیه فشرده / حافظ / تشبیه فشرده / عراقی

تشبیه فشرده / سعدی / نتیجه: تشبیه فشرده بیشتر است.

۹-

چُ دَرِ یا	یِ خُونِ شُد	هَم دَش	تُ رَاغ
جَ هَانِ چُن	شَبُّ تِی	غَ هَا چُن	چَ رَاغ

کارگاه تحلیل فصل

۱- متن زیر را از نظر تاریخ ادبیات و زیبایی شناسی بررسی کنید: پس از ابر کرم، ...

زیبایی شناسی: کاربرد سجع: گل، دل / کاربرد تشبیه: ابر کرم، باران محبت / تناسب: ابر، باران، بارید / واج آرایه: ب، ر، و ...

تکرار: گل (این آرایه‌ها مربوط به بدیع می‌شود)

در سطح بدیع لفظی، واج آرایه صامت ر، در کل عبارت، ده بار تکرار شده است، واج آرایه صامت ل در پایان متن، تکرار واژه گل و وجود سجع بین واژه‌های گل و دل است. در سطح بدیع معنوی، از مراعات نظیر بین واژه‌های دل و ید و همچنین خاک، ابر باران، بارید، بهره گرفته است که بین آنها تناسب واژگانی نیز وجود دارد. در سطح بیان، ابر کرم و باران رحمت تشبیه فشرده اضافی هستند و ید نیز مجاز از قدرت است.

تاریخ ادبیات: مرصاد العباد اثر نجم الدین رازی معروف به نجم دایه از منشیان و نویسندگان توانا و عارفان وابسته این دوره بود. موضوع کتاب بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی است و نثر آن گاه ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات عرفانی، اشعار (از خود یا دیگران)، احادیث و آیاتی نقل می‌کند. این اثر با نثری شیوا، آراسته و دل انگیز، مرتبه‌ای والا در میان متون عارفانه دارد.

۲- با توجه به آموخته‌های فصل یکم، شعر زیر را بررسی و تحلیل کنید:

مرده بدم زنده شدم؛ گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

ویژگی‌های زبانی: کاربردهایی که نشانه کهنگی زبان و نزدیکی به سبک خراسانی است.

کاربرد «بدم» به جای «بودم» / کاربرد «نی آم» به جای «نیستم» / کاربرد «گه» به جای «گاه» / در سایه گه / کاربرد «رخشنده» به جای «درخشنده» / کاربرد «ندهم» به جای «نمی‌دهم» / کاربرد «مرا» به جای «من را» / کاربرد واژگان کهن از قبیل: گدازنده، سبق بردن، زبر، اختر، هفت طبق، زهره، کاربرد «امر» به معنی دستور و فرمان و «امر کردن» / کاربرد «سر» به معنی «راهنما و رهبر» ویژگی‌هایی که بدیع و نزدیک به سبک عراقی است.

کاربرد فعل ماضی بدون «ب» / کاربرد واژه‌های جدیدتر مانند: پیشرو، راهبر.

ویژگی‌های ادبی: ۱- قالب: غزل

۲- وزن شاد و طرب انگیز: مفتعلن

بیت اول: توجه به علوم ادبی بیان و بدیع از قبیل: تکرار تضاد (مرده، زنده، گریه و خنده) و تشبیه

بیت دوم: قافیۀ میانی، تشبیه و جناس ناقص بیت سوم: مراعات نظیر و تکرار در بیت سوم، کنایۀ تکرار، واج آرایی

بیت چهارم: تشبیه و ایهام بیت پنجم: تشخیص، استعاره، جناس ناقص، اشتقاق و مراعات نظیر

بیت هفتم: کنایه، استعاره و مراعات نظیر

ویژگی‌های فکری: محتوای شعر عرفانی از نوع کشف و شهودی است و بیانگر شوریدگی و طرب شاعر از درک اقبال حقیقی که همانا عنایت معشوق ازلی است.

نمونه سوالات امتحانی

۱- با توجه به بیت « سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم وزین درخت همین میوه غم است برم» نوع تشبیه و دو رکن اصلی تشبیه را مشخص کنید؟

جواب: ۱- تشبیه گسترده (مشبه: موی سر، مشبه به: درخت شکوفه‌دار، چو: ادات تشبیه، وجه شبه: سپید شدن).

۲- تشبیه فشرده (غم: مشبه، میوه: مشبه به)

۲- در بیت زیر مشبه و مشبه به را مشخص کنید و نوع تشبیه فشرده یا گسترده را مشخص کنید؟

جهان استخوانی است بی مغز صائب..... به پیش سگ انداز این استخوان را

جواب: مشبه: جهان / مشبه به: استخوانی بی مغز / نوع تشبیه فشرده

۳-واژه دریا را به عنوان «مشبه به» در یک تشبیه به کار ببرید؟

جواب: دریای دل

۴-نوع تشبیه و ارکان تشبیه را مشخص کنید؟

قطره تویی، بحر تویی، لطف تویی، قهر تویی، قند تویی، زهر تویی، بیش میازار مرا (مولوی)

جواب: همگی تشبیه بلیغ و از نوع اسنادی هستند که ادات تشبیه و وجه شبه در آنها محذوف است. تو در همه بیت مشبه و قطره، بحر، لطف، قهر، قند، زهر «مشبه به» است.

۵- در همه گزینه‌ها، به جز گزینه، صنعت ادبی «تشبیه» دیده می‌شود؟

(۱) من خویشتن اسیر کمند نظر شدم (۲) مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی

(۳) گهی چو اشک نشستم، گهی چو رنگ پریدم (۴) بگذار تا به چاه مذلت فرو رود

جواب: گزینه ۲

۶- هر یک از عبارات مشخص شده در گروه «الف» را به پاسخ صحیح آن در گروه «ب» وصل کنید

الف	ب
بلم آرام چون قویی سبکبار	مشبه به
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم	مشبه به
تو سرو جویباری، تو لاله بهاری	وجه شبه

جواب: قویی: مشبه به / کریم: وجه تشبیه تو: مشبه

۷- نوع تشبیه و ارکان آن را در ابیات زیر مشخص کنید.

«این نغمه محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران»

جواب: نغمه محبت: تشبیه: فشرده، نغمه: مشبه به / محبت: مشبه

۸- در بیت زیر کلمه آتش کدام رکن تشبیه است؟

جان گدازی اگر به آتش عشق عشق را کیمیای جان یابی

(۱) مشبه (۲) وجه تشبیه (۳) ادات تشبیه (۴) مشبه به

جواب: آتش مشبه به

۹- در کدام گزینه، ادات تشبیه به کار نرفته است؟

(۱) دلم در بیقراری، چشمه‌ی سیماب را ماند..... (۲) شبی چون شبه، روی شسته به قیر

(۳) در شجاعت، شیر ربانستی (۴) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

جواب: گزینه ۳ - ماند، چون و چو ادات تشبیه هستند.

۱۰- برای کلمه خورشید یک سخن ادبی بنویسید؟

جواب: پادشاه مشرق چهره نمود.

۱۱- در مصرع اول بیت زیر یک تشبیه وجود دارد، ارکان آن را مشخص کنید و بنویسید کدام نوع تشبیه است؟

اشک را چون لعل پروردن به خوناب جگر دیده را سودا گر یاقوت احمر داشتن

جواب: نوع تشبیه گسترده - اشک (مشبه)، چون (ادات تشبیه)، لعل (مشبه به)، پروردن با خوناب جگر (وجه شبه)

۱۲- تشبیه گسترده‌ای بسازید که دریا مشبه به آن باشد؟

جواب: قلب مادر همچون دریا عمیق است.

۱۳- در بیت زیر، تشبیه فشرده بلیغ (غیراضافی) را بیابید و ارکان اصلی آن را بنویسید.

منم کشتی در این بحر و نشاید که بر من باد سرگردان فرستی

جواب: تشبیه فشرده غیراضافی: منم کشتی: مشبه: من / مشبه به: کشتی

۱۴- تشبیه فشرده بلیغ (اضافی) در بیت زیر را به یک تشبیه گسترده تبدیل کنید.

از کیمیای مهر تو زر گشت روی من آری، به یمن لطف شما خاک زر شود

جواب: کیمیای مهر تشبیه فشرده اضافی است و تشبیه گسترده: مهر مانند کیمیا، با ارزش است.

تنظیم: روح انگیز راشدی **درس چهارم - سبک شناسی های قرن هفتم، هشتم، نهم (سبک عراقی)**

سال گذشته خواندیم که: "سبک، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی" است.

سبک شعر، مجموعه ویژگیهایی است که شاعر در نحوه بیان اندیشه به کار می گیرد و شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر، سبک شخصی اوست. و به همین دلیل، به تعداد شاعران و نویسندگان، سبک وجود دارد؛ اما در عین تفاوت، شباهتهایی نیز در نحوه بیان برخی شاعران و نویسندگان وجود دارد که آنان را در یک دسته جای می دهد.

سبک‌ها و دوره‌های شعر فارسی (براساس محیط جغرافیایی و تاریخی)

۲. سبک عراقی، از قرن ششم تا قرن دهم

۱. سبک خراسانی (ترکستانی) از آغاز تا قرن ششم

۴. دوره بازگشت؛ تمام قرن سیزدهم

۳. سبک هندی؛ از قرن دهم تا قرن سیزدهم

۶. دوره معاصر؛ قرن حاضر

۵. دوره مشروطه؛ مقارن با انقلاب مشروطه

ویژگیهای سبک خراسانی را به تفکیک قلمروهای زبانی، ادبی و فکری آموختیم و در نمونه‌هایی بررسی کردیم. ویژگیهای سبک عراقی را هم مختصراً در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری آموختیم و در نمونه‌هایی بررسی کردیم. در این درس ضمن یادآوری آن ویژگیها، آموخته‌های خود را کاملتر می کنیم.

ویژگی‌های زبانی	ویژگی‌های ادبی	ویژگی‌های فکری
- چهارچوب کلی زبان مانند سبک خراسانی - کم شدن لغات اصیل فارسی و افزایش لغات عربی	- افزایش کاربرد غزل و گسترش آن و تثبیت تخلص در انتهای آن - رواج غزل عارفانه و عاشقانه	تأثیرپذیری اندیشه و فکر از مسائل سیاسی و اجتماعی

<p>- کاربرد حرف اضافه "در" به جای "اندر"</p> <p>- کاهش کاربرد حرف نشانه "مر" در کنار مفعول</p> <p>- آمیختگی مختصات نو و کهن در شعر (مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی)</p>	<p>- کاهش کاربرد قصیده و خروج شعر از دربار</p> <p>- توجه به علوم ادبی، از جمله بیان و بدیع</p>	<p>- متعالی شدن معشوق تا حد یکی شدن با معبود (به جای معشوق زمینی در سبک خراسانی)</p> <p>- برتری عشق بر عقل</p> <p>- پرهیز از زهد ریایی</p> <p>- رواج اندیشه‌هایی چون: بی- اعتباری دنیا، اعتقاد به قضا و قدر</p> <p>- توجه به صفا و پالایش درون</p>
---	--	--

مقایسه ویژگی‌های سبک عراقی و خراسانی

ویژگی‌های زبانی:

- ۱- چهارچوب زبان همان چهارچوب زبان فارسی سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدیدی یافته است. اساساً مهمترین ویژگی زبانی سبک عراقی، درهم آمیختگی زبانی (بین زبان قدیمی خراسانی و زبان جدید) است.
- ۲- لغات فارسی اصیل قدیمی کم شده است و لغات عربی جای آنها را گرفته است. البته بیشتر این لغات عربی، لغات جاافتاده در زبان فارسی هستند نه لغات سخت و کم کاربرد.

مثلاً به این بیت از حافظ توجه کنید:

ای آن که ره به مشرب معشوق برده ای زین بحر قطره ای به من خاکسار بخش

می بینید که چهار لغت عربی، هر چند مأنوس، در آن استفاده شده است.

- ویژگی‌های ادبی:** از قرن ششم کم کم سلسله‌های بزرگ و پادشاهان ادب فارسی دوست از بین رفتند و پادشاهان جدید یا اصلاً دغدغه فرهنگ و ادب نداشتند و یا به علت نابسامانی‌های درون مملکت، فرصت پرداختن به این مسائل را پیدا نمی کردند. پس:
- شعر این دوره از دربار خارج شد. قصیده که مناسب مدح پادشاهان بود، از رونق افتاد و غزل (عارفانه و عاشقانه) رواج یافت. یکی از ویژگی‌های غزل رونق گرفته در این دوره، درج تخلص شاعر در بیت انتهایی غزل است.

تخلص: نام هنری شاعر است که معمولاً در آخرین بیت شعر (غزل) می آید.

به این ابیات توجه کنید:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد؟ گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم سر آید

بر سر کوی تو چون خواجه اگر خاک شوم به نسیم تو مگر زنده کند یاد مرا

در شعر این دوره استفاده از علوم ادبی؛ یعنی بیان و بدیع بیشتر شده است، یعنی شاعران از آرایه‌های ادبی (اعم از تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام، جناس و...) بیشتر از شاعران قرون قبل بهره می برند.

این نکته خیلی واضح است ولی شاید پرسید طراحان سوال چگونه می توانند از این نکته استفاده کنند؟

ساده‌ترین راه این است که ابیاتی را انتخاب کنند که بسامد علوم ادبی زیادی دارند و در برابر ابیاتی که کمتر دارای آرایه هستند، قرار دهند. اینگونه، سوال به طوری با بخش آرایه‌های ادبی کتاب درسی ترکیبی می‌شود؛ پس باید روی آنها هم مسلط باشید.

مثال: این قطعه از رودکی را در نظر بگیرید:

زمانه پندی آزادوار داد مرا زمانه را چو نکو بنگری همه پند است

به روز نیک کسان گفت تا تو غم مخوری بسا کسا که به روز تو آرزومند است

می بینید که در کل این دو بیت، فقط یک آرایه تشخیص وجود دارد (این که زمانه به شاعر پند داده است).

حال این بیت حافظ را ببینید:

ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل سلسبیلت کرده جان و دل سبیل

در این بیت، دو تشبیه (رخ مانند بهشت و لب مانند چشمه گوارای بهشتی) و یک استعاره (لعل، استعاره از لب) و یک کنایه (سبیل کردن، یعنی نابود کردن) وجود دارد.

ویژگیهای فکری: فکر این دوره با تأثیرپذیری از مسائل سیاسی و اجتماعی، دست خوش تغییر شده است. از نظر توجه و چگونگی رفتار با معشوق، در دوره خراسانی، معشوق شاعر زمینی و دست یافتنی بوده است؛ از این رو شاعر احترام بسیار زیادی برای او قائل نیست و حتی خیلی از اوقات او را سرزنش و نکوهش می‌کند یا او را تهدید به ترک و تنها گذاشتن می‌کند.

به این ابیات فرخی، شاعر قرن ۵ توجه کنید:

آشتی کردم با دوست، پس از جنگ دراز هم بدان شرط که با من نکند دیگر ناز

ز آن چه کرده است پشیمان شد و عذر همه خواست عذر پذیرتم و دل در کف او دادم باز

می بینید که شاعر با معشوق خود جنگ کرده و آشتی نموده است؛ اما شرط گذاشته که دیگر ناز نکند و او هم عذر خواسته و شاعر هم منت بر سر او نهاده و دل به او باز داده است.

حالا جناب سعدی را ببینید:

رای خداوند راست، حاکم و فرمانرواست گر بکشد بنده ایم ورنه بنوازد، غلام

ماه چنین کس ندید، خوش سخن و خوش خرام ماه مبارک طلوع، سرو قیامت قیام

سعدی با اغراق معشوق را زیبا و بلندقامت توصیف کرده و بنده و غلام اوست، حتی اگر او را بکشد.

بعد از حمله مغول‌ها و در نتیجه خدشه دار شدن غرور ایرانیان، نیاز به سخنان آرامبخش و توجه به امور اخروی، بیشتر می‌شود. یکی از پیامدهای این مسئله، توجه به تصوف (عرفان) است.

انواع ویژگی‌های فکری را با هم مرور می‌کنیم:

-بی اعتباری دنیا:

جهان و کار جهان، جمله هیچ بر هیچ است هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

-اعتقاد به قضا و قدر:

که شرط نیست که با زورمند بستیزند

رضا به حکم قضا اختیار کن سعدی

هرچه از دوست رسد نکوست:

تفاوتی نکند چون نظر به عین رضاست

میان عیب و هنر پیش دوستان کریم

-پرهیز از زهد ریایی:

حافظ این خرقة پشمینه بینداز و برو

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت

-برتری عشق بر عقل:

کسی آستان بوسد که جان در آستین دارد

حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است

مقایسه و ویژگیهای فکری سبک‌های خراسانی و عراقی

سبک عراقی	سبک خراسانی
ستایش عشق	ستایش خرد
غم گرایی	شادی گرایی
رواج روحیه عرفانی و اخلاقی	رواج روحیه حماسی و پهلوانی
آسمانی بودن معشوق	زمینی بودن معشوق
بازتاب بیشتر علوم در شعر	بازتاب اندک علوم در شعر

ویژگی‌ها و مختصات نثر سبک عراقی:

ویژگی‌های فکری	ویژگی‌های ادبی	ویژگی‌های زبانی
کاهش صحت و اتقان مطالب و بروز ضعف و انحطاط فکری	کاسته شدن از نفوذ و سیطرهٔ زبان عربی (به دلیل سقوط بغداد به دست هلاکو) و انحطاط زبان عربی	ضعف نثر فنی و گرایش به ساده نویسی
ضعف و سستی تحقیق و تتبع به علت از میان رفتن حوزه‌های علمی و نبودن استادان بزرگ	عدم تمایل ادبای بزرگ به تألیف آثار به زبان عربی	بازگردانی آثار از نثرهای فنی به نثر ساده
کمرنگ شدن عرفان واقعی و اصیل با کنار آمدن مدعیان عرفان با مغولان	صنایع ادبی جایگزین تعمق و تفکر شد.	رواج اسلوب سازی در تاریخ نویسی
درسی کردن و شرح اصطلاحات عرفان و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن	گرایش به ظاهرسازی صنایعی چون: معماپردازی و اشعار ذوقافیتین	بروز ضعف و سستی در ساخت دستوری جملات. رواج و افزایش کاربرد واژگان ترکی و مغولی مانند: قشلاق و قشون

خودارزیابی

۱) شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

آن یکی آمد در یاری بزد	گفت یارش کیستی ای معتمد
گفت من، گفتمش برو هنگام نیست	بر چنین خوانی مقام خام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق	کی پزد کی وارهاوند از نفاق
رفت آن مسکین و سالی در سفر	در فراق دوست سوزید از شرر
پخته شد از سوخته پس بازگشت	باز گرد خانه انباز گشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب	تا بنجهد بی ادب لفظی زلب
بانگ زد یارش که بر در کیست آن؟	گفت بر در هم تویی ای دلستان

الف) دو مورد از ویژگی‌های زبانی ابیات بالا را بنویسید. چهار چوب زبان همان چهار چوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدیدی یافته است. به کارگیری حرف نشانه مر در کنار مفعول جمله کم شده است.

ب) ویژگی فکری حاکم بر شعر چیست؟ پرهیز از زهد ریایی. توجه به صفا و پلایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم عمده این دوره را رقم می‌زنند.

پ) دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید. توجه به علوم از جمله بیان و بدیع بیشتر شد. شعر این دوره از دربار خارج شد قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت. بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول بنویسید:

بان گ زَد یا رَش کِ بَر دَر کی سِ تان
گُف ت بَر دَر هَم تَ یِ ای دِل سِ تان

_ _ U _ _ U _ _ _ U _

۲) چرا در عصر مغول و تیمور تاریخ نویسی رواج پیدا کرد توضیح دهید. تاریخ نویسی از اوایل دوره مغول به سبب علاقه شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دوره تیموری هم ادامه یافت.

۳) ویژگی‌های زبانی ابیات فردوسی و حافظ را در مثال‌های زیر با یکدیگر مقایسه کنید.

چنین گفت رستم به آواز سخت	که ای شاه شادان دل و نیک بخت
اگر جنگ خواهی و خون ریختن	بر این گونه سختی بر آویختن
بگو تا سوار آورم زابلی	که باشند با خنجر کابلی
بر این رزمگه شان به جنگ آوریم	خود ایدر زمانی درنگ آریم

فردوسی

*

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد
از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار
یک نقطه از این معنی گفتیم و همین باشد
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
شاید که چو وایینی خیر تو در این باشد
نقشش به حرام ار خود صور تگر چین باشد
حافظ

لغات فارسی اصیل قدیم کم شده است/ «می» اندک اندک جای «همی» را گرفته است/ در «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است/ لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و بجای آنها لغات عربی گرفته شده است.

۴) یک مورد از ویژگی‌های فکری بیت‌های زیر را بنویسید. سپس تشبیه‌های موجود را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

آتش است آب دیده مظلوم / چون روان گشت خشک و تر سوزد

تو چو شمعی از او هراسان باش / کاول آتش ز شمع سر سوزد

معشوق شاعر، زمینی و دست یافتنی بود/ در شعر این دوره مقام معشوق اندک اندک متعالی می‌گردد/ اعتقاد به قضا و قدر رواج بیشتری می‌باید/ توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود.

آتش: مشبه به / آب دیده مظلوم: مشبه / چون روان گشت خشک و تر سوزد: وجه شبه و تشبیه گسترده / تو: مشبه / چو: ادات تشبیه / شمعی: مشبه به / کاول آتش ز شمع سر سوزد: وجه شبه و تشبیه گسترده

۵) ویژگی‌های فکری متن زیر را بنویسید. بدان که شریعت گفت انبیاست و طریقت کرد انبیاست و حقیقت دید انبیاست. سالک باید که اول از علم شریعت آنچه مالا بد است بیاموزد و یاد بگیرد و آنگاه از عمل طریقت آنچه مالا بد است به جای آورد تا از انوار حقیقت به قدر سعی و کوشش وی روی نماید.

به علت متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها از صحت مطالب کاسته شد. به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی تحقیق در بین علما و ادیبان تضعیف شد.

۶) پایه‌های آوایی در بیت دوم شعر فردوسی (خودارزبایی ۳) مشخص نمایید.

اَ گَر جَن گِ خَا هِی یُ خُونِ رِی خِ تَن

بَ رِیْنِ گُونِ سَخِ تِی بَ رَا وِی خِ تَن

_U / _ _ U / _ _ U / _ _ U

درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)

تنظیم: لیلا شکری از کندوان

تک لختی } همسان }
دولختی (دوری) } وزنه‌ای }
ناهمسان }

وزنهای همسان تک لختی:

وزنهای همسان تک لختی: (پایه‌های آوایی یکسان یا متفق الارکان) که این پایه‌های آوایی به دوشکل هستند:

الف) کاملاً تکراری
ب) فقط هجای پایانی متفاوت (محدوف)

وزنهای همسان دولختی: (یا دوری که اوزان در مصراع‌ها یک درمیان تکرار می‌شود)

وزنهای ناهمسان (مختلف الارکان که دارای سه یا چهار وزن متفاوت در ابیات هستند)

اوزان همسان تک لختی (توضیحات بیشتر)

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. این پایه‌های تکراری و هماهنگ را "پایه‌های آوایی همسان" می‌نامند.

مثال: درین درگاه بی چونی همه لطف است و موزونی
چه صحرایی چه خضری چه درگاهی نمی‌دانم

درین درگا	ه بی چونی	ه م لطفی	ت موزونی
چ صحرایی	چ خضری	چ درگاهی	ن می‌دانم

که از تکرار چهار پایه آوایی مفاعیلن تشکیل شده است.

مثالی برای وزن همسانی که رکن پایانی آن محذوف است:

خداوندا شبم را روز گردان
چو روزم بر جهان پیروز گردان

خ دا و ن دا	ش بم را رو	ز گردان
چ روزم بر	ج هان پی رو	ز گردان

می‌بینیم که این بیت دارای وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعی تشکیل شده است (یعنی هجای پایانی محذوف است).

توجه: وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌های آوایی بخش کردیم ساده‌ترین است که بجای هریک از این پایه‌ها معادل هریک از آنها را بیاوریم.

برخی از اوزان و اژه‌ها یا ارکان شعر فارسی

فعولن	مفاعیلن	فاعلاتن	مستفعلن	مفتعلن	فعلاتن
---u	----u	--u-	-u--	-uu-	--uu

انواع پایه‌های آوایی همسان «تک لختی»

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	فعلاتن فعلاتن فعلاتن
مفتعلن مفتعلن فاعلن	مفتعلن مفتعلن مفتعلن
مستفعل مستفعل مستفعل مستف	مستفعلن مستفعلن مستفعلن
فعولن فعولن فعولن فعولن	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن
	فعولن فعولن فعولن فعل

اوزان همسان از نگاهی دیگر

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر می‌توان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظم بخش کرد. اکنون، چگونگی نظم هر یک از این دسته‌ها را بررسی می‌کنیم.

به چینش پایه‌های آوایی بیت زیر، دقت کنید:

درین درگاه بی چونی، همه لطف است و موزونی چه صحرایی، چه خضرای، چه درگاهی، نمی‌دانم مولوی

تُ موزونی	هَم لُط فَس	هَ بی چونی	دَرین دَرگا
نِ می‌دانم	چِ دَرگا هی	چِ خَض را بی	چِ صَح را بی

با خوانش درست بیت، درنگی منظم را در میان پایه‌های آوایی هر مصراع، احساس می‌کنیم. به بیان دیگر، هر مصراع از پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی تشکیل شده است. این پایه‌های تکراری و هماهنگ را، «پایه‌های آوایی هم‌سان» می‌نامیم.

وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌های آوایی بخش کردیم؛ ساده‌تر این است که به جای هر یک از این پایه‌ها، معادل هر یک از آن‌ها را بیاوریم. معادل‌های این پایه‌ها را «وزن واژه یا رکن» می‌نامیم. برخی از وزن واژه‌های شعر فارسی عبارت اند از:

فعولن (- - U) مفاعیلن (- - - U) فاعلاتن (- - U -) مستفعلن (- - U) فعلاتن (- - - UU) مفتعلن (- U U -)

مثلاً در این بیت «وزن واژه»، مفاعیلن (ت تن تن تن) است.

تُ موزونی	هَم لُط فَس	هَ بی چونی	دَرین دَرگا	پایه‌های آوایی
نِ می‌دانم	چِ دَرگا هی	چِ خَض را بی	چِ صَح را بی	
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	وزن

تکرار و تمرین از طریق گوش دادن، یکی از راه‌های مؤثر درک وزن بیت است. هم‌چنین قرار دادن نشانه‌های هجایی یکی دیگر از راه‌های مؤثر برای تشخیص وزن است. اکنون بیت بالا را با نشانه‌های هجایی می‌نویسیم:

تُ موزونی	هَم لُ طَس	هَبی چونی	دَرین دَرگا	پایه‌های آوایی
نِ می دانم	چِ دَرگا هی	چِ خَص را بی	چِ صَح را بی	
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	وزن
--- U	--- U	--- U	--- U	نشانه‌های هجایی

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان «مفاعیلن» (ت تن تن) تشکیل شده است. به نمونه زیر توجه کنید.

خداوندا، شبم را روز گردان چو روزم بر جهان، پیروز گردان نظامی

ز گَر دان	ش بَم را رو	خُ دَا وَن دا
ز گَر دان	چَ هان پی رو	چُ رُو زَم بَر

می‌بینیم که موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین، همسان است و همان نظم را دارد و چینش هجاهای پایه‌ها، با آن همگون است.

ز گَر دان	ش بَم را رو	خُ دَا وَن دا	پایه‌های آوایی
ز گَر دان	چَ هان پی رو	چُ رُو زَم بَر	
مفاعی (= فعولن)	مفاعیلن	مفاعیلن	وزن
-- U	--- U	--- U	نشانه‌های هجایی

پس از مقایسه این بیت با نمونه پیشین، درمی‌یابیم که تعداد پایه‌های آن‌ها، متفاوت است. هر مصراع این بیت، از سه پایه یا رکن، تشکیل شده است. وزن بیت به گونه‌ای سامان یافته است که بافت موسیقایی شعر کوتاه‌تر گردیده و یکی از پایه‌های آوایی آن کاسته شده است هم‌چنین یک هجا از پایان آن حذف شده است.

اکنون به نمونه‌های دیگر از پایه‌های همسان، توجه کنید:

روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد قائم مقام فراهانی

روزگارَس	تین کِ گه عِز	زَت دَ هَد گه	خار دا رَد
چرخِ با زی	گر آ زین با	زی چِ ها پس	یار دا رَد

هر مصراع این بیت از چهار پایه همسان منظم و تکراری، سامان یافته است؛ اما آهنگ و وزن این بیت با بیت پیشین، تفاوت دارد. به پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی هر پایه این بیت، دقت کنید.

پایه‌های آوایی	روزگارَس	تین کِ گه عِز	زَت دَ هَد گه	خار دا رَد
	چرخِ با زی	گر آ زین با	زی چِ ها پس	یار دا رَد
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	-- U -	-- U -	-- U -	-- U -

همان گونه که آورده‌ایم، وزن واژه این بیت «فاعلاتن (تن تن تن تن)» است. نمونه زیر را با هم می‌خوانیم:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش حالان شدم مولوی

پایه‌های آوایی	مَن بِ هَر جَم	عی یَ تی نا	لان شُ دَم
	جُف تِ بَدِ حا	لان خُش حا	لان شُ دَم
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	(فاعلا = فاعلن)
نشانه‌های هجایی	-- U -	-- U -	- U -

در این بیت به جای چهارپایه، سه پایه آمده و از پایه سوم نیز یک هجا کم شده است. وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

پاسخ خود ارزیابی

۱- برای هر یک از موارد زیر؛ نمونه وزن واژه مناسب بنویسید و نشانه‌های هجایی آن را مشخص کنید:

نمونه	وزن واژه	نشانه‌های هجایی
کبوتر	فعولن	-- U
می‌نوشتم	فاعلاتن	-- U -
دریا دلان	مستفعلن	- U --
نمی‌دانم	مفاعیلن	--- U
دری بگشا	مفاعیلن	--- U
بامدادی	فاعلاتن	-- U -
با ادبان	مفتعلن	- U U -
کجایی	فعولن	-- U

۲- بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن آنها را بنویسید.

الف) به گیتی هر کجا درد دلی بود به هم کردند و عشقش نام کردند عراقی

پایه‌های آوایی	ب گِی تی هَر	کُ جا دَر دِ	دِ لی بود
	بِ هَم کَر دَن	دُ عِش قَش نا	م کَر دَنَد
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

ب) چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مستت را که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی‌گیرد حافظ

پایه‌های آوایی	چِ خُشِ صیِ دِ	دِ لِمِ کَرِ دِی	بِ نَا زَمِ چَش	مِ مَسِ تَتِ رَا
	کِ کَسِ آ هُو	یِ وِ حِ شِیِ رَا	أ زِیْنِ بِهِ تَرِ	نِ مِیِ گِیِ رَدِ
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

(ج) تا نگردي بی خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان عطار

پایه‌های آوایی	تَا نَ گَرِ دِی	بِیِ خَ بَرِ اَز	جِ سِ مِ جَا نِ
	کِیِ خَ بَرِ یَا	بِیِ زِ جَا نَا نِ	یِکِ زَ مَانِ
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

۳- بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس نشانه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها قرار دهید.

(الف) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان سعدی

پایه‌های آوایی	چِ غَمِ دِیِ وَا	رِ اُمِّ مَتِ رَا	کِ دَا رَدِ چُن	تِ پُشِ تِیِ بَا نِ
	چِ بَا کَزِ مَو	جِ بَ حِ رَا نِ رَا	کِ بَا شَدِ نَو	حِ کِشِ تِیِ بَا نِ
نشانه‌های هجایی	--- U	--- U	--- U	--- U

(ب) هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست وحشی بافقی

پایه‌های آوایی	هَ رَا نِ دِلِ رَا	کِ سَوِ زِیِ نِیِ	سَتِ دِلِ نِیَسْتِ
	دِلِ اَفِ سُر	دِغِیِ رَزِ آ	بُ گِلِ نِیَسْتِ
نشانه‌های هجایی	--- U	--- U	-- U

(پ) سینه ملامال درد است ای دریغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی حافظ

مَر هَ می	تِی دُ ری غا	م ا ل دَر دَس	سِی نِ م ا ل ا	پایه‌های آوایی
ه م د می	م د خ دا را	یِی ب ج ا نا	د ل ز ت ن ها	
- U -	-- U -	-- U -	-- U -	

فدایی مازندرانی

به سانِ فاخته کوکو همی زد

(ت) ز حسرت بر سر و بر رو، همی زد

هَ می زد	سَ رُ بَر رو	ز حَس رَت بَر	پایه‌های آوایی
ه می زد	خ ت کو کو	ب س ا ن فا	
--- U	--- U	--- U	

۴- بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید.

سلمان ساوجی

همی نالید و با گل راز می‌کرد

(الف) سحرگه بلبلی آواز می‌کرد

ز می گرد	بُ لی آ وا	سَ حَر گَ ه بُ ل	پایه‌های آوایی
ز می گرد	دُ با گُل را	هَ می ن ا لی	
مفاعی	مفاعیلن	مفاعیلن	
-- U	--- U	--- U	نشانه‌های هجایی

خاقانی

تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست

(ب) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست

غَم فِ رِست	دو ست ما را	گَر دِ ای می	م ا بِ غَم خو	پایه‌های آوایی
د م فِ رِست	نُز دِ ما هر	غَم فِ رِسِ تی	تُح فِ ای کَر	

وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلتن
نشانه‌های هجایی	-- U -	-- U -	-- U -	- U -

(پ) خوشا از نی خوشا از سر سرودن خوشا نی نامه‌ای دیگر سرودن قیصر امین پور

پایه‌های آوایی	خُ شَا آز نی	خُ شَا آز سَر	سُ رُو دَن
	خُ شَا نی نا	مِ ای دی گَر	سُ رُو دَن
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی
نشانه‌های هجایی	--- U	--- U	-- U

(ت) عزیزا کاسه چشمم سرایت میان هردو چشمم جای پایت باباطاهر

پایه‌های آوایی	عَ زِی زا کا	سِ یِ چِشَمَم	سَ رَا یَت
	مِ یُو نِ هر	دُ چِشَمَم جا	یِ پَا یَت
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی
نشانه‌های هجایی	--- U	--- U	-- U

۵- ابیات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی
 در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟
 سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟
 الف) ویژگی‌های ادبی سبک عراقی را در آن بیابید.

چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی
 به امید آن که شاید تو به چشم من درآیی
 که شنیده‌ام ز گل‌ها همه بوی بی وفایی
 فخرالدین عراقی

قالب: غزل؛ / توجه بیشتر به کاربرد آرایه‌های ادبی: تشبیه: اینها باغ آشنایی، گلستان چشمم / سر: مجاز از: قصد

ب) دو مورد از ویژگی‌های فکری ابیات را بنویسید. پاسخ: فراق، غم‌گرایی و بیان بی وفایی معشوق

تست‌های کنکوری

۱- کدام یک از بیت‌های زیر همسان سروده شده اند.

- | | |
|-------------------------------------|--|
| (۱) ماهی که قدش به سرو می ماند راست | آینه به دست و روی خود می آراست |
| (۲) دردیر مغان آمد یارم قدحی دردست | مست از می و می خواران از نرگس مستش مست |
| (۳) بردر ارباب بی مروت دنیا | چند نشینی که خواجه کی به در آید |
| (۴) زشاهراه سعادت به باغ رضوان رفت | وزیر کامل ابونصر خواجه فتح الله |

۲- وزن کدام یک از ابیات زیر ناهمسان است

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------|
| (۱) نمیبینم از همدمان هیچ برجای | دلم خون شد از غصه ساقی کجایی |
| (۲) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت | قطره باران ما گوهر یکدانه شد |
| (۳) همه آفاق گرفت و همه اطراف گشاد | صیت مسعودی و آوازه شه سلطانی |
| (۴) تا چه کند بارخ تو دود دل من | آینه دانی که تاب آه ندارد |

۳- وزن کدام مصراع "مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن" است

- | | |
|------------------------------------|--|
| (۱) توخون خلق بریزی و روی درتابی | (۲) ای خسته دلم در خم چوگان توگویی |
| (۳) ای باد که بر خاک در دوست گذشتی | (۴) صبای روضهٔ رضوان ندانمت که چه بادی |

۴- تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

"زدست ترش روی خوردن تبرزد
چنان تلخ باشد که گویی تبرزد"

الف) فعولن فعولن فعولن فعل
ب) فعولن فعولن فعولن فعل

ج) فعولن فعولن فعولن
د) فعولن فعولن فعل

پاسخ تستها:

(۱) شماره یک گزینه ۲ / (۲) شماره دو گزینه ۴ / (۳) شماره سه گزینه ۴ / (۴) شماره چهار گزینه ۲

درس نهم: مجاز

وقتی معلم موقع درس دادن از شما دانش آموزان می پرسد: «گوشتون با منه؟» منظورش چیست؟ آیا او می خواهد که گوش شما در دستش باشد؟! یا گوینده اخبار می گوید: «همه ایران کرونا را شکست خواهد داد.» آیا منظور این است که همه شهرها و رود

خانه‌ها و کوهها و جنگل‌ها کرونا را شکست خواهند داد؟! روشن است که منظور معلم از «گوش»، «شنونده» و مقصود گوینده اخبار از «ایران»، «مردم ایران» است پس معلم و گوینده اخبار در حقیقت از آرایه مجاز استفاده کرده‌اند.

مجاز: یعنی به کار بردن کلمه‌ای در معنای غیر واقعی آن است یعنی معنایی غیر از معنای لفظی‌اش.

کاربرد کلمات در معنای مجازی در زبان محاوره بسیار است وقتی می‌گوییم: «زهرای لیوان را سرکشید.» «لیوان» مجازاً «محتوای لیوان»؛ خوردن لیوان که عاقلانه نیست؛ هست؟!

البته دریافت معنی غیر حقیقی واژه که بر اساس «علاقه یا پیوند» بین آن معنا با معنای حقیقی به ذهن می‌آید؛ که علاقه پیوندی است میان حقیقت و مجاز: مجاز بدن علاقه وجود ندارد آفرینش مجاز با علاقه صورت می‌گیرد.

در متن دارای مجاز معمولاً نشانه‌ای وجود دارد که ذهن را از توجه به معنی حقیقی باز می‌دارد. این نشانه «قرینه مجاز» خواننده می‌شود.

در مثال بالا همه ایران مجاز و بقیه جمله قرینه‌ای برای مجاز است و نشان می‌دهد که منظور از ایران معنی حقیقی این کلمه نیست و بین «ایران» و «مردم ایران» نیز علاقه و پیوندی است که ایران را گفته‌ایم و مردم ایران را اراده کرده‌ایم. پس «همه ایران» مجاز، بقیه جمله قرینه‌ای است که ما را به مجاز بودن «همه ایران رهنمون» می‌سازد.

* **نکته:** پس می‌توان گفت: قرینه نشانه‌ای است که مانع دریافت معنی حقیقی واژه می‌شود.

حقیقت: معنی واقعی و رایج یک واژه که فوراً به ذهن می‌رسد **معنای غیر حقیقی:** سخن شاعران

چنین کاربردهایی را در سخن شاعرانه و نیز کلام عادی بسیار سراغ داریم، زبان فارسی به طور گسترده از معانی مجازی در ادای مقاصد خویش بهره می‌برد.

* **نکته:** علت به وجود آمدن مجاز در زبان محدود بودن الفاظ و نا محدود بودن معانی است.

در بیت زیر دو واژه در معنای غیر حقیقی یا مجازی به کار رفته‌اند:

چه زخم چو نای هر دم ، ز نوای شوق او دم ؟ که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

واژه	معنای حقیقی (اصلی)	معنای مجازی (غیر حقیقی)
دم اول	نفس	لحظه
دم دوم	نفس	سخن گفتن

در معنای مجازی، گاهی نیز واژه‌ای را به دلیل علاقه شباهت، به جای واژه دیگر به کار می‌برند برای مثال:

سعدیا گر نکند یاد تو آن ماه، مرنج ما که باشیم که اندیشه ما نیز کنند

در اینجا معشوق را به دلیل زیبایی به ماه تشبیه شده و به جای معشوق ماه را به کار برده‌اند؛ یعنی واژه‌ای را به دلیل شباهت به

جای واژه‌ای دیگر به کار می‌برند؛ این گونه کاربرد مجاز، مهم‌ترین نوع مجاز است معنای حقیقی ماه، ماه در آسمان و معنای غیر حقیقی آن «معشوق» می‌باشد.

* **نکته ۱:** مجاز سبب ایجاز (خلاصه گویی) و مبالغه می‌شود

* **نکته ۲:** کلمه‌هایی مانند « شیر » که چند معنی لغوی دارند، مجاز محسوب نمی‌شوند.

برآشفت ایران و برخاست گرد

همی هر کس کرد ساز نبرد

معنی حقیقی «ایران»: نام کشوری است در جنوب غربی آسیا که مرکز آن تهران است. اما در این بیت «سپاه یا مردم ایران» مدنظر شاعر بوده است. پس ایران مجاز از لشکر ایران است. بین «ایران» و «مردم ایران» **علاقه و پیوندی** است که ما را از لفظ ایران به مردم ایران رهنمون می‌سازد. در این بیت «ایران» در معنای «مردم ایران» بکار رفته است. «بر آشفتن و مصراع دوم» قرینه‌ای است که ما را از معنای اصلی آن دور می‌کند..

ماه؛ دشت لاله‌ها را روشن کرده بود.

معنای مجازی ماه ، نور ماه است و قرینه آن (روشن کرد) و علاقه و پیوند آن وابستگی نور ماه به ماه است.

جهان خوردم و کارها راندم. (بیهقی)

معنای مجازی جهان، نعمت‌های جهان است و قرینه آن (خوردن) است و علاقه و پیوند بین جهان و نعمت‌های جهان وجود دارد

طاقت سر بریدنم باشد

وز حبیبم سر بریدن نیست (سعدی)

«سر» در مصراع اول حقیقت است و یکی از اندام آدمی است که جایگاه مغز اوست. اما «سر» در مصراع دوم مجاز و به معنی قصد، اندیشه و تصمیم هست و بقیه مصراع نیز قرینه است زیرا ذهن را از توجه به معنای حقیقی باز می‌دارد. علاقه‌ای که بین این دو معنی وجود دارد این است که سر جایگاه و محل اندیشه است و به همین دلیل می‌توان سر را در معنی فکر و اندیشه بکار بُرد. پس سر بریدنم نیست: یعنی تصمیم به جدایی ندارم.

konkur.info

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند (سعدی)

درخت گلی: مجاز است زیرا در غیرمعنی اصلی خود (یار) به کار رفته است. بقیه کلمات نیز قرینه‌اند. زیرا ذهن را از توجه به معنی حقیقی یعنی بوته گل باز می‌گرداند و به جستجوی معنی مجازی یعنی «یار» برمی‌انگیزاند. علاقه‌ای که گل و یار را به هم پیوند می‌دهد و سبب می‌شود یکی به جای دیگری به کار رود، شباهت است. زیر یار در زیبایی مثل درخت گل است. درخت گل: استعاره مصرحه است. زیرا «مشبه به» تشبیهی است که «مشبه» آن یار است و اکنون به جای آن بکار رفته است. بنابراین درمی‌یابیم:

❖ استعاره نوعی مجاز است ، مجازی که علاقه آن شباهت است (زیرا از نظر نویسنده یار و درخت گل با هم شباهت دارند).

❖ استعاره مصرحه نوعی مجاز است.

❖ ولی همه مجازها استعاره نیستند.

❖ استعاره از سویی با مجاز مرتبط است، زیرا در غیر معنی اصلی خود بکار می‌رود و از سویی نیز به تشبیه می‌رسد. زیرا مشبه‌به‌ای است که به جای مشبه آمده است.

علت پیدایش مجاز علاوه بر تخیل ، صرفه جویی در زبان است . زیرا در مجاز، الفاظ محدود و معانی نامحدوداند. از طرف دیگر، مجاز ، ذهن را در طلب مفهوم تازه‌تر به جستجو و تلاش وا می‌دارد. و این تلاش سبب کسب لذت ادبی می‌شود و نشانه‌ی تاثیر و نفوذ سخن است .

انواع علاقه‌ها در مجاز

علاقه جزئی: جزئی از یک چیز به جای کل آن به کار می‌رود. (ذکر جزء و اراده کلّ)

سرم درد می‌کند: **سر: مجاز از قسمتی از سر یا شقیقه سر است.**

به اشکال دارد که در هر **قنوت** دمی بشنو از نی حکایت کنیم؟

قنوت: مجاز از نماز

ستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

ذکر «بیت و غزل» و اراده کل شعر / «مفتعلن مفتعلن..... ذکر یک رکن شعر» و اراده کل شعر

« سلیمان برسانید که من چون **نگین** در کف هر دیو و ددم

نگین: مجاز از انگشتر

علاقه کلیه : کل یک چیز به جای جزئی از آن می‌آید. (ذکر کلّ و اراده جزء)

سپید شد چون درخت شکوفه دار **سرم** وزین درخت همین میوه غم است برَم

سر: مجاز از موی سر

آب صافی شده است خون دلم خون تیره شده است **آب سرم**

آب سر: مجاز از آب چشم (اشک)

گر نخواهد که برآشفته شود کار جهان **دست** در حلقه زلف تو کمی باید زد

دست: مجاز از سر انگشتان

۳

علاقه ظرف (محلّیه): ظرف و محل قرار گرفتن چیزی به جای خود آن چیز می آید. (ذکر محل و اراده حال)

سراسر هم **دشت** بریان شدند بر آن چهر خندانش گریان شدند

دشت: مجاز از مردم دشت

دست ار دهد به پای گل و لاله مست باش **جامی** بنوش و بی خبر از هر چه هست باش

خون دلم از حسرت یک **جام** به جوش است آبی به سر آتش من زن که نجوشم

جام: مجاز از شراب

۴

علاقه مظرّف (محتوا): محتوای ظرف و اصطلاحاً «مظرّف» آن، نام برده می شود، در حالی که منظور،

خود ظرف است. (ذکر حال و اراده محل)

گل در بر و **می** در کف و معشوق به کام است سلطان جهانم به چنین روز غلام است

می: مجاز از جام می

(شراب را نمی توان در دست گرفت. به جای جام می (محل)، خود می (حال) را ذکر کرده است.)

پس به کران **آب** فرود آمدند و خیمه ها و شرع ها زده بودند.

آب: مجاز از رودخانه

گدا طبع اگر در تموز **آب حیوان** به دستت دهد جور سقا نیرزد

آب حیوان: مجاز از جام یا کاسه ای از آب حیات بخش.

شراب از دست خوبان سلسبیل است و گر خود خون می خوران سبیل است

شراب: مجاز از جام شراب

۵

علاقه جنسیّه: جنس وسیله ای را به جای خود آن وسیله به کار می برند.

به **آهن** سراسر بیوشید تن بدان تا نداند کسش ز انجمن

آهن: مجاز از زره

تو با او بسنده نباشی به جنگ نگر کن که **الماس** دارد به چنگ

الماس: مجاز از تیغ

بدین **چوب** شد روزگارم به سر ز سیمرخ و ز رستم چاره گر

چوب: مجاز از تیر

چو سوفارش آمد به پهنای گوش ز **شاخ گوزنان** بر آمد خروش

شاخ گوزن: مجاز از کمان

۶

علاقه سببیت:: (علت و معلولی): به کار بردن «کننده» و «کنش» به جای یکدیگر .

الف- ذکر سبب (علت) و اراده مُسَبَّب (معلول)

هر چه گفتم **نفسم** در نگرفت که تو بد خویی و سست ایمانی
نفس: مجاز از سخن، (نفس = بازدم) عامل و علت سخن گفتن است.

مده از دست کنون فرصت امکان چو تو را **دست** آن هست که داد دل احباب دهی
دست: مجاز از قدرت

ب- ذکر (مُسَبَّب (معلول، کنش) و اراده مُسَبَّب (باعث، کننده).

با جوهر بنویس: جوهر مجاز از خودنویس = با خود نویس بنویس
« وَيَنْزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا » (و از آسمان برای شما روزی می فرستد).

روزی: مجاز از باران

یعنی باران می فرستد که آن باران سبب پدید آمدن روزی می شود.

۷

علاقه همراهی (لازم و ملزوم): یک پدیده به جای پدیده همراهش می آید.

دل من سر به سر در آتش عشقش کباب
ز مستی قصد **خونم** داشت چشم نیم خواب او
خون: مجاز از کشتن (کشتن معمولاً با خونریزی همراه است .)

فلان را در دوستی **پای** نیست. / پای: مجاز از پامردی
راه می بینم در ظلمت، من پر از **فانوسم** / من پر از نورم و شن
فانوس: مجاز از نور. (نور لازمه فانوس است)

۸

علاقه شباهت (استعاره): واژه‌ای به سبب شباهت به جای واژه‌ای دیگر به کار می رود.

این نوع مجاز را به نام‌های « استعاره، مجاز بالاستعاره و مجاز ادبی» می‌شناسند و مهم‌ترین نوع مجاز است.

یکی **ابر** دارم به چنگ اندرون که هم‌رنگ آب است و بارانش خون
ابر: مجاز از شمشیر

سکندر چو دید آن تن پیل مست
ازدها: مجاز از خنجر
یکی کوه زیر **ازدها**یی به کف



علاقه‌آلیه (ابزاری): ابزاری ذکر می‌گردد و عمل آن اراده می‌شود.

که لیلی گر چه در چشم تو حوری است به هر جزیی ز حسن او قصوری است

چشم: مجاز از نگاه

بر آشفت عابد که خاموش باش تو مرد زبان نیستی گوش باش

زبان: مجاز از سخن / گوش: مجاز از شنونده

چنان دید بر روی دشمن ز خشم که شد ساخته کارش از زهر چشم

چشم: مجاز از نگاه



سایر علاقه‌ها : عام، خاص / ماکان، مایکون / مجاورت / تضاد و ...

واژه‌های زیر در اغلب موارد مجاز هستند (به شرط وجود قرینه)

ردیف	واژه	مجاز	ردیف	واژه	مجاز
۱	سر	موی سر / فکر و اندیشه	۱۶	سر تا پای	همه وجود
۲	دست	انگشت / قدرت ، توان	۱۷	نان	رزق و روزی
۳	پیمانه	باده	۱۸	زبان	سخن
۴	بیت	شعر	۱۹	پیمانه / کاسه / قرابه / پیاله	محتویات آن
۵	جهان	دنیا، شهر، دشت، مردم	۲۰	ایران	مردم، سپاه، تیم ایران
۶	نگین	انگشتر	۲۱	چرخ	آسمان
۷	خاک	زمین، سرزمین، دنیا، قبر	۲۲	نظر / چشم	نگاه
۸	آبی و خاکی	انسان	۲۳	گوش	شنیدن
۹	خون	کشتن	۲۴	دل / سینه	انسان
۱۰	بازو	قدرت	۲۵	شمع	نور شمع
۱۱	فردا	آینده، قیامت	۲۶	آهن	تیشه
۱۲	قلم، کلک	نوشتن	۲۷	الحمد خواندم	فاتحه خواندن
۱۳	دم، نفس	لحظه	۲۸	دیدۀ پر آب	چشم پر اشک
۱۴	کام	دهان	۲۹	جگر / زهره	جرأت
۱۵	پولاد / آهن	شمشیر	۳۰	زبان	سخن

۱- معنی حقیقی و مجازی را در واژه‌های مشخص شده بررسی کنید:

الف) درخت تو گر بار دانش بگیرد / به زیر آوری چرخ نیلوفری را

چرخ: معنی حقیقی - ابزاری که حرکت دورانی دارد / معنی مجازی - فلک، روزگار، آسمان، تقدیر

ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / چه خیال گذر کرد و گذر نکرد خوابی

سر: معنی حقیقی - عضوی از بدن انسان / معنی مجازی - اندیشه، خیال، تصمیم، فکر

پ) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق

سینه: معنی حقیقی - عضوی از بدن انسان / معنی مجازی - ، قلب عاشق و صاحب درد، قلب انسان آگاه

۲ - در سروده‌های زیر مجاز را مشخص کنید.

الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهربندان دشمن / از خواب دوشینه برخاست / دیدند / زان مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست.

شفیعی کدکنی

فردا: مجاز از آینده / شهر: مجاز از مردم شهر / مرغ: مجاز از ققنوس

ب) فریشتگان سنگ به وی می‌زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟

رشید الدین میبیدی

خاکی و آبی: مجاز از انسان

پ) چرا چون لاله خونین دل نباشم / که با ما نرگس او سر گران کرد

حافظ

نرگس: مجاز از چشم

ت) دل عالمی بسوزی چو عذار بفروزی / تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا

حافظ

دل عالمی: مجاز از مردم عالم

ث) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

شهریار

نگین: مجاز از انگشتر

۳- در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص کنید.

دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید / کز یکدیگر گشایی زلف گره گشا را

فروغی بسطامی

دست: مجاز از انگشتان / گره گشودن: قرینه مجاز

۴- بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید:

سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم / وز این درخت همین میوه غم است برم / جامی

قلمرو فکری: بازگو کننده احساسات شخصی شاعر نسبت به پیری و گذر عمر است. او از عمری شکایت می‌کند که با ناراحتی و غم سپری شده است. از این که ایام جوانی را معتنم ندانسته افسوس می‌خورد.

قلمرو ادبی: در سطح بدیع لفظی: واج آرایبی صامت «ر» / تکرار واژه درخت

در سطح بدیع معنوی: مراعات نظیر بین واژگان «درخت، شکوفه، میوه» / «بَر - سَر»: جناس ناهمسان

در سطح بیان: کاربرد واژه «سر» در معنی مجازی «موی سر»

«شکوفه»: استعاره مصرّحه از موی سپید / درخت در مصراع دوم: استعاره مصرّحه از موی سر

تشبیه فشرده اضافی: «میوه غم» / تشبیه گسترده: سر به درخت شکوفه دار تشبیه شده است

۵- وزن بیت زیر را مشخص کنید.

خدایا ز عفوَم مکن نا امید

بضاعت نیاوردم آلا امید

وزن بیت: فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ فَعَلْ

سعدی

۱- غزل زیر را از نظر سبک شناسی بررسی و تحلیل کنید.

من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی	عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی
دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم	باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی
آن نه خال است و زنخدان و سر زلف پریشان	که دل اهل نظر برد که سری است خدایی
عشق و درویشی و انگشت نمایی و ملامت	همه سهل است تحمل نکنم بار جدایی
گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم	چه بگویم؟ که غم از دل برود چون تو بیایی
شمع را باید از این خانه به در بردن و گشتن	تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی
سعدی آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد	که بدانست که در بند تو خوش تر ز رهایی

الف) تاریخ ادبیات: قالب: غزل، سروده سعدی شاعر قرن هفتم است. قرن هفتم از دوره‌های نخستین سبک عراقی است. در این دوره غزل‌های عاشقانه و شورانگیز فراوانی به جا مانده است.

ب) سبک شناسی:

قلمرو زبانی: در این غزل «گشتن» به معنی خاموش کردن و «خوب» به معنی زیبا است / فعل «ندانستم» در معنای نمی دانستم (کاربرد ماضی ساده در معنای مضارع استمراری) / در افعال «عیب گندم، تحمل نکنم بگویم، بگریزد» کاربرد

مضارع ساده و التزامی در معنای مضارع اخباری / وجود حذف به قرینه معنوی: «عهد نابستن از آن به (است)، «چون بدانست که در بند تو (بودن) خوشتر (است) ز رهایی» / جملات غزل: کوتاه، ساده و بدون پیچیدگی است.

قلمرو ادبی: بیان و لحن شعر: نرم، عاطفی و عاشقانه است. / کاربرد تناسب واژگانی مثل «مهر و وفا» / «خال و زنخدان» تخلص شاعر (سعدی) در پایان شعر / واج آرایبی صامت «ب» در بیت اول / تکرار واژه‌های «غم» در بیت پنجم و «خانه» در بیت ششم / مراعات

نظیر بین واژه‌های (خال، زنخدان، سر، زلف) / کاربرد کنایات: در بند تو بودن، دل به تو دادن انگشت نمایی «استعاره مصرحه در واژه «کمند» / تشبیه فشرده اضافی: «بار جدایی» / مجاز در واژه‌های (زنخدان، خال، شمع، سر

زلف) زبان شعر را برجسته و موجب زیبایی غزل شده است.

قلمرو فکری: بارزترین ویژگی غزل در قرن هفتم، وجود درون مایه‌ای است که بسیار مورد توجه بوده است. آسیب‌های اجتماعی وارد شده از سوی مغولان و کشته شدن ادیبان و دانشمندان و یا متواری شدن آنها مردم را به درون گرایی و انزوا سوق داد. که نمود آن را در غزل‌های عاشقانه و عارفانه این دوره می‌توان دید.

موسیقی شعر: واژگان قافیه بر اساس الگوی غزل و بر اساس قاعدهٔ یک (مصوت بلند) «ا» حرف اصلی در پایان واژه‌های قافیه است. پایه‌های آوایی شعر همسان و از تکرار چهار بار «فَعْلَاتُنْ» تشکیل شده است. ضرباهنگ، کُند و آرام و مناسب با فضای عاطفی است. بیان نرم، لطیف و شاعرانه است.

۲- متن زیر را از نظر زیبایی شناسی بررسی نمایید:

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.» سعدی

پاسخ: این متن، از دیباجهٔ گلستان سعدی است و از بهترین نمونه‌های تحمیدیّه در ادب فارسی؛ با نثری آهنگین، مسجع موزون و سرشار از معانی لطیف است. / آرایه‌ها در سطح بدیع لفظی: واج آرای صامت «ر» در کل متن / کاربرد واژه‌های سجع: «گفته، فرموده، بگسترد، بیورد، زمرّدین، زمین، گرفته، نهاده، دربر، بر سر» / جناس ناقص اختلافی بین واژه‌های «بنات، نبات» جناس ناقص افزایشی بین واژه‌های «فرش، فراش» / توالی کسره‌ها در ترکیب‌های وصفی و اضافی / واج آرای مصوت کوتاه «ب» در سطح بدیع معنوی: مراعات نظیر بین واژه‌های («خلعت، قبا، کلاه» - «مهد، دایه و بیورد» - «فراش، فرش، بگسترد» - «درخت، شاخ، ورق، شکوفه، ربیع». جملهٔ دوم تلمیح دارد به سورهٔ نَبَأ آیه ۶ (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا)

در سطح بیان: تشبیه فشردهٔ اضافی در ترکیب‌های «فراش باد صبا، دایهٔ ابر، بنات نبات، اطفال شاخ، کلاه شکوفه» / فرش زمرّدین: استعاره مصرحه از چمن / «فرش گستردن باد صبا»، «بنات نبات»، «پروردن ابر بهاری»، «خلعت داشتن درختان»، «کلاه بر سر داشتن شاخه‌ها» استعاره مکنیه تشخیص است.

۳- وزن بیت زیر را بنویسید.

ز یزدان دان، نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد که خطّی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی سنایی

سوالات تستی

مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

۱- در کدام گزینه آرایه‌های «تلمیح-واج آرای-مجاز- تشبیه- کنایه- جناس تام» وجود دارد؟

(۱) بی لب شیرین نباید خسروی فرهاد را زان که شاهی با لب شیرین چون شگر خوش است خوشبینی

(۲) چون خلیل از طالب حبّ خلیلی هستی ات بر باد ده شو در آتش گر سر آن ماه داری ز آتش هجران بسوز

(۳) فلک خمیده نگاهش به من که با تن چون دوک گونه بار امانت نشانده اند به دوشم

(۴) هر که را سودای لیلی نیست مجنون آن کس است ورنه مجنون را چو نیکو بنگری دیوانه نیست

۲- در کدام گزینه مجاز وجود ندارد؟

- (۱) هم چو خورشید و ماه در تابد
عشق تو هر شبی ز روزن من
- (۲) غمزه خوبان دل عالم شکست
شیر دل است آن که از این غمزه رست
- (۳) به دیناری چون خر در گل بمانند
ور الحمدی بخواهی صد بخوانند
- (۴) از عشق تو سخت ناتوانم
رنجی برگیر اگر توانی

۳- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه های «مجاز - تشبیه - تناقض - جناس» کدام است؟

- الف) گر دست دهد دولت آنم که سر خویش
در پای سمنند تو کنم نعل بهایی
- ب) من خود به چه ارزم که تمنای تو ورزم
در حضرت سلطان که برد نام گدایی؟
- ج) بیداد تو عدل است و جفای تو کرامت
دشنام تو خوش تر که ز بیگانه دعایی
- د) شاید که به خون بر سر خاکم بنویسند
این بود که با دوست به سر برد وفایی
- (۱) ج - الف - ب - د (۲) ج - د - الف - ب (۳) د - الف - ج - ب (۴) د - ب - الف - ج

۴- آرایه درج شده در برابر چند بیت نادرست است؟

- الف) چو شمعم در غمت سوزان و اشک از دیده می بارم
به روزم مرده از هجران و شب را زنده می دارم : تضاد
- ب) اگر چشمم چنین گرید میان خاک کوی تو
ز اشک او همی ترسم که در شهر اوفتد سیلی: اغراق
- ج) تو را این گنج در چنگ اوفتاده ست
قمر در چنگ خرچنگ اوفتاده ست: جناس تام
- د) چو منصور از مراد آنان که بر دارند بردارند
که با این درد اگر در بند درمانند درمانند: تلمیح
- ه) مست و خرابم تا ابد نی دل شناسم نی خرد
کاندرا خرابات ازل نوشیده ام پیمانهای: مجاز
- و) ای نسیم سحری! بوی بهارم برسان
شکری از لب شیریم نگارم برسان : تشخیص
- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۵- کدام بیت، فاقد مجاز است؟

- (۱) اگر بر سر خاک من بنشیننی و برخیزی
تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
- (۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم
لیکن از بر من جان به ناتوانی برد
- (۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
کان که در دست تو فتاد ز سر نندیشد
- (۴) سهل است به خون من اگر دست بر آری
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

۶- «جهان» در همه گزینه ها به جز به عنوان صنعت مجاز به کار رفته است .

(۱) جهان ، متفق بر الهیتش (۲) جهان ز درد فراق تو آه و ناله کند

(۳) جهان ، ای پسر ملک جاوید نیست (۴) جهان، دل نهاده بر این داستان

۷-در کدام گزینه از صنعت مجاز استفاده نشده است ؟

(۱) او تمام کاسه را خورد. (۲) دنیا از زور گویی بیزار است.

(۳) مغز مهم‌ترین بخش سیستم عصبی است. (۴) من دل این کار ندارم.

۸-«مجاز» در بیت زیر، دارای چه نوع «علاقه‌ای است؟

«برآشفتم عابد که خاموش باش تو مرد سخن نیستی، گوش باش»

(۱) آلیه (۲) جزئیه (۳) سببیه (۴) کلیه

۹-در بیت «پند من بشنو بجز با نفس شوم بد با همه عالم مدارا کن کمال این است و بس» کدام کلمه «مجاز» است ؟

(۱) پند (۲) عالم (۳) کمال (۴) نفس

۱۰-کلمه «خون» در بیت زیر، یادآور کدام علاقه مجاز است ؟

«یاد باد آن که به قصد خون ما عهد را بشکست و پیمان نیز هم»

(۱) ابزاری (۲) محلیه (۳) سببیه (۴) همراهی

۱۱-کلمه «سر» در بیت زیر، مجاز به علاقه چیست؟

«سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی»

(۱) محلیه (۲) مشابهت (۳) سببیت (۴) آلیه

۱۲-در همه بیت ها به جز مجاز به علاقه جزئیه مشهود است.

(۱) پیش دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش

(۲) برآشفتم ایران و بر خاست گرد همی هر کس کرد ساز نبرد

(۳) به یاد روی شیرین بیت می گفت چو آتش تیشه می زد، کوه می سفت

(۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند نشاید بعد از مرگش الحمد خواند

۱۳-در بیت «درخت زرد شد و آسمان به قیر نشست هوا دژم شد و دی ماه جای تیر نشست» همه واژه‌ها به جز واژه مجاز هستند.

(۱) درخت (۲) قیر (۳) دی ماه (۴) تیر

۱۴-«مجاز» در کدام بیت با «علاقه ابزار» است ؟

(۱) بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت

۲) بگفتا فراتر مجالم نماند

بماندم که نیروی بالم نماند

۳) یکی دشت با دیدگان پر زخون

که تا او کی آید ز آتش برون

۴) یاد باد آن کو به قصد خون ما

عهد را بشکست و پیمان نیز هم

۱۵- به ترتیب در کدام ابیات آرایه های « مجاز با علاقه لازمیه، مجاز با علاقه آلیه، مجاز با علاقه محلیه و مجاز با علاقه سببیه » به کار رفته است؟

۱) چه کنم که جز ملامت نکنی به ما و هرگز

نفسم اثر ندارد به دل چو سنگت ای دوست!

۲) من شرح غمت به صد زبان خواهم گفت

چون اهل زبان نه ای، چه تدبیر کنم؟

۳) یاد باد آن کو به قصد خون ما

عهد را بشکست و پیمان نیز هم

۴) امشب سر آن دارم کز خانه برون تازم

این خانه هستی را از بیخ براندازم

۱) ج-ب-د-الف

۲) ب-الف-د-ج

۳) الف-ب-ج-د

۴) د-ب-الف-ج

۱۶- علاقه مجاز در کدام بیت با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

۱) بسته زلف تو شد دل مزنش ناوک چشم

مرغ در دام چو افتاد برون می نپرد

۲) سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم

وز این درخت همین میوه غم است برم

۳) فصل گل می گذرد هم نفسان بهر خدا

بنشینید به باغی و مرا یاد کنید

۴) مگیر از دهن خلق حرف را زنهار

به آسیا چو شدی پاس نوبت دار

۱۷- علاقه مجاز در کدام گزینه « لازمیه » است؟

۱) سواران لشکر بر انگیختند

همه دشت پیشش درم ریختند

۲) ما عیب و نقص خویش و کمال و جمال غیر

پنهان نموده ایم چو پیری پس خضاب

۳) چو تنها ماند ماه سرو بالا

فشاند از نرگسان لؤلؤی لالا

۴) خروشی برآمد ز دشت و ز شهر

غم آمد جهان را از آن کار بهر

۱۸- در همه گزینه ها به جز گزینه دو « مجاز » به کار رفته است.

۱) میان ماه من تا ماه گردون

تفاوت از زمین تا آسمان است

بنال بلبل اگر با منت سر یاری است

که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است

۲) حکایت فاش گشت اندر زمانه

به گوش عالمی رفت این فسانه

فرخنده شبی بود که آن دلبر مست

آمد ز پی عادت دل، تیغ به دست

۳) بیار باده که رنگین کنیم جامه زرق

که مست جام غروریم و نام هشیاری است

- شدم عاشق به بالای بلندش
 که کار عاشقان بالا گرفته است
- ۴) عشقت نه سرسری است که از سر به در شود
 مهرت نه عارضی است که جای دگر شود
- حافظ به یاد لعلش اگر باده می خوردی
 مگذار هان که مدعیان را خبر شود
- ۱۹- نوع علاقه مجاز در کدام بیت متفاوت است؟
- ۱) بر سر ایام ما عشقش کلاه اکنون نهاد
 بر قد امید ما مهرش قبا که اکنون برید
- ۲) جهانی در پی ات مفتون به جای آب گریان خون
 عجب می دارم از هامون که چون دریا نمی باشد
- ۳) روزی اندر قدمت افتم و گر سر برود
 به زمن در سر این واقعه رفتند بسی
- ۴) راه در حلقه پیمانانه کسانت ندهند
 تا سرت را ننهی بر سر پیمانی چند
- ۲۰- علاقه مجاز در مقابل کدام بیت نادرست است؟
- ۱) منم آن مرغ گرفتار که در کنج قفس
 سوخت در فصل گلم حسرت بی بال و پری (جزئیه)
- ۲) عشق تو تا حلقه ای کشید به گوشم
 گوش مرا کسی سر شنیدن پند است (سببیه)
- ۳) روزی اندر قدمت افتم و گر سر برود
 به زمن در سر این واقعه رفتند بسی
- ۴) راه در حلقه پیمانانه کسانت ندهند
 تا سرت را ننهی بر سر پیمانی چند

پاسخ تست ها

۱- گزینه (۲): تلمیح: اشاره به روایت گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم (ع) / **واج آرایه**: تکرار صامت «ر» (۷ بار) ، «ل» (۵ بار) و «ب» (۵ بار) / **مجاز**: سر مجاز از قصد و اندیشه / **تشبیه**: [تو] (مشبه)، مانند: ادات تشبیه ، خلیل (ع) : مشبه به - وجه شبه : هستی خود را بر باد دادن / **کنایه** : برباد دادن : کنایه از نابود کردن، از دست دادن / **جناس تام** : خلیل (حضرت ابراهیم (ع))، خلیل (دوست، معشوق)

۲- گزینه (۴) : **آرایه مجاز در سایر گزینه ها**

۱) خورشید: مجاز از نور خورشید / ماه: مجاز از نور ماه

۳) دینار: مجاز از کمک مالی / الحمد: مجاز از سوره فاتحه

۳- گزینه (۳) **مجاز**: بیت «د» خاک: مجاز از آرامگاه، سنگ قبر / **تشبیه**: بیت «الف» شاعر سر خود را به عنوان «نعل بها» فدای معشوق سازد / **تناقض بیت «ج»**: عدل بودن بیداد / کرامت بودن جفا / خوشتر بودن دشنام از دعا / **جناس بیت «ب»**: ارزم ، ورزم

۴- گزینه ۴: بیت «ج» **جناس تام** (چنگ در هر دو مصراع یک معنی دارد).

بررسی سایر گزینه ها : بیت «الف» تضاد: مرده، زنده

بیت «د» تلمیح : اشاره به بر دار کردن منصور حلاج

بیت «ب» اغراق: تشکیل سیلاب از اشک زیاد

بیت «ه» مجاز: پیمانانه مجاز از شراب

بیت «و» تشخیص: مخاطب قرار دادن نسیم

۵- گزینه ۲: نرگس استعاره مصرحه از چشم

بررسی سایر گزینه ها: بیت (۱) خاک: مجاز از قبر (بیت ۳) دست: مجاز از قدرت (بیت ۴) خون: مجاز از کشتن

توجه: گاهی در سوالات چهار گزینه ای سوال می شود. در کدام گزینه مجاز وجود ندارد؟ در این نوع سوالات احتمال دارد سه تا از گزینه ها فقط مجاز باشند و یکی استعاره مصرحه. اگر چه گفتیم استعاره مصرحه نوعی مجاز است. ولی در این نوع سوالات استعاره مصرحه، را مجاز به حساب نمی آورند.

۶- گزینه ۳: دنیا / بررسی سایر گزینه ها: در گزینه های (۱) و (۲) و (۴) جهان مجاز از مردم جهان است.

۷- گزینه ۳ / بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۱) کاسه: مجاز از محتویات کاسه

گزینه (۲) دنیا: مجاز از مردم دنیا / گزینه (۴) دل: مجاز از جرأت

۸- گزینه ۲: زیرا گوش جزئی از انسان است. (البته در این تست علاقه آلیه هم درست است. چون تست آموزشی هست ایرادی ندارد.)

۹- گزینه ۲: عالم: مجاز از مردم عالم

۱۰- گزینه ۴: خون: مجاز از کشتن و علاقه لازمیّه (همراهی) است.

۱۱- گزینه ۱: سر: مجاز از قصد و فکر، علاقه محلیّه. سر، محل فکر و اندیشه است.

۱۲- گزینه ۲: ایران: علاقه محلیّه یا کلیّه

(۱) گوش مجاز از آدم شنوا، علاقه جزئیّه (۳) بیت: مجاز از شعر، علاقه جزئیّه

(۴) الحمد: مجاز از فاتحه، علاقه جزئیّه

۱۳- گزینه ۲: به قیر نشستن: کنایه از سیاه شدن

بررسی سایر گزینه ها: (۱) درخت: مجاز از برگ درخت / ۲ دی ماه: مجاز از زمستان / (۴) تیر: مجاز از تابستان

۱۴- گزینه ۲: بال: مجاز از پرواز. بال ابزار پرواز است.

بررسی سایر گزینه ها: (۱) دی ماه و اردیبهشت: مجاز از زمان، علاقه جزئیّه / خاک و خشت: مجاز از قبر و نابود شدن

(۳) دشت: مجاز از مردم دشت، علاقه محلیّه (۴) خون: مجاز از کشتن، علاقه لازمیّه

۱۵- گزینه ۱: با پیدا کردن «خون» که علاقه لازمیّه است و در گزینه «ج» هست. باید تست را جهت دار کنیم و «ج» در گزینه (۱) هست و بقیه گزینه ها رد می شوند.

(ج) خون: علاقه لازمیّه / (ب) اهل زبان: علاقه آلیّه / (د) سر: علاقه محلیّه / (الف) نفسم: مجاز از سخن علاقه سببیه

۱۶- گزینه ۲: سرمجاز از موی سر، یا علاقه کلیه است یا محلیّه / درخت: مجاز به علاقه شباهت و درخت، استعاره از سر است که سپید شده است.

بررسی سایر گزینه ها : (۱) مرغ: مجاز از پرنده را می توان علاقه شباهت گرفت. ولی چون بیت اسلوب معادله است. می توان علاقه جزئیه هم در نظر گرفت. (۳) فصل گل: مجاز از علاقه جزئیه / هم نفسان : علاقه سببیه / (۴) حرف مجاز از سخن ، علاقه جزئیه . پس گزینه های (۴) و (۳) و (۱) با علاقه جزئیه است.

۱۷- گزینه ۲) پیری: مجاز از موی سفید، علاقه لازمیّه

بررسی سایر گزینه ها: (۱) دشت: علاقه محلیّه (۳) ماه ، نرگس، لؤلؤ علاقه شباهت (۴) دشت، شهر: علاقه محلیّه / جهان: علاقه محلیّه

۱۸- گزینه ۳) : جام مجاز از شراب

بررسی سایر گزینه ها : (۱) ماه من : مجاز از معشوق / سر: مجاز از قصد و اندیشه

(۲) عالمی: مجاز از مردم عالم / دست : مجاز از کف دست (۴) سر : مجاز از فکر و اندیشه / لعل: مجاز از لب

۱۹- گزینه ۱) سر: علاقه کلیّه (کلاه قسمتی از سر است)

بررسی سایر گزینه ها : (۲) جهانی: علاقه محلیّه (۳) سر در مصراع دوم: علاقه محلیّه / (۴) پیمانانه کش: شراب نوش: علاقه محلیّه

۲۰- گزینه ۲): سر : علاقه محلیّه (علاقه سببیه باید در کلمات « نفس و دم- سیری- صفا» جستجو کرد).

بررسی سایر گزینه ها : (۱) گل : مجاز از بهار و گل جزئی از بهار است

(۲) بنا گوش سفید: مجاز از موی سفید بنا گوش ، علاقه محلیّه (۴) خون: علاقه لازمیّه

درس هفتم - تاریخ ادبیات در قرن های ۱۰ و ۱۱

مقدمه

ادبیات از ابتدای پیدایش تا به امروز، چندین مرحله را سپری کرده است و بر اساس چندین طبقه بندی، به قسمت هایی تجزیه شده است اما مهم ترین نوع آن، طبقه بندی بر اساس سبک است. همان گونه که در درس های پیشین و هم چنین سال قبل با سبک خراسانی و عراقی آشنا شدیم، در این درس به ادامه سبک عراقی خواهیم پرداخت و هم چنین با مکتب جدیدی آشنا خواهیم شد و طبق سبک های قبلی، ویژگی های این مکتب ادبی را هم روشن و آشکار خواهیم ساخت.

قرن دهم

در این قرن حکومت در اختیار جانشینان تیمور لنگ بود. اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره و به طور کلی وضع ادبیات نیز آشفته و پریشان بود. در این سال ها دو جریان شعری رونق بیشتری داشت: (۱) شعر لطیف و فصیح باباغانی (۲) مکتب وقوع (واسوخت) که نتیجه چاره اندیشی شاعران برای تغییر سبک بود.

به دنبال سیطره بلند مدت مغولان و تیموریان حتی با ظهور شاعران بزرگی مانند سعدی و حافظ و مولانا در دوره عراقی، جایی برای شکوفایی و رونق شعر فارسی، نمانده بود.

سبک عراقی در نیمه دوم قرن دهم به اوج خود رسید و شاعران این دوره این حقیقت را باور کرده بودند که شعر این دوره از واقعیت

دور شده و کاملاً جنبه تخیلی و ذهنی به خود گرفته است. پس باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد و به سوی حقیقت‌گویی و واقع‌گویی بازگردانیده می‌شد. این کار مستلزم پرداختن به مسائل اجتماعی و انتقادهای سیاسی بود.

علت گرایش شاعران به دربارهای هندی:

کم توجهی و بی‌مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران	شاعر نوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند
--	-----------------------------------

زبان فارسی که در شبه قاره هند استحکام و استقرار کافی را به دست آورده بود، همه گیر و رسمی شد و حتی تا زمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند، زبان رسمی آن دیار بود. هم‌زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان نیز که پایتخت و محل اجتماع فضلا و شعرا بود، از دیدگاه ادبی توسعه یافت و به مادر شهر مبدل گشت.

شاعران مطرح قرن دهم:

بابا فغانی شیرازی: شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است.
--

وحشی بافقی (مشهورترین شاعر مکتب وقوع): سبک شعرش حد واسط سبک عراقی و سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است.
--

محتشم کاشانی: در سرودن شعر مذهبی معروف است و ترکیب بند عاشورایی او، زبانزد است.

واسوخت شاخه ای از درخت مکتب وقوع

رویکرد اصلی مکتب وقوع، به عنوان سبک فرعی بین سبک‌های عراقی و هندی، واقع‌گرایی بین روابط عاشق و معشوق و هدف‌گرایی و واسوخت، پایین آوردن جایگاه معشوق و روی‌گردانی از آن است.

* کلمه واسوخت در زبان فارسی رایج در هند، به معنای روی‌گرداندن و اعراض است.

در این مکتب، عاشق جفای معشوق را نمی‌پذیرد ولی در سبک عراقی معشوق هر چقدر ناز می‌کرد، معشوق ناز آن را با تمام جان می‌خرید. مثلاً این بیت از وحشی بافقی:

دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم

قرن یازدهم: سبک هندی

اکنون به سومین سبک اصلی ادب فارسی برمی‌خوریم. علت این که چرا به این سبک هندی گفته می‌شود در توضیحات قبلی گفته شد و باز هم اشاره کوتاهی می‌کنیم. چون در این دوران، اکثر شاعران به هند مهاجرت کردند، کم‌کم ادبیات با تغییر سبک و سیاق مواجه شد و به دلیل موقعیت جغرافیایی شکل‌گیری این تغییر، به سبک هندی معروف شد. از طرف دیگر چون صفویان پایتخت خود را اصفهان قرار دادند و شاعران در دربار آن‌ها گرد آمدند، به سبک اصفهانی هم معروف شد.

در این دوره اکثر گروه‌های مردمی ادعای شاعری کردند. علت این ادعا، وابسته نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقه درباری در معنای سنتی آن بود. معروف است که مجموع شاعران این سبک، از کل شاعران فارسی‌زبانان تا قبل این دوره بیشتر است؛ علت آن هم این است که همه از هر گروهی و با هر معلوماتی به شعر روی آوردند.

	شاعران مطرح سبک هندی
ابداع معانی و خیال‌های رنگین، استفاده از ضرب المثل‌ها و الفاظ محاوره	کلیم کاشانی (خلاق المعانی ثانی)*
خداوندگار مضامین تازه شعری، ضرب المثل شدن اشعارش، از پرکارترین شاعران فارسی زبان، مشهور در غزل سرایی	صائب تبریزی (معروف‌ترین شاعر سبک هندی)
سرودن غزل‌های خیال‌انگیز، به کار بردن مضمون‌های بدیع و دور از ذهن و ویژگی‌های عمده شعر بیدل: مضمون‌های پیچیده، استعاره‌های رنگین و خیال‌انگیز و شرشار از ابهام، تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه	بیدل دهلوی

*به خاطر به کار بردن مضمون‌های ابداعی بی‌شمار-خلاق المعانی اول لقب کمال الدین اسماعیل بود.

سوالات چهارگزینه‌ای

(۱) خلاق المعانی ثانی لقب.....است. به دلیل.....

(الف) صائب تبریزی- تک بیت‌های غزل او

(ب) بیدل دهلوی- سرودن غزل‌های خیال‌انگیز

(ج) کلیم کاشانی- به کار بردن مضمون‌های ابداعی بی‌شمار

(د) محتشم کاشانی- ترکیب بند عاشورایی او

(۲) در معرفی باباغفانی شیرازی، کدام گزینه درست است؟

(الف) شاخصه اصلی سبک او، واقع‌گرایی است.

(ب) شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است.

(ج) در سرودن شعر مذهبی معروف است.

(د) سبک شعر او حد واسط سبک دوره عراقی و هندی است.

(۳) کدام عبارت درباره صائب درست نیست؟

(الف) او را خداوندگار مضامین تازه دانسته‌اند.

(ب) از پرکارترین شاعران فارسی زبان است، در غزل سرایی مشهور است.

(ج) بسیاری از تک بیت‌های غزلش، ضرب المثل شده‌اند.

(د) ابداع معانی و خیال‌های رنگین به غزل صائب لطف ویژه‌ای بخشیده است..

پاسخ تست‌ها : ۱: گزینه ج ۲: گزینه ب ۳: گزینه د

پاسخ خودارزیابی‌ها

(۱) استفاده از عبارات عامیانه(بخیه، دندان نما)-استفاده از آرایه‌های ادبی؛ تشخیص: خنده کفش-تضاد: پیر و جوان استفاده از اسلوب معادله در بیت دوم و استفاده از ضرب المثل

۲) هرچند شاهان صفوی در نفوذ زبان ترکی در ایران سهم فراوانی داشتند، کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته اند. وجود رقاباتی مثل شاهان عثمانی و هندی باعث شد آنها به شعر و شاعری و هنر و معماری توجه کنند.

تالیف کتب و سرودن شعر به زبان فارسی و تسلط به فرهنگ آن مورد توجه فضلاء هند بود. زبان فارسی، زبان رسمی و همه گیر شبه قاره هند بود.

۳) به کار بردن مضمون‌های بدیع و دور از ذهن و استعاره‌های رنگین، تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه، مضمون سازی در عالم طبیعت یا ذهن مانند طفل بی سوار، زخمی خمیازه، غرقه وهم، تفکر عارفانه دارد - بیشتر به معنی توجه دارد تا صورت و ظاهر

۴) کم توجهی و بی مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران و مدیحه سرایی - شاعرناواری و ادب گرایی سلاطین هندی

۵) شعر مذهبی و قالب ترکیب بند که ترکیب بند عاشورایی او با موضوع شهدای کربلا در سرزمین کربلا، زبانزد خاص و عام است.

۶) خواجوی کرمانی بیشترین آثار خود را به شیوه پیشینیان سروده و شعرش استحکام و پختگی خاصی دارد؛ این سبک غزل سرایی را حافظ با رندی و کمال هنری به اوج تعالی و زیبایی رساند و در شعرش استادی او را ستایش کرده است.

۷) الف) تخت مجاز از پادشاهی ← معنای حقیقی: وسیله شاهی - معنای غیر حقیقی: شاهی

لب و دندان مجاز از همه وجود ← معنای حقیقی: عضوی در دهان - معنای غیر حقیقی: تمام وجود

(ب)

پایه‌های آوایی	لَبُ دَنْ دَا	نِ سَ نَا یِی	هَ مِ (تو) حِی	دِ تْ گُو یِند
	مَ گَ رَزَ آ	تَ شِ دُو زَخ	بُ وَ دَشِ رُو	یِ رَهَا یِی
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
نشانه هجایی	- - U U	- - U U	- - U U	- - U U

پایه‌های آوایی	چُ او شَه	رِ ای ران	بِ گُش تاس	ب داد
	نَ یا مَد	تُ را هی	چَ زان تخ	ت یاد
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل
نشانه هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

درس هشتم - پایه‌های آوایی همسان

تنظیم: حسین عمیدی کلوانق از هریس

کلمات کلیدی تقطیع و عروض «آ - او - ای»

فَ عو لن فَ عو لن فَ عو لن

- - U - - U - - U

تَ تَنْ تَنْ تَ تَنْ تَنْ

فعولن فعولن فعولن

شاید شما بارها و بارها صدای موسیقی را شنیده‌اید و یا با شنیدن موسیقی اشعاری را که قبلا با این موسیقی خوانده شده است. در ذهنتان زمزمه کرده‌اید و یا اشعار را با صدای دلنشین خوانده‌اید و یا صدای گریه کودک (این قه این قه ...)، صدای گربه (میو میو) و صدای طبل جنگی را که با نظم و تکراری خاصی در پی هم می‌آیند، شنیده‌اید،

بله بعد از آنکه پایه‌های آوایی بیت‌ها را مشخص کردیم و با خط عمودی از هم جدا کردیم، اگر پایه‌های آوایی دو مصرع به شکلی هماهنگ در پی هم آمدند و درنگی منظم را در میان پایه‌ها احساس کردیم (هرمصرع از پایه‌های آوایی تکراری و منظم، مثلا سه هجایی یا چهار هجایی تشکیل شد) این پایه‌های تکراری و هماهنگ را پایه‌های آوایی همسان می‌نامند.

همسان در لغت ← یعنی همسان، مساوی، مانند، متحد اشکل، همانند و یکسان

مانند «جهانا چه بد مهر و بد خو جهانی چو آشفته بازار بازارگانی» (منوچهری)

جَ	ها	نا	چِ	بَد	مِه	رُ	بَد	خو	جَ	ها	نی
u	-	-	u	-	-	u	-	-	u	-	-
چُ	آ	شَف	تِ	با	زا	رِ	با	زا	رِ	گا	نی
u	-	-	u	-	-	u	-	-	u	-	-
فَ	عو	لُن	فَ	عو	لُن	فَ	عو	لُن	فَ	عو	لُن
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن

اگر کسی از من بپرسد می‌توانی در یک جمله خلاصه آموزش عروض (تقطیع کردن) را بگویی؟ می‌گوییم: «وزن شعر یعنی مصوت‌های: بلند «آ او ای»

همانگونه که شما می‌دانید زبان فارسی دارای ۲۹ واج است که ۲۳ صامت مثل: د، ر، س و... ۶ مصوت: ۳ مصوت کوتاه و ۳

و سه مصوت بلند آ او ای / اگر دانش‌آموزان نکات ریز و مهم مصوت‌ها به ویژه مصوت‌های بلند را در ذهن داشته باشد دچار خطا در تقطیع نخواهد شد.

نکات مهم

۱- (ن) ساکن بعد از مصوت بلند حذف می‌شود: خون / خان / این

اما اگر (ن) ساکن به هجای دیگر منتقل شود حذف نمی‌شود مثل از خو نِ جَ وا نِ

۲- همیشه مصوت‌های بلند (آ او ای) تقریباً دو برابر مصوت‌های کوتاه کشیده تلفظ می‌شوند پس در وزن شعر دو حرف به حساب می‌آیند (ما مو سی) هر کدام ۳ واج به حساب می‌آیند.

توجه: اگر دانش‌آموزی مصوت بلند را دو حرف به حساب نیاورد ممکن است هجای کشیده مثل مور را هجای بلند به حساب آورد و در نتیجه در پایان یک مصرع تعداد هجاهایش بیشتر از دیگری باشد

یاد آوری ۱: هجا در زبان فارسی الف هجای کوتاه دارای دو حرف (صامت + مصوت کوتاه) = $\text{فَ} \text{رُ}$

(ب) هجای بلند دارای ۳ حرف (سَر) یا معادل ۳ حرف مثل مو - با و بی علامت: -

ج) هجای کشیده که دارا ۴ یا ۵ حرف است مثل گفت یا معادل ۴ حرف مثل کار، مو و سیر علامت: - u

یاد آوری ۲: بعد از خواندن آهنگین شعر آن را به خط عروضی در می آوریم یعنی همانگونه که تلفظ می کنیم می نویسیم:

خواهر = خا هر نامه = نامه خانه = خان

یاد آوری ۳: در زبان فارسی هیچ واژه و هجایی با مصوت آغاز نمی شود و کلماتی که به نظر می رسند با مصوت آغاز شده اند

پیش از مصوت یک همزه قرار دارد. مثل آب آردک نکته: سه واج محسوب می شود آ = + (معادل دو واج)

پایه‌های آوایی همسان:

برای پیدا کردن پایه‌های آوایی همسان ابتدا شعر را بصورت آهنگین می خوانیم

روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

سپس تقطیع به هجا و بعد تقطیع به ارکان می کنیم:

رو	ز	گا	رس	تی	ک	گه	عز	زت	د	هد	گه	خا	ر	دا	رد
-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-
چر	خ	با	زی	گر	ا	زی	با	زی	چ	ها	بس	یا	ر	دا	رد
-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-
تَن	تَ	تَن	تَن	تَن	تَ	تَن	تَن	تَن	ت	تَن	تَن	تَن	تَ	تَن	تَن
فا	ع	لا	فا	ع	لا	فا	ع	لا	ع	لا	ع	فا	ع	لا	تَن
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن							

در زبان فارسی ابیات در هر مصرع (اشعار سنتی) حداقل دو رکن و حداکثر چهار رکن دارند.

می بینیم که وزن این بیت از تکرار منظم ۴ بار فاعلاتن در هر مصرع تشکیل شده است. این نظم و تکرار همسان رکن‌ها را **پایه‌های آوایی همسان** می نامند.

ارکان عروضی فارسی ۱۹ تاست که شما امسال با وزن‌های زیر آشنا می شوید:

فعولن (- - u) مفاعیلن (- - - u) فاعلاتن (- - u -)
 مستفعلن (- - - u) فعاتن (- - - uu) مفتعلن (- uu -)

الف) ارکانی که در آغاز و میان و پایان مصرع می آیند	ب) ارکانی غیر پایانی، که در آخر مصرع قرار نمی گیرند	ج) ارکان پایانی، که فقط در آخر مصرع می آیند
۱. فاعلاتن - - u	۱. فاعلاتُ u - u -	۱. فعل u -
۲. فاعلن - u -	۲. فعاتُ u - u u	۲. فع -
۳. مفاعیلن - - - u	۳. مفاعیلُ u - - u	
۴. فعولن - - u	۴. مستفعلنُ u u - -	
۵. مستفعلن - u - -	۵. مفعولُ u - -	

۶. مفعولن	---	۶. مفاعلُ	uu-u
۷. فعلن	-uu		
۸. فعلاتن	--uu		
۹. مفاعلن	-u-u		
۱۰. مفتعلن	-uu-		
۱۱. فع لن	--		

شماره این درس با وزنهای تک پایه ای یا تکراری آشنا شدید که عبارتند از (معروف ترین)

فعلون (- - u) / مفاعلن (- - - u) / فعلاتن (- - u) / مستفعلن (- - u) / مفتعلن (- uu)

در درس آینده نیز با پایه‌های آوایی همسان دو لختی آشنا خواهید شد مانند: مفعول فعلاتن / مفعول فعلاتن / مفعول فعلاتن / مفعول فعلاتن - فعلات فعلاتن / فعلات فعلاتن / فعلات فعلاتن -

جواب خود ارزیابی

۱- بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه و نشانه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها، جای دهید.
الف) بخندد همی باغ چون روی دلبر / ببوید همی خاک چون مشک اذفر

پایه‌های آوایی	بِ خن د د	هَ می با	غ چُن رو	ی دِل بَر
نشانه‌های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
پایه‌های آوایی	بِ بو یَد	هَ می خا	ک چُن مَش	کِ اذ قَر
نشانه‌های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
وزن واژه	فعلون	فعلون	فعلون	فعلون

ب) هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود / وارهد از حد جهان، بی حد و اندازه شود

پایه‌های آوایی	هین سُّخَن*	تا زِ بِ گو	تا دُجَ هان	تا زِ شَ وَد
نشانه‌های هجایی	- u u -	- u u -	- u u -	- u u -
پایه‌های آوایی	وا رَ هَ دَز	حد دِجَ هان	بی حَ دُ آن	دا زِ شَ وَد
نشانه‌های هجایی	- u u -	- u u -	- u u -	- u u -
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

نکته: در مصرع اول رکن اول هجای ۴ می بینیم که به ضرورت وزن، شاعر مصوت کوتاه را بلند تلفظ کرده است*

مصوت‌های کوتاه را بنابه ضرورت شعری می توان بلند تلفظ کرد که:

۱- مصوت کوتاه در پایان کلمه باشد (در کلمه سخن در این شعر

۲- کسره اضافه باشد (ب در کتاب من)

۳- «و» عطف که در شعر به مصوت کوتاه تبدیل می شود. بنابراین ضرورت می تواند تغییر کمیّت داده و به هجای بلند تبدیل شود.

ب) در یادلان راه سفر در پیش دارند / پا در رکاب راهوار خویش دارند

پایه‌های آوایی	دَرِ یَا دِ لَانِ	رَا هِ سَ فَر	دَرِ پِی شِ دَا	رَند*
نشانه‌های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- -
پایه‌های آوایی	پَا دَرِ رِ کَا	بِ رَا هِ وَا	رِ خِی شِ دَا	رند*
نشانه‌های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- -
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	فَع

نکته: در رکن پایان مصرع‌ها هجای کشیده را بلند به حساب آوردیم چون هجای پایان مصرع‌ها را همیشه بلند است یا بلند به حساب می‌آورند (اختیار وزنی بلند بودن پایان مصرعها * - -)

ت) سوزد مرا سازد مرا در آتش اندازد مرا وز من ره سازد مرا بیگانه از خویشم کند

پایه‌های آوایی	سُو زَدَ مَ رَا	سَا زَدَ مَ رَا	دَرِ آ تَ شَن	دَا زَدَ مَ رَا
نشانه‌های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
پایه‌های آوایی	وَزَ مَن رَ هَا	سَا زَدَ مَ رَا	بِی گَا نِ آ زَ	خِی شَمَ کُ نِی
نشانه‌های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن

ث) ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما

پایه‌های آوایی	اِی بَ اَزَل	بُو دِ وُ نَا	بُو دِ مَا
نشانه‌های هجایی	- u u - -	- u u - -	- u - -
پایه‌های آوایی	وِی بَ اَبَد	زِنِ دِ وُ فَر	سُو دِ مَا
نشانه‌های هجایی	- u u - -	- u u - -	- u - -
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	مفتعل (فاعلن)

ج) سعادت به بخشایش داور است نه در چنگ و بازوی زور آور است

پایه‌های آوایی	سَ عَا دَت	بِ بَخِ شَا	یِ شِ * دَا	وَ رَسْت*
نشانه‌های هجایی	- - u	- - u	- - u	- u - -
پایه‌های آوایی	نَ دَرِ چَن	گُ بَا زُو	یِ زُو رَا	وَ رَسْت*
نشانه‌های هجایی	- - u	- - u	- - u	- u - -
وزن واژه	فعولن	فعولن	فعولن	فعل

چ) جرمی ندارم بیش از این کز جان وفادارم تو را ور قصد آزارم کنی، هرگز نیازم تو را

پایه	جَرِ مِی نَ دَا	رَمِ بِی شَ زَیْنِ	کَزِ جَانِ وَ فَا	دَا رَمِ تَ رَا
نشانه های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
پایه های آوایی	وَرِ قَصِ دِ آ	زَا رَمِ کَ نِی	هَرِ گَزِ نَ یَا	زَا رَمِ تَ رَا
نشانه های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن

ت) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند همه اسمند و تو جسمی همه جسمند و تو روحی

پایه های آوایی	نَ ظَ رَا وَرِ	دَ مُ بُرِ دَمِ	کِ وَ جُو دِی	بِ تَ مَ ا نَدِ
نشانه های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
پایه های آوایی	هَ مِ اِسِ مَنِ	دُ تَ جِیْسِ مِی	هَ مِ جِیْسِ مَنِ	دُ تَ رُو حِی
نشانه های هجایی	- u - -	- u - -	- u - -	- u - -
وزن واژه	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن

۲ - الف) شعر در قالب غزل است، از ردیف فعلی در آن استفاده شده که از ویژگی های سبک هندی است. در شعر از تمثیل بهره گرفته (بیت دوم). بیت سوم تلمیح به داستان خسرو و شیرین و عشق فرهاد به شیرین دارد.

در بیت پایانی مضمون سازی نو وجود دارد. شمع همه سر شدن و بر باد رفتن = تقابل شمع و باد با توجه به رابطه آنها در واقعیت و شکل ظاهری شمع که سرا پا سر است و هوای یا آرزوی معشوق در آن است، در حال سوختن است و باد عشق به فنا می رود. از مراعات نظیر و کنایه استفاده شده است.

ب) سر: مجاز از خیال، اندیشه، فکر..

نمونه سوالات تشریحی

۱- به پایه های آوایی تکراری می گویند.

۲- ارکان معادل (وزن واژه) این هجاها را بنویسید؟

الف - u - - ب - uu - - ج - - U - د - U -

۳- وزن کدام یک از بیت های زیر همسان است؟ چرا؟

الف) نسیم صبح را گفتم که با او جانبی داری کز آن جانب که او باشد، صبا عنبر فشان آید

ب) در دام فتاده آهویی چند محکم شده دست و پای در بند

۴- بیت «مرنجان دلم را که این مرغ وحشی زبامی که برخاست مشکل نشیند» تقطیع کرده و بنویسید وزن همسان دارد؟

۵- واژه های زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر بدون حذف همزه با خط عروضی نوشته و تقطیع کنید.

الف) خوش آواز ب) دانش آموز

۶- وزن بیت «بشنو از نی چون حکایت می کند از جداییها شکایت می کند» چیست؟

۷- برای بیت «تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان بین / کس واقف مانیست که از دیده چه ها رفت» کدام وزن ترجیح دارد؟ چرا؟

الف) مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن

ب) مستفعل مستفعل مستفعل مستف

۸- بیت زیر را تقطیع کنید.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نماینده فضلی تو سزاوارثنایی

۹- در مصرع «ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود» نام رکن (وزن واژه) است.

۱۰- دو مورد از وزن های همسان را نام ببرید (چهار رکنی باشند)

پاسخ نامه سوالات تشریحی

۱- پایه های آوایی همسان ۲- الف) فعولن / ب) فعلاتن / ج) مستفعلن / د) فاعلن

۳- چون وزن پایه ها تکراری یکسان و یکنواخت دارند. ۴- وزن همسان

پایه های آوایی	مَ رَنَ جَا	دِ لَمَ رَا	کِ اِی مَرُ	غِ وَّحِ شِی
نشانه های هجایی	u - -	u - -	u - -	u - -
پایه های آوایی	زِ بَا مِی	کِ بَرِ خَا	سِت مَشْ کِلِ	نِ شِی نَد
نشانه های هجایی	u - -	u - -	u - -	u - -
وزن واژه	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن

-۵

واژه	با حذف همزه	بدون حذف همزه (با همزه)
خوش آواز	خُ شَا وَاَز	خُ شَا آ وَاَز
	u - -	u - -
دل آزرده	دِ لَا زُرُ دِ	دِ لَا زُرُ دِ
	u - -	u - -

۶- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۷- ب - چون نظم و وزن همسان و تکراری برتری دارد و وزن واژه را بهتر نشان می دهد.

-۸

پایه های آوایی	تُ حَ کِی مِی	تُ عَ ظِی مِی	تُ کَ رِی مِی	تُ رَ حِی مِی
نشانه های هجایی	u - -	u - -	u - -	u - -
پایه های آوایی	تُ نَ مَ اَیْنِ	دِ یَ فِضِ لِی	تُ سَ زَا وَا	رِ ثَ نَ اَیْیِ
نشانه های هجایی	u - -	u - -	u - -	u - -
وزن واژه	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن

۹- مستفعلن

۱۰- الف) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ب) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

نمونه سوالات تستی

۱- کدام وزن همسان نیست؟

الف) فاعولن فاعولن فاعولن (ب) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (ج) مستفعلن مستفعلن مستفعلن (د) مفعول مفاعلهن فاعولن

۲- وزن کدام بیت همسان است؟

الف) دل نیست کبوتر که چو برخواست نشیند
ب) نسیم صبح را گفتم که با او جانبی داری
ج) در دام فتاده آهوئی چند
د) آب آتش فروز عشق آمد

از گوشه بامی که پریدیم پریدیم
کز آن جانب که او باشد، صبا عنبرفشان آید
محکم شده دست و پای در بند
آتش آب سوز عشق آمد

۳- وزن بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است.

اگر کاری کنی مزدی ستانی
الف) مفاعیلن مفاعیلن مفاعی (فاعولن)
ج) مستفعلن مستفعلن مستفعلن

چو بیکاری یقین بی مزد مانی»
ب) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
د) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

۴- وزن همه بیت ها بجز با «خانه زندان است و تنهایی ضلال هر که چون سعدی گلستانیش نیست» یکسان است؟

الف) در نیابد حال پخته هیچ خام
ب) هر کسی از ظن خود شد یار من
ج) یار بد مار است هین بگریز از او
د) باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟

پس سخن کوتاه باید والسلم
از درون من نجست اسرار من
تا نریزد بر تو زهر ان زشت خو
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

۵- نشانه‌های هجایی «فاعولن» در کدام گزینه آمده است؟

الف) - u - (ب) - u u - (ج) - u - (د) - - u u -

۶- کدام وزن پایه‌های آوایی همسان بیت زیر را نشان می دهد؟

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم
جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها

الف) فاعلاتن (ب) مفاعیلن (ج) فاعلاتن (د) فاعولن

۷- کدام یک پایه‌های آوایی بیت زیر را نشان می دهد؟

بامن بگو تا کیستی؟ مهری بگو ماهی بگو
خوابی؟ خیالی؟ چیستی؟ اشکی بگو، آهی بگو

الف) u u - - u u / - - u u / - - u u / - - u u /
ب) - u u - / - u u - / - u u - / - u u -

ج) - / - u - - / - u - - / - u - - / - u -

د) u - - u / - - u / - - u / - - u / -

۸- وزن بیت «عشق تو بر بود زمن مایه مایی و منی خود نبود عشق تو را چاره زی خویش تنی»

الف) فاعلاتن ب) مفاعیلن ج) مفتعلن د) فاعولن

۹- نشانه‌های هجایی « - u / - - / u - u - / - - u » به ترتیب درواژه‌های کدام گزینه آمده است؟

الف) معلم - چون - مسامحه - چند ب) جوانی - التماس - دقت - تبسم

ج) خوبشتن - بنفشه - ملامت - فایده د) شدت - کاست - راهوا مدیر

۱۰ - همه ابیات زیر بجز هم وزن هستند؟

الف) دلیری کجا نام او اشکبوس

ب) خدایا به خواری مران از درم

ج) مگردان سر از دین و از راستی

د) به سبزه درون لاله نوشکفته

پاسخ نامه سوالات تستی

۱) د / ۲ - ب / ۳ الف / ۴) د / ۵) الف / ۶) ب / ۷) ج / ۸) ج / ۹) ب / ۱۰) د

درس نهم - استعاره

استعاره، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از طرفین تشبیه (مشبه و مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است. پس به طور کلی دو نوع استعاره داریم:

۱) استعاره با حذف مشبه (استعاره مصرحه یا آشکار)

۲) استعاره با حذف مشبه به (استعاره مکنیه یا پنهان)

مثال استعاره مصرحه: با کاروان حله برفتم ز سیستان با حله تنیده ز دل بافته زجان

در این بیت حله اول در معنای حقیقی به کار رفته و به معنای ابریشم است اما با قرینه تنیده زدل بافته زجان می شود فهمید که شاعر شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه کرده است و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه‌به (حله) را به جای آن آورده است. پس "حله" استعاره از شعر است.

همچنین در مثال: آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد

یا در بیت: باز ای ستاره تابان نیامدی

باز ای سپیده شب هجران، نیامدی

معشوق و محبوب شاعر (مشبه) حذف شده و "ستاره تابان" و "سپیده شب هجران" (مشبه به) به جای آن آمده است. پس هر دو استعاره از محبوب می باشد.

یا در بیت: ببین لاله‌هایی که در باغ ماست

خموشدند و فریادشان تا خداست

شهیدان (مشبه) حذف شده و آلاله‌ها (مشبه به) جای آن آمده است. "لاله‌ها" استعاره از شهیدان است.

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من

هیچ کس می نپسندم که به جای تو بود

"سرو روان" استعاره از یار است.

مثالی دیگر: صدف وار گوهر شناسان را دهان جز به لؤلؤ نکردند باز

"لؤلؤ" استعاره از سخنان با ارزش است. (لؤلؤ مشبه به است و مشبه حذف شده).

یادآوری: نحوه رسیدن از تشبیه و ارکان آن به استعاره را می توان چنین نشان داد:

تشبیه گسترده	مشبه	ادات تشبیه	وجه شبه	مشبه به
تشبیه فشرده	مشبه	مشبه به		
استعاره	مشبه به/مشبه + ویژگی مشبه به			

اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبه و مشبه به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم. اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبه به باقی بماند، به آن استعاره مصرحه (آشکار) و اگر مشبه، به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبه به بیاید، استعاره مکنیه (پنهان) می گویند.

مثال استعاره مکنیه:

هزار نقش بر آرد زمانه و نبود یکی چنان که در آینه تصور ماست

توضیح اینکه: زمانه مثل آدم‌ها، هزار نقش بر می آورد. مشبه به حذف شده و ویژگی آن همراه مشبه آمده است. پس استعاره مکنیه است.

هر چه سرما و هر چه دلسردی پر زد آهسته از نظر گم شد

سرما و دلسردی مانند انسانی ناپدید شد. (استعاره مکنیه)

گاه در استعاره پنهان، مشبه موجودی بی جان و غیر انسان و مشبه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش جان بخشی یا صنعت تشخیص می شود. مثال:

باغ سلام می کند، سرو قیام می کند سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد

در این جا شاعر به "باغ" و "سرو" "سبزه" و "غنچه" شخصیت انسانی داده است زیرا که رفتار انسانی دارند. پس هم تشخیص و هم استعاره مکنیه است.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

چه خوش می گفت مرغ نغمه خوانی

سحر در شاخسار بوستانی

نکته: هر جا تشخیصی وجود داشته باشد لزوماً استعاره مکنیه هم وجود دارد. به عبارتی هر تشخیصی استعاره پنهان است اما هر استعاره، تشخیص نیست.

نوعی دیگر از تشخیص، چنین است که مشبه که موجودی بی جان است را منادا قرار می دهیم. مثال:

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین افکنده ز اندوه کیستی؟

ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند

گاهی استعاره مکنیه به صورت ترکیب اضافی می آید که به آن اضافه استعاری می گویند. یعنی مشبه به حذف می شود و یک ویژگی از آن به مشبه اضافه می شود.

مثال: کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

نکته در تشخیص اضافه استعاری: پرسش این امر که اندیشه و سخن مثل انسان رخ و زلف ندارند. پس استعاره مکنیه است و چون با کسره به همدیگر اضافه شده‌اند، اضافه استعاری هستند.

مثال ۲: سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

رگ مانند انسانی است که روح و روان دارد و چون با کسره اضافه شده، اضافه استعاری نامیده می شود.

خود ارزیابی

۱-

الف) چشم ناله (اضافه استعاری-تشخیص) روی شکوه (اضافه ستعاری-تشخیص)	ب) باد بامدادی- می روی (تشخیص)	پ گل تازه (استعاره مصرحه معشوق سرزنش خار (اضافه استعاری-تشخیص)
ت) کاشتن مهر -گل چیدن (استعاره. انجام اعمال نیک)	ث) ایستادن شب (تشخیص)	ج) غماز بودن آینه (تشخیص)
چ کشته (استعاره از اعمالی که از انسان سر می زند)		

۲- خیاط باد صبا (تشبیه فشرده): باد صبا مانند خیاطی است که با وزیدن برتن گل ها، لباسی زیبا از گلبرگ‌های رنگارنگ می پوشاند.

۳- استعاره: باد صبا هر سحرگاه رختی تازه برای گل ها می دوزد و به آن ها می پوشاند.

ژاله: استعاره از اشک نرگس تر: استعاره از چشمان اشک آلود

۴- زبان شعر ساده است. در بر دارنده حیرت فیلسوفانه است. جهان را به یک کتاب کهنه که اول و آخر آن از بین رفته است، تشبیه کرده است. وزن بیت: فعلاتن فعلاتن فعلن .

پاسخ کارگاه تحلیل فصل :

۱) الف و ب) تقریباً در همه ادبیات با مضامین تازه مواجه هستیم: یک بار در شأن عظمت هستی خود و محبت روحانی ای که در دل دارد، خود را به داغی ابدی و آب حیوان در پهنه هستی تشبیه کرده است، و با دیگر خود را به آینه‌ای تشبیه می کند که پشت به دیوار و «حیرت» زده و در فهم هستی حیرت زده است. (وجه شبه: فرد حیران در جای خود بی حرکت می ایستد، همان گونه که آینه بی حرکت به دیوار تکیه می دهد)؛ در بیت دیگر نیز خود را شدت مستی و خماری چشم زیبا رویان می بیند. در بیت آخر تفاخرشاعرانه دیده می شود (قلم خود را چراغ بزم عالمیان می داند، از این رو همیشه در شبستان مشغول نگارش و سرایش است)؛ در همه ابیات تشبیه دیده می شود بیشتر تشبیهات از نوع گسترده هستند. از جمله تشبیهات گسترده آن می توان به آب حیوانیم ما، پشت بر دیوار چون آینه...، مستی دنباله دار...، اشاره کرد. تخلص شاعرانه در غزل دیده می شود؛ در غالب ابیات می توان مفاهیم رایج شعر سبک هندی را دید: برتری عشق بر عقل، انتساب عاشق پیشگی و وارستگی به خود و هم کیشان خود (کاربرد ضمیر جمع ما بیانگر این نکته است، و ...

(پ) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن

۲. در قلمرو ادبی و زیبایی شناسی متن، می توان به تکرار واژه و واج آرایه‌هایی اشاره کرد که متن را آهنگین کرده‌اند: تکرار کمال و واج‌های ا-ن-ی-ر، در کلماتی که گاه هم وزن و گاه متقارنند و انواع سجع را تشکیل داده‌اند. (روحانی و جسمانی- مردانه و عاشقانه)؛ متن تلمیح به باورهای دینی و آیات قرآنی دارد (بارامانت: اناعرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفق منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولاً. احزاب/۷۲)؛ در قلمروی فکری از بارزترین ویژگی‌های آنان می توان به عرفانی بودنش اشاره کرد. از نظر گاه نجم الدین رازی در مرصاد العباد و در این چند سطر، بنده حقیقی خداوند آن کسی است که بتواند هم دین را داشته باشد، هم دنیا را، هم اهل علم و دانش باشد، هم اهل معرفت و عشق. تنها چنین فرد می تواند بارامانت الهی (عشق) را بر دوش کشد.

درس دهم

سبک هندی

اهداف کلی :

- ✓ دانش آموزان بتوانند وضعیت تاریخی و اتفاقات مهم زمان سبک هندی را بشناسند.
- ✓ آثار شعر و نثر سبک هندی را بین متون سایر سبک ها تشخیص دهند
- ✓ شاعران و نویسندگان این سبک و تفاوت نگرش ادبی آنان را به خوبی بیاموزند.

وضعیت عمومی شعر در سبک هندی

- رواج سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم به مدت ۱۵۰ سال
- بها ندادن حکومت صفوی به شعر مدحی و عاشقانه و درباری
- تضاد با آموزهای سنتی عرفانی
- معطوف شدن توجه شاعران به موضوع‌هایی مانند اندرز، مضمون آفرینی، باریک اندیشی

- تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه، باز سازی اندرزها و تمثیل‌های کهن به شیوه‌های نو
- خارج شدن شعر از حوزه تصرف شاعران با سواد و آگاه به فنون ادب
- قرار گرفتن شعر در دسترس عامه و رونق گرفتن آن نزد پیشه‌وران و بازاریان

پیامدهای قرار گرفتن شعر در دسترس عامه

- ۱- پیامد مثبت: روبه‌رو کردن شعر با مضمون‌های و قلمروهای تازه
- ۲- پیامد منفی: روی آوردن افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر، در نتیجه دور شدن شعر از استواری و سلامت پیشین خود

قلمرو زبانی شعر در سبک هندی

از بین رفتن مختصات زبانی سبک خراسانی	خارج شدن لغات ادبی قدیم از صحنه شعر	گسترش یافتن دایره واژگان	راه یافتن زبان کوچه و بازار به شعر
رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی با حملات تیموریان و ازبکان	کم شدن کاربرد لغات عربی با از بین رفتن سلطه حکومت بغداد	ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزه شعر و ادب	کاربرد لغاتی که در قدیم در اشعار استفاده نمی‌شدند مانند: نزاکت، قالی، شیشه

علل از بین رفتن مختصات سبکی زبان قدیم

- ۱- حملات پی در پی بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً در نواحی شرقی
- ۲- تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تاثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد. زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

قلمرو ادبی شعر در سبک هندی

کم توجهی به آرایه‌های ادبی (بدیع و بیان)	رواج آرایه‌های شاخص مانند تشبیه	اهمیت تلمیحات رایج در مضمون سازی	آرایه‌های پر کاربرد: حسن تعلیل، حس آمیزی، اسلوب معادله و تمثیل
قالب شعر غزل است. گاه به چهل بیت هم می‌رسد	تکرار قافیه در غزل	طبیعی بودن	توجه به ردیف‌های بلند و خوش آهنگ
قالب حقیقی شعر مفردات است و شاعران اغلب تک بیت گو هستند	تکرار قافیه در غزل	طبیعی بودن	توجه به ردیف‌های بلند و خوش آهنگ

قلمرو فکری شعر در سبک هندی



نثر دوره هندی

۱. نثر ساده: همانند نثر مرسل بلعمی نیست. در نثر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر یافت می شود.

کتاب نثر ساده در سبک هندی		
نویسنده	موضوع	کتاب
محمد دارا شکوه	ادبیات - عرفان	کتاب داراشکوه در هند
شرف خان بدلیسی	تاریخ مفصل کردستان	شرفنامه در عثمانی
زین الدین محمود واصفی	تاریخ - جغرافیا	بدایع الوقایع در ماورالنهر
شاه طهماسب صفوی	تاریخ	تذکره شاه طهماسب
اسکندر بیگ منشی	تاریخ	عالم آرای صفوی
علی بن حسین واعظ کاشفی	عرفان	عین الحیات
شیخ بهایی	فقه	جامع عباسی

۲. نثر مصنوع: در نوشتن فرمان ها و منشآت و دیباچه کتاب ها استفاده می شد.

نمونه نثر مصنوع	
۱- دیباچه شرفنامه بدلیسی	۲- دیباچه عیاردانش
۳- عباس نامه از وحید قزوینی	۴- محبوب القلوب از میرزا برخوردارفراهی

۳. نثر بینابین: نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار. می توان گفت که قصد نویسنده در اصل آسان نویسی بوده است.

الف) قلمرو زبانی

۱. در آمیختگی نظم و نثر
۲. کاربرد وجه وصفی
۳. جمع بستن با «ات» هم در کلمات عربی (محاربات)، هم در فارسی (گیلانات) و هم ترکی و مغولی (بیلاقات)
۴. آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه پردازی و موازنه
۵. آوردن جملات طولانی
۶. کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد
۷. فراوانی لغات ترکی و مغولی

ب) قلمرو ادبی

۱. نثر این دوره از نظر ادبی ارزش والایی ندارد
۲. انحطاط در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر شده است.
۳. استفاده از آیات و احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافت و در آرایه تلمیح نمودار شد.
۴. ضرب المثل‌های شیرین فارسی به عبارات عربی مکرر و بی روح تبدیل شد.
۵. کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر رواج داشت.
۶. بی دقتی ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج چاپلوسی نثر این دوره را از رونق انداخت.
۷. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها، نگارش فرهنگ لغت‌ها را در این دوره رواج داد.

پ) قلمرو فکری

۱. فساد و تیره بختی چند قرن گذشته
۲. کشتار مردم
۳. فرار دسته جمعی افراد با ذوق و آزاده به خارج از ایران و مردن آنان از فقر
۴. عوامل مؤثر در خالی بودن ایران از نویسندگان قوی دست در عصر اعتلای صفوی: (شاه عباس اول)

خود ارزیابی

۱-ویژگی زبانی، ادبی و فکری سروده زیر را استخراج کنید:

- | | |
|-------------------------------------|--|
| روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده ام | چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده ام |
| دست رغبت کس نمی سازد به سوی من دراز | چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده ام |
| اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی | نبض موجهم، در تپیدن بی قرار افتاده ام |
| عقده ای هرگز نکردم باز از کار کسی | در چمن بیکار چون دست چنار افتاده ام صائب |

<p>قلمرو زبانی</p>	<p>اعتبار: آبرو/ رغبت: میل / مزار: قبر / عقده: گره / گوهر: سنگ قیمتی ترکیبات: از چشم افتاده‌ام، عقده باز نکرده‌ام، دور افتاده‌ام: نشان دهنده ورود زبان عامه به شعر هست. کاربرد ترکیبات تازه: چشم اعتبار، نبض موج / کاربرد واژگان عربی کمتر از سبک عراقی است. فعل بی قرار افتاده‌ام: بی قرار شده‌ام؛ در برخی ابیات در معنی تاریخی به کار رفته است .</p>
<p>قلمرو ادبی</p>	<p>شعر صائب در قالب غزل است. / استفاده از ردیف دشوار فعلی «افتاده‌ام»/ بهره گیری شاعر از صورخیال تصادفی نیست. او آگاهانه از تشبیهاتی چون: (نگاه آشنا، گل پژمرده، گرداب سرگشتگی، بیکار چون دست چنار) برای بیان توصیف روحيات و حالات خود استفاده کرده است. استعاره‌ها: (چشم اعتبار، دست رغبت، نبض موج، دست چنار، مژگان ابر) که تشخیص هم هستند. کنایه‌ها: (از چشم افتادن: بی اعتبار شدن / عقده باز نکردن: مشکلی حل نکردن) صائب از تصاویر واقعی و ملموس برای تصویرسازی بدیع و تازه بهره می برد. مانند: گل پژمرده روی مزار، دست بیکار چنار</p>
<p>قلمرو فکری</p>	<p>شعر سراسر معنی گرا است. صائب یک مفهوم را با مضمون‌های متنوع بیان کرده است. او دچار بحران هویت و یأس فلسفی شده است؛ این بحران و بی ثمری حیاتش را در قالب تشبیهات و مضمون‌های مختلف بیان می کند. با توجه به واژه‌های موجود در شعر، نارضایتی شاعر از بخت و اقبال خود محسوس است.</p>

۲- بیت‌های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید .

الف) ای گل که موج خنده‌ات از سر گذشته است آماده باش گریه تلخ گلاب را

ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می پرد از شوق چشم کوکب‌ها

الف) حسن تعلیل در تک بیت (بیت فرد) گل باید برای گریه تلخ گلاب گیری آماده گردد؛ زیرا غافل و بیخبر از ناپایداری دنیا با خیال جاودانه بودن حیات، شاد و خندان است. / موج خنده: تشبیه فشرده اضافی / گل که با واژه «ای» مورد خطاب قرار گرفته است: تشخیص / گریه تلخ گلاب: استعاره مکنیه، تشخیص است. / سر: مجاز از تمام وجود / گل: نماد زیبایی‌ها

گریه تلخ گلاب: حس آمیزی / خنده و گریه: تضاد / گل و گلاب: مراعات نظیر و اشتقاق

ب) بیت حسن تعلیل دارد. پریدن مدام چشم ستارگان و درخشیدن آنها نتیجه یک کرشمه خداوند در کار خلقت است.

(کرشمه: اصطلاحی عرفانی است، منظور توجه معشوق به عاشق است) چشم: مجاز از پلک / آسمان: مجاز از کل ستارگان و سیارات منظومه شمسی / چشم کوکب: استعاره مکنیه / پریدن چشم کوکب‌ها: کنایه از درخشیدن ستارگان /

واج آرایی صامت «ر» و «ش» / مراعات نظیر بین کلمات «کرشمه- چشم» و «کوکب- آسمان»

۳- سبک نثر دوره هندی را با نثر دوره عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

نثر در دوره هندی اگرچه ساده است اما سادگی نثر سبک عراقی را ندارد، چرا که در نثر عراقی نویسندگان تمایل شدیدی به ساده نویسی و حتی برگرداندن و باز نویسی کتاب‌های مشکل به زبان ساده داشتند. این در حالی است که سادگی نثر در سبک هندی به معنای مرسل بودن نیست؛ زیرا لغات و ترکیبات عربی، اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر در آن فراوان است. اما

کاهش واژگان عربی و افزایش واژگان ترکی - مغولی - جملات طولانی - جمع بستن کلمات با نشانه «ات» عربی - کاربرد وجه وصفی - مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی، از ویژگی‌های بارز نثر سبک هندی است که کمتر در نثر سبک عراقی دیده می‌شود.

۴- در مورد دلیل نگارش کتاب‌های لغت نامه در دوره هندی تحلیل کنید .

آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و...) و گسترش زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران، نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد .

۵- بیت زیر را از نظر زیبایی شناسی تحلیل کنید:

ز منجیق فلک سنگ فتنه می بارد / من ابلهانه گریزم به آگینه حصار

«منجیق فلک، سنگ فتنه» تشبیه فشرده اضافی هستند. / حصار آگینه: استعاره مصرّحه از پناهگاه نامطمئن و سست

سنگ فتنه می بارد: استعاره مکنیه و تشخیص / آگینه و سنگ در تقابل هم هستند و مفهومی متضاد دارند .

۶- وزن بیت زیر را بررسی کنید.

تو این عهدی که با من بسته بودی / مگر بهر شکستن بسته بودی ← مفاعیلن مفاعیلن مفاعی

۷- متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های زبانی و ادبی نثر این دوره (قرن‌های دهم و یازدهم) بررسی نمایید:

«از طبقه علیّه شعرا که ناظران مناظم سخن پیرایی و پیرانه بندان سلسله معنی آرایبی‌اند در آن هنگام در اردوی معلّاً و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت گستر بی شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجّه تمام به حال این طبقه بود.»

اسکندر بیگ ترکمان

قلمرو زبانی: کاربرد تتابع اضافات در عبارتهای «ناظران مناظم سخن پیرایی، پیرایه بندان سلسله معنی آرایبی، اوایل حال حضرت خاقانی» برای تعارف و تمجید از بزرگان. / استفاده از واژگان عربی به میزان چشمگیر. / کاربرد واژگان مرکب

مانند: سخن پیرایی، پیرایه بند، معنی آرایبی، جنت مکان و ... به دلیل تمایل به اطناب و کاربرد مفاهیم مترادف در نثر مصنوع سبک هندی. / مطابقت موصوف و صفت به شیوه دستور زبان عربی در ترکیب «ممالک محروسه»، صفت مونث و موصوف جمع مکسر. / ترکیب «طبقه علیّه»، صفت مونث با موصوف مونث. / کاربرد جملات طولانی / پیچیدگی و دشواری معنا به خاطر کلمات ترکی و مغولی.

قلمرو ادبی: واج آرایبی در حروف «ظ، ر، س، ش، و، ی، پ» به طور متوالی. / اشتقاق: «ناظران، مناظم»، «پیرایی، پیرایه» که این هم آوایی کلمات، آهنگ خاصی را ایجاد کرده است. / ترکیب «سلسله معنی آرایبی» تشبیه فشرده اضافی است. / بین واژگان «ناظران، پیرایه بند و معنی آرایبی» مراعات نظیر وجود دارد .

۱- انتساب چند اثر به پدیدآورنده آن «غلط» آمده است؟

(مجالس المومنین : شیخ بهایی) (حبیب السیر: خواند میر) (جامع عباسی: اسکندر بیگ ترکمان) (عین الحیات: علی بن حسین واعظ کاشفی) (محاکمه الغتین : سلطان حسین بايقرا) (تحفه الاحرار: جامی) (صد پند: خواجه عبدالله انصاری) (المعجم فی معاییر اشعار العجم: شمس قیس رازی) (رساله دلگشا: عبید زاکانی) (عشاق نامه: فخر الدین عراقی)

۴) شش

۳) پنج

۲) چهار ❌

۱) سه

۲- هر یک از آثار « دیباچه عیار دانش، احسن التواریخ، عالم آرای عباسی» به ترتیب، نمونه کدام نوع نثر است؟

(۱) بینابین، مصنوع، ساده

(۲) بینابین، ساده، مصنوع

(۳) مصنوع، بینابین، ساده ✗

(۴) ساده، مصنوع، بینابین

سوال امتحانی

۱- هر یک از ویژگی‌های زیر مربوط به کدام یک از قلمروهای سه گانه نثر سبک هندی است؟ ۰/۷۵

الف) رواج مدح و چاپلوسی (ب) در آمیختگی نظم و نثر

پ) فرار دسته جمعی افراد با ذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد به خارج از ایران

پاسخ: الف) ادبی (ب) زبانی (پ) فکری

۲- جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید. ۰/۷۵

الف) در سبک هندی قالب مسلط به ظاهر است.

ب) زبان سبک هندی را باید زبانی قلمداد کرد.

پ) شعر در سبک هندی بیشتر در خلاصه می شود.

پاسخ: الف) غزل (ب) واقع گرا (پ) تک بیت

۳- هر یک از کتاب‌های زیر در چه موضوعی نوشته شده اند؟ ۰/۵

الف) جامع عباسی (ب) مجالس المومنین / پاسخ: الف) فقه (ب) زندگی نامه

سوالات تستی:

۱- کدام گزینه عبارت زیر را کامل می کند؟

«معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر نیامده باشد. کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب»

..... و گذشتگان به بیان سبک هندی بود. کوشش شاعر سبک هندی مضمون یابی و اراده خیال خاص و معنی برجسته است؛

یعنی یافتن فکری اما تازه و نگفته»

(۱) صائب - مذهبی - عرفانی - تعلیمی - جزیبی (۲) بیدل - فلسفی - مدحی - غنایی - فرعی

(۳) ✗ صائب - فلسفی - عرفانی - غنایی - جزیبی (۴) بیدل - مذهبی - حماسی - تعلیمی - اصلی

۲- در همه ابیات به جز بیت گزینه یکی از آرایه‌های پر کاربرد سبک دوره هندی مشهود است.

(۱) ✗ سرو در باغ نشانند و تو را بر سر و چشم (۲) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی

هنوز می پرد از شوق چشم کوکب‌ها (۳) نیست آسایش در این عالم که بهر خواب تلخ

منت شیرینی افسانه می باید کشید

۴) دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است
بیت گزینه «۱» از حافظ دارای آرایه‌های تشبیه، تشخیص، کنایه مراعات نظیر است که از آرایه‌های پر کاربرد سبک هندی نیست.
حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله از آرایه‌های پر کاربرد سبک هندی هستند.
تشریح گزینه‌های دیگر : گزینه ۲: حسن تعلیل / گزینه ۳: حس آمیزی / گزینه ۴: اسلوب معادله

تنظیم: ناهیده اشرفی از تسوج **درس یازدهم - پایه‌های آوایی همسان دولختی**

اهداف آموزش درس:

- ۱- آشنایی با مفهوم پایه‌هایی آوایی همسان دولختی
- ۲- توانایی درک مفهوم «وزن واژه» و «نشانه‌های هجایی» در پایه‌های آوایی همسان دولختی
- ۳- کسب مهارت تقسیم شعر به نشانه‌های هجایی منظم سه‌تایی/چهارتایی، چهارتایی/سه‌تایی، چهارتایی/چهارتایی
- ۴- توانایی تشخیص آهنگ وزن واژه‌های مختلف از طریق خواندن صحیح و گوش کردن دقیق
- ۵- تقویت مهارت خوانش صحیح شعر بر اساس پایه‌های آوایی و وزن واژه‌ها
- ۶- توانایی حل فعالیت‌های درس
- ۷- تقویت روحیه زیباشناختی و تلطیف احساسات

تعریف چند اصطلاح

پایه‌های آوایی: در مراحل رسیدن به وزن شعر پس از درست خواندن لازم است تقطیع هجایی انجام شود. تبدیل بیت با املای عروضی به صورت بخش‌های هجایی را تقطیع و به هر بخش، پایه آوایی گفته می‌شود.

در پایه‌های آوایی لازم است املای عروضی رعایت شود و صورت ملفوظ و آوایی واژه‌ها موردنظر باشد.

مثلاً: مرنجان دلم را که این مرغ وحشی زبامی که برخاست مشکل نشیند

املای عروضی: مَ رَن جَان / دِ لَم رَا / کِ اَیْن مَرُ / غِ وَّح شِی

U - - / U - - / U - - / U - -

زِ بَا مِی / کِ بَر خَا / اَسْت مُش کِل / نِ شِی نَد

نکته:

- ✓ «ن» ساکن بعد از مصوت بلند در یک هجا حذف می‌شود. مانند: «ن» در واژه‌های «جان و این»
- ✓ حروفی که در خط هست اما به تلفظ در نمی‌آید در خط عروضی حذف می‌شود. مانند: «ه» در واژه «که»
- ✓ دو ساکن کنار هم یک هجای کوتاه به حساب می‌آید. مانند: «ست» در واژه «برخاست»

نشانه‌های هجایی: تبدیل پایه‌های آوایی به نشانه‌های عروضی را که از کوتاهی و بلندی هجاها حاصل می‌شود نشانه‌های هجایی می‌گوییم. نشانه‌های هجایی لازم است با (- بلند و U کوتاه) مشخص شوند.

وزن واژه یا رکن: به هر یک از ارکان عروضی گفته می‌شود که پس از رکن بندی به دست می‌آید و از مجموع آن، وزن حاصل می‌شود؛ مثلاً فاعلن، فاعلاتن، مفاعیلن، مفتعلن، فعلاتن....

وزن شعر: از به هم پیوستن وزن واژه‌ها، وزن شعر به دست می‌آید که حاصل سه یا چهار وزن واژه است؛ مثلاً فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن (سه وزن واژه) / فاعلن، فاعلن، فاعلن، فاعلن (چهار وزن واژه)

پایه‌های همسان: از به هم پیوستن وزن واژه‌های منظم ارکان ایجاد می‌شود و دو گونه است:

۱- همسان یک‌لختی یا تکراری: که وزن واژه‌ها به صورت منظم تکرار می‌شوند که برخی عروض نویسان آن را **اوزان متحدالارکان** نامیده‌اند.

مانند: ۱- نسیم صبح را گفتم که با او جانبی داری کز آن جانب که او باشد صبا عنبر فشان آید (سعدی)

پایه‌های آوایی	نَ سِی مِ صَبْ	حَ رَا كُفْ تَمْ	کِ بَا اَوْ جَا	نِ بِی دَا رِی
	کَ زَا جَانِبْ	کِ اَوْ بَا شَدْ	صِ بَا عَن بَرْ	فِ شَا نَا / یَدْ
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	- - - U	- - - U	- - - U	- - - U

در هر یک از وزن واژه‌های همسان، ممکن است یک هجا یا بیشتر از پایان آن حذف شود؛ گاهی هم یک پایه، به صورت کامل حذف می‌شود؛ یعنی هر مصراع، به جای چهار پایه، سه پایه دارد.

۲- هر کسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من (مولوی)

پایه‌های آوایی	هَر کَ سِی اَز	ظَن نِ خُدْ شُدْ	یَا رِ مَن
	اَز دَ رُو نِ	مَن نَ جِس تَسْ	رَا رِ مَن
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن
نشانه‌های هجایی	- - U -	- - U -	- U -

۳- خدایا به خواری مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم (سعدی)

پایه‌های آوایی	خُ دَا یَا	بِ خَا رِی	مَ رَا نَزَا	دَ رَمْ
	کِ صَو رَتْ	نَ بَن دَدْ	دَ رِی دِی	گَ رَمْ
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل
نشانه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

۲- همسان دولختی: که وزن واژه‌ها به صورت متناوب یکی در میان تکرار می‌شوند و هر مصراع به دوپاره تقسیم می‌شود هر پاره مصراع از تکرار پاره مصراع قبلی حاصل می‌شود. برخی عروض نویسان آن را متناوب الارکان نامیده‌اند.

وزن همسان دولختی (دوری): وزنی است که هر مصراع بیت به دوپاره تقسیم می‌شود، موسیقی و آهنگ پاره دوم، تکرار موسیقی پاره نخست است. به بیان دیگر، پایه‌ها یک در میان تکرار شده است. به آهنگ خوانش بیت زیر، توجه کنید:

بار غمت می کشم وز همه عالم خوشم گر نکند التفات یا نکند احترام (سعدی)

برای درک بهتر نظم پایه‌های همسان دولختی، وزن و نشانه‌های هجایی بیت را نشان می‌دهیم.

پایه‌های آوایی	بار غ مَت	می کِ شَم	وَزَه مِ عَا	لَم خُ شَم
	گَرَن کُ نَد	اِل تِ فَاَت	یَا نِ کُ نَد	اِح تِ رَام
وزن	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	فاعلن
نشانه‌های هجایی	- U U -	- U -	- U U -	- U -

با خوانش صحیح بیت متوجه می‌شویم که هر مصراع چهار پایه آوایی دارد و از دو پایه همسان (مفتعلن، فاعلن) تشکیل شده است و وزن بیت بر پایه برش هجایی «چهار تایی - سه تایی» است.

توجه:

- ✓ در وزن دوری میانه هر مصراع با درنگ و مکثی آشکار، همراه است. در خوانش هم باید این گسست آوایی رعایت شود.
- ✓ هر مصراع از دو پایه همگون تشکیل می‌شود.
- ✓ در این نوع وزن، هر نیم مصراع در حکم یک مصراع است.
- ✓ هجای پایان نیم مصراع، مانند پایان مصراع بلند محسوب می‌شود، بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصراع، هجای بلند به شمار می‌آید. به نظم هجاهای بیت زیر توجه کنید:

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه بر خیز باشد که بازبینیم دیدار آشنا را (حافظ)

پایه‌های آوایی	کش تی شِ	کَس تِ گَا نِیم	اِی بَا دِ	شُر طِ بِر خِیز
	بَا شَد کِ	بَا زِ بِی نِیم	دِی دَا رِ	آ شِ نَا رَا
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U - -	- - U -	U - -	- - U -

می‌بینیم که هجای پایان نیم مصراع، «نیم» و «نیم» هجای کشیده است، اما به صورت یک هجای بلند محسوب می‌شود. وزن بیت، بر پایه برش هجایی «سه تایی - چهار تایی» به دست آمده، اگر هجاها را به شیوه «چهار تایی - سه تایی» دسته‌بندی کنیم، وزن «مستعلن فعولن» می‌شود:

پایه‌های آوایی	کش تی شِ کَس	تِ گَا نِیم	اِی بَا دِ شُر	طِ بِر خِیز
	بَا شَد کِ بَا	زِ بِی نِیم	دِی دَا رِ آ	شِ نَا رَا
وزن	مستعلن	فعولن	مستعلن	فعولن
نشانه‌های هجایی	- U - -	- - U	- U - -	- - U

توجه: در اوزان همسان دولختی، دوپاره باهم یک واحد موسیقایی به شمار می‌آیند. آرایش پایه‌ها در اوزان همسان تک پایه‌ای و دولختی را می‌توان به گونه زیر نشان داد:

همسان تک پایه‌ای: الف الف الف = O O O O / همسان دولختی: الف ب // الف ب = O * // O *

افزون بر این وزن‌ها در شعر فارسی وزن‌های همسان دولختی دیگری وجود دارد، مانند بیت زیر:

وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی‌خوبشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها (سعدی)

وزن بیت «مفعول مفاعیلن / مفعول مفاعیلن» است:

پایه‌های آوایی	وق تی د	ل سو دا یی	می رف ت	ب بس تان ها
	بی خی ش	ت نم کر دی	بو ی گ	ل ری حان ها
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	U--	---U	U--	---U

اگر هجاها را به شیوه «چهار تایی - سه تایی» دسته‌بندی کنیم، وزن بیت بالا «مستفعل مفعولن» می‌شود.

خودارزیابی

۱- کدام یک از بیت‌های زیر، دارای نظم همسان دولختی است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی هر یک، وزن آن را بنویسید.

الف) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم اینکه او سرسپرده می‌خواست، من سر سپرده بودم (بهمنی)

بیت دارای نظم همسان دولختی است. وزن دیگر بیت «مستفعلن فعولن» می‌شود.

پایه‌های آوایی	یک عم ر	دو ر تن ها	تن ها ب	جرم این ک
	او سرس	پر د می خاست	من سرس	پر د بو دم
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U--	---U-	U--	---U-

بدان شمع خلوتگه پارسایی (حافظ)

ب) درودی چو نور دل پارسایان

پایه‌های آوایی	دو رو دی	چ نو ر	دل پا	ر سا یان
	ب دان شم	ع خل وت	گ ه پا	ر سایی
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
نشانه‌های هجایی	---U	---U	---U	---U

۲- در نمونه‌های زیر بیت‌هایی را که وزن همسان دولختی دارند، مشخص کنید:

الف) الفبای درد از لبم می‌تراود
نه شبنم که خون از شیم می‌تراود (قیصر امین پور)

ب) آیینۀ سکندر، جام می‌است بنگر
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا (حافظ)

پایه‌های آوایی	الف با	ی در دز	ل بم می	ت را ود
	ن شب نم	ک خو نز	ش بم می	ت را ود
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
نشانه‌های هجایی	---U	---U	---U	---U

تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا (حافظ)

ب) آیینۀ سکندر، جام می‌است بنگر

پایه‌های آوایی	آیی ن	ی س کن در	جا م م	یس ت پن گر
	تا بر ت	ع رض دا رد	اح و ل	م ل ک دا را
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U--	---U-	U--	---U-

بیت دارای وزن همسان دولختی است.

(پ) ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران (سعدی)

پایه‌های آوایی	ای ص ب ح	شب ن شی نان	جا نم ب	طاق تا مد
	از بس ک	دی ر مان دی	چون شام	روز داران
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U--	--U-	U--	--U-

بیت دارای وزن همسان دولختی است.

(ت) چو دل برنهی بر سرای کهن کند ناز وز تو بیوشد سخن (فردوسی)

پایه‌های آوایی	چ دل بر	ن هی بر	س را ی	ک هن
	ک ند نا	ز وز ت	ب پوشد	س سخن
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل
نشانه‌های هجایی	--U	--U	--U	-U

۳- پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

دلیل: (۱) میان هر مصراع بادرنگ و مکئی آشکار همراه است. (۲) تعداد پایه‌ها (ارکان) همیشه زوج است. (۳) پایه‌های آوایی یک‌درمیان به شکل متناوب تکرار می‌شود. (۴) هجای پایان هر نیم مصراع، مانند پایان مصراع بلند محسوب می‌شود.

(الف) باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد (مولوی)

پایه‌های آوایی	با غ س لا	م می ک ند	سرو ق یا	م می ک ند
	سب ز پ یا	د می ر ود	غن چ س وا	ر می ر سد
وزن	مفتعلن	مفاعلن	مفتعلن	مفاعلن
نشانه‌های هجایی	-UU-	-U-U	-UU-	-U-U

(ب) ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت روزی تفقدی کن درویش بینوا را (حافظ)

پایه‌های آوایی	ای ص ب ح	ب ک را مت	شک را ن	ی س لا مت
	روزی ت	فق ق دی کن	در وی ش	بی ن وا را
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U--	--U-	U--	--U-

۴- بیت زیر را بخوانید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید.

ای دوست شکر خوش تر یا آنکه شکر سازد؟ خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟ (مولوی)

پایه‌های آوایی	ای دو ست	ش گر به تر	یا آن ک	ش گر سازد
	خوبی ی	ق مَر به تر	یا آن ک	ق مَر سازد
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	U--	---U	U--	---U

۵- برای هر کدام از موارد زیر از خودارزیابی‌ها نمونه‌ای بیابید و بنویسید:

(الف) مجاز: در بیت (الف) از سؤال دوم: الفبای درد مجاز از سخن - در بیت (ت) سخن مجاز از پندواندرز

(ب) استعاره: در بیت (پ) از سؤال دوم: ای صبح شب‌نشین - در بیت (الف) از سؤال سوم: باغ، سرو، سبزه و غنچه

(پ) تشبیه: در بیت (پ) از سؤال دوم: درودی چو نور پارسایان - در بیت (ب) از سؤال دوم: جام می به آیینۀ سکندر

۶- بیت خودارزیابی ۴ را از نظر فکری تحلیل کنید.

بیت درون مایهٔ عارفانه دارد. از دیدگاه مولانا آنچه بیشتر شایستهٔ دوست داشتن است آفرینندهٔ پدیده‌های هستی است. این بیت نمایانگر جمال‌گرایی عارفانه است. در این دیدگاه برای دوست داشتن و دوست داشته شدن، صاحب‌جمال بر مخلوق جمیل برتری دارد.

نمونه سؤال تستی پایه‌های آوایی همسان دولختی

۱- در بیت زیر، «وزن همسان دولختی» به کار رفته است.

ز آتش هجران تو دود به مغزم رسید اشک ز چشمم گشاد مایهٔ اشک است، دود (خاقانی)

(الف) درست (ب) نادرست

۲- در کدام ابیات شاعر از «وزن همسان دولختی» بهره گرفته است؟

(الف) دلم سر به هامون رها می‌پسندد سرم بالش از صخره‌ها می‌پسندد (شهریار)

(ب) آب‌زنید راه را هین که نگار می‌رسد مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد (مولوی)

(پ) من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را (حافظ)

(ت) دائم گل این بستان شاداب نمی‌ماند درباب ضعیفان را در وقت توانایی (حافظ)

(۱) الف، ب (۲) ب، پ (۳) ب، ت (۴) پ، ت

۳- در کدام گزینه الگوی هجایی «مفتعلن فاعلن» دیده می‌شود؟

(الف) چندان که گفتم غم با طبیبان درمان نکردند مسکین غریبان (حافظ)

(ب) صبح بر آمد ز کوه چون مه نخشب ز چاه ماه بر آمد به صبح چون دم ماهی ز آب (خاقانی)

(پ) دیشب گلهٔ زلفش با باد همی کردم گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی (حافظ)

(ت) از نظرت کجا رود و برود تو هم‌رهی رفت و رها نمی‌کنی، آمد و ره نمی‌دهی (سعدی)

۴- بیت زیر بر پایهٔ «برش هجایی» دارای «دو وزن واژه» است.

ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی بیوند روح کردی، پیغام دوست داری (سعدی)

(الف) درست (ب) نادرست

۵- در کدام گزینه هجای پایان نیم مصراع، هجای کشیده است، اما به صورت یک هجای بلند محسوب می‌شود؟

- (الف) هان ای دل عبرت بین، از دیده عبر کن هان
 (ب) گرم عذاب نمایی، به داغ و درد جدایی
 (پ) سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست
 (ت) ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم
- (۱) الف، ب (۲) ب، پ (۳) پ، ت (۴) ب، ت

پاسخ‌نامه نمونه سؤال تستی

- ۱- الف) درست. چون بیت دارای وزن متناوب «مفتعلن فاعلن» است.
 ۲- گزینه ۳ درست است. به ترتیب دارای وزن متناوب ب) «مفتعلن فاعلن» و ت) «مستفعل مفعولن» / «مفعول مفاعیلن» است.
 ۳- گزینه ب
 ۴- گزینه الف. بیت دارای دو وزن واژه «مفعول فاعلاتن» و «مستفعلن فاعلن» است.
 ۵- گزینه ۳. پ) هجای پایان نیم مصراع، «دوست» و «نیست» هجای کشیده است.
 ت) هجای پایان نیم مصراع، «ایم» و «ویم» هجای کشیده است.

نمونه سؤال تشریحی

- ۱- کدام یک از بیت‌های زیر، دارای نظم همسان دولختی است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی هر یک، وزن آن را بنویسید:
- (الف) بباید هوس کردن از سر به در که دور هوس بازی آمد به سر (سعدی)
 (ب) ای خوبتر از لیلی، بیم است که چون مجنون عشق تو بگرداند، در کوه و بیابانم (سعدی)
- ۲- در نمونه‌های زیر بیتی را که وزن همسان تک لختی دارد مشخص کنید.
- (الف) دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا (حافظ)
 (ب) بیا عاشقی را رعایت کنیم ز یاران عاشق حکایت کنیم (سید حسن حسینی)
 (پ) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست (مولوی)
- ۳- با خوانش درست بیت زیر پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی آن را مشخص کنید:
- راهی بزن که آهی، بر ساز او توان زد شعری بخوان که با او، رطل گران توان زد (حافظ)
- ۴- نشانه‌های هجایی بیت زیر را به دو صورت برش بنویسید؛ پس از تعیین پایه‌های آوایی، وزن هریک را بنویسید.
- در خواب دوش پیری، در کوی عشق دیدم با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن (مولوی)

۵- بیت سؤال ۴ را از نظر قلمرو ادبی (تشبیه، مجاز) و قلمرو فکری تحلیل کنید.

پاسخ نامه نمونه سؤال تشریحی

۱- ب) وزن همسان دولختی دارد.

الف) ببااید هوس کردن از سر به در که دور هوس بازی آمد به سر (سعدی)

پایه‌های آوایی	بِ با یَد	هَ وسِ گَر	دَ نَز سَر	بِ دَر
وزن	فَعولن	فَعولن	فَعولن	فَعولن
نشانه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

ب) ای خوبتر از لیلی، بیم است که چون مجنون عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم (سعدی)

پایه‌های آوایی	ای خوب	تَ رَز لی لی	بی مس ت	کِ چُن مَج نو
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	U - -	- - - U	U - -	- - - U

۲- گزینه ب:

ب) بیا عاشقی را رعایت کنیم ز یاران عاشق حکایت کنیم (سید حسن حسینی)

پایه‌های آوایی	بِ یا عا	شِ قی را	رُ عا یت	کُ نیم
وزن	فَعولن	فَعولن	فَعولن	فَعولن
نشانه‌های هجایی	- - - U	- - U	- - U	- U

۳- راهی بزن که آهی، بر ساز آن توان زد شعری بخوان که با او، رطل گران توان زد (حافظ)

پایه‌های آوایی	را هی ب زَن	کِ آ هی	بر سا زِ آن	تَ وان زَد
وزن	مستفعلن	فَعولن	مستفعلن	فَعولن
نشانه‌های هجایی	- U - -	- - U	- U - -	- - U

۴- در خواب دوش پیری، در کوی عشق دیدم / با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن (مولوی)

برش «چهارتایی، سه تایی»:

پایه‌های آوایی	در خا ب دو	ش پی ری	در کوی عِش	ق دی دَم
وزن	مستفعلن	فَعولن	مستفعلن	فَعولن
نشانه‌های هجایی	- U - -	- - U	- U - -	- - U

برش «سه تایی، چهارتایی»:

پایه‌های آوایی	در خا ب	دوش پی ری	در کوی	عشق دی دم
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U- -	- -U-	U- -	- -U-
	با دَس اِ	شا رَ تَم گَرَد	کِ عَز م	سو یِ ما کن

۵- قلمرو ادبی: مجاز: دست، مجاز از انگشت / تشبیه: کوی عشق

قلمرو فکری: بیت، نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی است. شاعر شعر مولانا عاشق و ارسته‌ای است که توجه به دنیای درون، رواج روحیه عرفانی و آسمانی بودن معشوق اشاره دارد.

درس دوازدهم

کنایه

لغوی: پوشیده سخن گفتن

کنایه از دیدگاه ادبی: واژه یا عبارتی که معنای ظاهری و نزدیک آن مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدنظر است. (در واقع مفهوم مجازی)

به عبارتی: کنایه، پوشیده سخن گفتن است درباره امری، با بیان «نشانه»، «نمونه» یا «دلیل علت آن امر». کنایه دریافت معنی است از طریق استدلال.

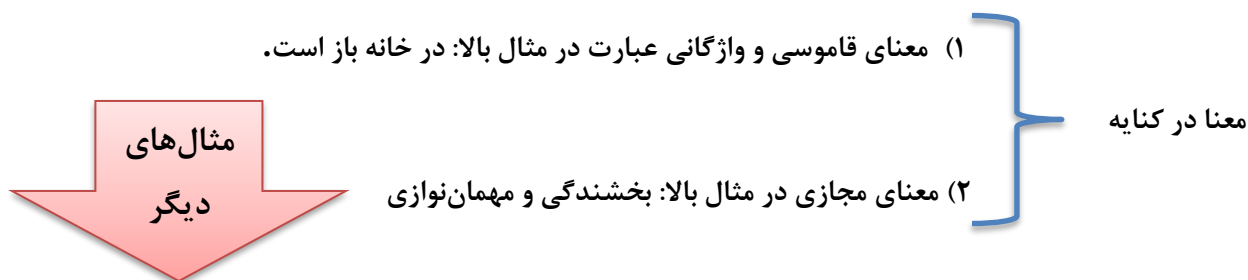
هم‌چنین کنایه گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت (در کنار هم بودن واژگان) استوار است.

گاهی دبیر شما هنگام تدریس مطلبی به شما سفارش می‌کند که «زیر این مطلب خط پُررنگ بکشید» یا «دور این مطلب حتماً خط بکشید». این دو جمله یک معنی ظاهری و آشکار دارد: توصیه برای کشیدن خط؛ اما می‌دانید که مقصود از این جمله‌ها چیز دیگری است که در ظاهر جمله‌ها آشکار نیست و آن، این است که: «این مطلب، برای امتحان اهمیت دارد»

در جواب کسی که از ما می‌پرسد: «چه قدر خوانده‌ای؟» ممکن است بگوییم: «لای کتاب را باز نکرده‌ام.» از ما پرسیده نشده که لای کتاب را باز کرده‌ایم یا نه ولی ما با گفتن این جمله، به کنایه پاسخ داده‌ایم که چیزی نخوانده‌ام.

فلانی در خانه‌اش باز است. ← مفهوم کنایی: بخشندگی و مهمان‌نوازی است. گرچه معنای ظاهری سخن نیز به ذهن خواننده هم می‌رسد؛ اما مفهوم اصلی و کنایی همان بخشندگی و مهمان‌نوازی شخص است نه باز بودن در خانه که البته این را هم از روی بافت سخن، عناصر و اجزای کلام می‌توان دریافت.

در واقع معنای ظاهری همانند پلی است که ما را به معنای نهایی کنایه می‌رساند، همانند مثال‌های بالا. پس «معنا» در کنایه دو گونه است:



(۱) معنای قاموسی و واژگانی: یکسره به راه نگاه می‌کند تا تو بیایی.

چشم به راه تو است

(۲) معنای مجازی: انتظار می‌کشد تا تو بیایی.

(۱) دستمان را به سوی درگاه خدا دراز کنیم.

دست به درگاه خدا برداریم

(۲) به درگاه خدا دعا کنیم.

(۱) او از جمله ساکنان این محله است که ریشی سفید دارد.

او از ریش سفیدهای محله است

(۲) او از افراد باتجربه و مورد احترام این محله است.

بررسی و آشنایی با چند نمونه کنایه در شعر و نثر

نرفتم به محرومی از هیچ کوی چرا از در حق شوم زرد روی

«زرد روی» کنایه از خجالت و شرمندگی. در این کنایه، «نشانه‌ای» از چیزی به جای خود آن چیز بیان شده است.

هنوز از دهن بوی شیر آیدش ❖ همی رأی شمشیر و تیر آیدش

«از دهن او بوی شیر می‌آید» کنایه‌ای تحقیرآمیز است و مفهوم آن این است که «او هنوز کودک است». در این کنایه، «نشانه‌ای» از کودکی که بوی شیر دهان است به جای کودکی به کار رفته است. «رأی شمشیر و تیر دارد» نیز کنایه از این است که «جنگ طلب است».

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج ❖ فکر معقول بفرما، گل بی‌خار کجاست

«گل بی‌خار کجاست» کنایه است و مفهوم آن این است که هیچ آسایشی بدون رنج نیست شاعر برای بیان این اندیشه، به یک «نمونه» در طبیعت اشاره کرده است.

همین‌ات بسنده است اگر بشنوی ❖ که گر خار کاری سمن ندروی

مصراع «گر خار کاری سمن ندروی» کنایه است. شاعر برای بیان این که «هرگز کار بد پایان خوبی ندارد» به یک «نمونه» در طبیعت اشاره کرده است.

❖ روی جعبه تلویزیون نوشته شده است: «شکستنی است.»

جمله کوتاه «شکستنی است» کنایه است و مفهوم آن، این است که «پس با احتیاط حمل شود.» در چنین جمله کنایه‌ای، «علت کار» به جای «خود کار» بیان شده است، یعنی علت این که چرا باید با احتیاط حمل شود، بیان شده است.

❖ گاهی به جای این که بگوییم «پنجره را باز کن» می‌گوییم «هوا چه قدر گرم است.» در چنین کنایه‌ای نیز علت درخواست باز شدن پنجره را می‌گوییم و منظور ما خود آن کار است.

❖ عیال گفت: ... مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بکند.

«خط کشیدن»، کنایه از حذف کردن و «سماق مکیدن»، کنایه از در انتظار و در حسرت دعوت ماندن است.

❖ می‌خواهم امروز نشان بدهی که چند مرده حلاجی. «چند مرده حلاج بودن»، کنایه از توانایی و قابلیت فراوان داشتن است.

❖ زری و یوسف سوار اسب می‌شوند و هم عنان می‌تازند. «هم عنان» کنایه است به مفهوم «در کنار هم».

❖ خسرو یک نمره بیست با مبلغی احسنت و آفرین گرفت و مثل شاخ شمشاد رفت و سر جایش نشست. «مثل شاخ شمشاد»، کنایه از سر بلند بودن است.

❖ او شاگرد ممتازی بود... اما در ریاضی کمیتش لنگ بود. «کمیتش لنگ بود»، کنایه از این است که توانایی کافی نداشت.

❖ نرود میخ آهنین در سنگ. مفهوم این کنایه بی‌اثر بودن نصیحت و راهنمایی در کسی است.

چند کنایه دیگر:

«خم به ابرو نیاوردن»: کنایه از این است که اهمیتی ندارد.

«فلانی نان به نرخ روز خور است.» کنایه از این است که آدمی فرصت طلب است.

شام می‌خوری؟ سیرم. «سیرم» کنایه‌ای است که در آن، «دلیل» شام نخوردن بیان شده است.

«پا برهنه است.» کنایه از نیازمندی است.

«چشم از او بر نمی‌دارد.» کنایه از این است که کاملاً مراقب اوست یا به او توجه زیادی دارد.

«دست راست و چپاش را نمی‌داند.» کنایه از نهایت حماقت (نادانی) است.

«فلانی دستش کج است.» کنایه از این است که دزدی می‌کند.

«در یک چشم به هم زدن...» کنایه از زمان بسیار کم است.

«دهان به دهان گشتن سخن» کنایه از پخش شدن و رایج بودن سخن است که در بافت کلام و جمله آمده است.

«دسته گل به آب دادن» کنایه از اشتباه بزرگ کردن.

«دست و پا گم کردن» کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»

«تنگ دست بودن» کنایه از «فقیر بودن»

«ثابت قدم بودن» کنایه از «باراده بودن».

«او دستش را پیش همه دراز می‌کند»، مفهوم کنایی: او در برابر همه اظهار نیاز و گدایی می‌کند.

کنایه‌هایی که مفهوم همه آن‌ها کار و تلاش بی‌ثمر است:

چراغ در ره باد نهادن، آب در هاون کوفتن، با مُرده مشورت کردن، و سَمه بر ابروی کور کشیدن، گاو
نر را دوشیدن، نقش بر آب زدن و مُشت بر سندان کوفتن و ...

فواید کاربرد کنایه

(کنایه سبب درنگ خواننده می‌شود؛ ذهن او را به تلاش و می‌دارد و حالات را برای او محسوس می‌سازد. دو جمله‌ی زیر را با هم مقایسه کنید:

(۱) در مجاز: فقط یکی از دو سوی معنی درست است.

مثال: به یاد روی شیرین بیت می‌گفت.

بیت: مجاز از شعر

(۲) در کنایه، ادعا با دلیل همراه می‌شود از این‌رو مخاطب توان انکار آن را ندارد و آن را می‌پذیرد. برای مثال وقتی برای بیان این نکته که «عمل خوب، نتیجه‌ی خوب دارد و عمل بد، نتیجه‌ی بد»، می‌گوییم: «گندم از گندوم بروید، جو ز جو» سخن خود را با نمونه و دلیلی همراه کرده‌ایم که کاملاً پذیرفتنی و تردیدناپذیر است.

(۱) در مجاز: فقط یکی از دو سوی معنی درست است.

مثال: به یاد روی شیرین بیت می‌گفت.

بیت: مجاز از شعر

(۲) در کنایه: هر دو وجه کلام می‌تواند درست باشد. اما معنای دور مورد نظر گوینده است.

(الف) معنای قاموسی و واژگانی:

سفید بودن ریش و محاسن

(ب) معنای مجازی:

باتجربه بودن،

مثال: فلانی ریش سفید است

تفاوت

کنایه

با

مجاز

تفاوت استعاره و کنایه

(۱) استعاره در «واژه» صورت می‌گیرد یا روی می‌دهد.

مثال: به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جویبارها
در این بیت «گل‌ها» استعاره از شهیدان است. (علامه طباطبایی)

مثال دیگر: باز امشب ای ستارهٔ تابان نیامدی.

در این مصراع «ستاره» استعاره از یار است که در بافت واژه بیان شده است.

(۲) کنایه: در ساختار «کلام» (جمله) صورت می‌گیرد یا روی می‌دهد.

مثال: گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین دل

گل از خارم برآوردی و خار از پای و پای از گل

«گل از خار برآوردن»، «خار از پای درآوردن» و «پای از گل برآوردن» هر سه کنایه هستند از نجات دادن و یاری رساندن.

مثال دیگر: یکهو می‌بینی آفتاب تیغ کشید و میدان روشن شد. (سیمین دانشور)

«تیغ کشیدن آفتاب» کنایه از طلوع خورشید است.

تحلیل خود ارزیابی درس دوازدهم

(۱) کنایه‌ها را در مثال‌های زیر بیابید.

(الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد.

«لنگر نهادن یا انداختن» کنایه از پا بر جا بودن، ماندن، ساکن شدن.

(ب) ای پای به گل فرو شده، ای خستهٔ تیر بلا، همه ما را خوانید؛ گرد در ما گردید. (کشف‌الاسرار میبدی)

«پای به گل فرو شدن» کنایه از گرفتار شدن، عاجز و درمانده. / «گرد در کسی گشتن» کنایه از به کسی متوسل شدن، همراه و وابستهٔ کسی بودن.

(پ) دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ آیینه بود میل تماشا شدن نداشت (سلمان هراتی)

«دل صاف بودن» کنایه از بی‌کینه بودن، پاک و صادق و بی‌ریا بودن. / «میل تماشا شدن نداشت» کنایه از اظهار نکردن عقیده و باور، پنهان ماندن چیزی

(ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنکه که باشم خفته در خاک (نظامی)

«دل از مهر کسی پاک کردن» کنایه از مهر کسی را فراموش کردن کسی، ترک عاشقی. / «در خاک خفتن» کنایه از مردن.

ث) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است / زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر (حافظ)

«عنان گسسته (اسب) دواندن کنایه از با شتاب (تاختن) رفتن / «عنان گسسته بودن سوار عمر» کنایه از این که عمر سریع می گذرد.

ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد / که عیب گیرد و گوید چرا به فرق نیویی (سعدی)

«پا به سنگ بر آمدن» کنایه از گرفتار شدن. / «به فرق پویدن» کنایه از در نهایت شوق و با دل و جان کاری را انجام دادن.

۲) مفهوم کنایی عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

الف) چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت (فردوسی)

«پشت بر زین» کنایه از پیروزی، موقّیّت و اوضاع بر وفق مراد بودن. / «زین بر پشت» کنایه از شکست، ناکامی و اوضاع بر وفق مراد نبودن. ← مفهوم کلی: جهان فراز و نشیب دارد.

ب) از مکافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جو ز جو (مولوی)

«گندم از گندم بروید جو ز جو» کنایه از این که هر عملی نتیجه خاص خود را دارد، متناسب بودن عمل با نتیجه، هر کس نتیجه کار خود را می بیند.

پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا / تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من (حافظ)

«نقش بر آب زدن» کنایه از کار بیهوده کردن.

ت) قمری ریخته بالم به پناه که روم؟ / تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟ (کلیم کاشانی)

«ریخته بال بودن» کنایه از عاجز و ناتوان بودن. / «سرکشی» کنایه از دوری و کناره‌گیری کردن یا نافرمانی کردن.

۳) در نمونه‌های زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را توضیح دهید:

الف) پیش دیوار آنچه گویی هوش دار / تا نباشد در پس دیوار گوش (سعدی)

«پیش دیوار» کنایه از پنهانی و مخفیانه. / «هوش دار» کنایه از مراقب و مواظب باش. / «در پس دیوار گوش بودن» کنایه از گوش دادن و استراق سمع.

ب) بس بگردید و بگردد روزگار / دل به دنیا در نبندد هوشیار (سعدی)

«گردیدن روزگار» کنایه از دگرگونی و چرخش روزگار. / «دل به دنیا نبستن» کنایه از وابسته نشدن به دنیا و ترک تعلّقات دنیوی.

پ) عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا، ای هوشمند! (رابعه بنت کعب)

«کرانه ناپدید بودن» کنایه از وسیع بودن. / «شنا کردن در دریای عشق» کنایه از توفیق داشتن در مسأله عشق.

ت) از در درآمدی و من از خود به در شدم / گویی کزین جهان به جهان دگر شدم (سعدی)

«از خود به در شدن» کنایه از بی اختیار شدن، از خود بی خود شدن، از خود بی خبر شدن. / «به جهانی دگر شدن» کنایه از مُردن.

ث) الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است؛ دل از خاک برداشتن دشوار است. (حسن زاده آملی)

«پیشانی بر خاک نهادن» کنایه از سجده کردن، عبادت کردن، اظهار بندگی کردن. / «دل از خاک برداشتن» کنایه از ترک تعلقات دنیوی کردن، عدم وابستگی به مادیات، وابسته نبودن.

(ج) در سلطان و شه را روزها بیهوده کوبید دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب (محو)

«در کسی را کوبیدن» کنایه از یاری و کمک خواستن، متوسل شدن. / «خاک بر سر کردن» کنایه از بدبخت شدن و بیچاره شدن، بی تاب شدن.

(۴) ویژگی‌های زبانی و فکری مثال‌های خودارزیابی ۲ را بررسی کنید:

(الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت (فردوسی)

تحلیل کارگاه درس دوازدهم

(۱) دو غزل زیر را بخوانید و پرسش‌ها را پاسخ دهید:

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست	هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
چنان	که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
گرم تو در نگشایی کجا توام رفت	به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست
مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش	جواب تلخ بدیع است از آن دهان ای دوست
که گفت سعدی از آسیب عشق بگریز	به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست

(سعدی)

ای دفتر حُسن تو را فهرست، خط و خال‌ها	تفصیل‌ها پنهان شده در پردهٔ اجمال‌ها
آتش‌فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو	هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال‌ها

پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما	آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها
با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، از بی کسی	شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره‌یی	هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غربال‌ها
هر چند صائب، می‌روم سامان نومیدی کنم	زلفش به دستم می‌دهد سررشتهٔ آمال‌ها

(صائب تبریزی)

(الف) وزن هر دو غزل را بیابید. (۱) مفاعیلن فعاتن مفاعیلن فع‌لن (غزل سعدی)

(۲) مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن (غزل صائب)

(ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.

✓ قلمرو زبانی: در سبک عراقی زبان شعر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی است.

اما در سبک هندی شعر عامیانه و دارای مضامین تازه و خیال‌پردازی‌های پیچیده است.

✓ قلمرو فکری: در **غزل سعدی** هنوز برخی ویژگی‌های زبان خراسانی، مانند: جابه‌جایی ضمیر پیوسته و کاربرد فعل «می‌نکند» وجود دارد. واژه‌ها و ساخت‌های نحوی غزل سعدی، نرم‌تر و روان‌تر هستند اما واژه‌های غزل صائب، روانی غزل سعدی را ندارد.

در **غزل صائب** برخی ترکیب‌ها و تغییرهای تازه مانند: آتش‌فروز قهر، آینه‌دار لطف، مغرب ادبارها، مشرق اقبال‌ها، پیشانی عفو و سررشته‌آمال‌ها، تازگی دارند. در **غزل صائب**، برخی تعبیرات عامیانه مانند: فهرست دفتر، یک کوچه‌راه، بی‌کسی، ریشه‌ریشه شدن دامن و سوراخ غربال‌ها دیده می‌شود. در **غزل سعدی**، غایت مقصود شاعر از همه جهان هستی و زندگی، تنها رضای دوست، خداوند است. در **غزل سعدی**، عاشق هرگز از سختی‌های عشق نمی‌گریزد و از بلای عشق نمی‌پرهیزد. در **غزل صائب**، همه پدیده‌های هستی، نشان‌دهنده زیبایی‌های خداوند هستند و همه‌ی بدبختی‌ها و خوشبختی‌های این جهان، پرتوی از قهر و لطف او می‌باشد. در **غزل صائب**، زشتی گناهان ما در عفو و بخشش خداوند، خدشه‌ای وارد نمی‌کند. **غزل صائب** واقع‌گرا است. در **غزل صائب** معشوق عرفانی‌تر است. **غزل صائب** معنی‌گرا است. **واژه‌های عربی** در غزل صائب بیش‌تر است نسبت به غزل سعدی.

(پ) دو غزل را از دیدگاه زیباشناسی تحلیل نمایید.

غزل سعدی: «جهان» مجاز از نعمت، «مرغ دل» تشبیه فشرده، «دام»، «مرغ» و «آشیان» مراعات نظیر، «در گشادن» کنایه، «راستان و آستان» جناس ناهمسان افزایشی، «جواب تلخ» حس آمیزی، «آسیب عشق» اضافه استعاری.

غزل صائب: «دفتر حسن»، «پرده اجمال» تشبیه فشرده، «خط و خال‌ها فهرست دفتر توست» تشبیه گسترده، «تفضیل» و «اجمال» تضاد، «مغرب ادبارها آتش‌فروز قهر توست»، «مشرق اقبال‌ها آینه‌دار لطف توست» تشبیه فشرده، «مغرب ادبارها»، «مشرق اقبال‌ها» تشبیه فشرده، «ادبار» و «اقبال» تضاد، «مشرق و مغرب» قهر و لطف» تضاد، «پیشانی عفو» اضافه استعاری، بیت سوم اسلوب معادله، «پرچین ساختن» کنایه، «عقل» تشخیص، «ریشه‌ریشه» کنایه، «خار استدلال‌ها» تشبیه فشرده، بیت پنج اشاره به تأثیر ستارگان در سرنوشت، «کواکب» تشخیص، «غربال» استعاره مصرّحه از آسمان، «سامان نومی‌کندن» پارادوکس، «سر رشته‌آمال‌ها» تشبیه فشرده، «زلف» تشخیص.

در **غزل صائب**، تصویرهای گوناگون و پیچیده‌ای چون: «فهرست دفتر حسن»، «پرده اجمال‌ها»، «آتش‌فروز قهر»، «آینه‌دار لطف»، «مغرب ادبارها»، «مشرق اقبال‌ها»، «پرچین نشدن پیشانی عفو»، «تمثیل بر هم نخوردن آینه از زشتی تمثال‌ها»، «همسفر شدن با عقل»، «ریشه‌ریشه شدن دامن از خار استدلال‌ها»، «تنگ‌تر شدن غربال‌های کوب» و «سررشته‌آمال‌ها» دیده می‌شود.

در حالی که در **غزل سعدی**، تنها تصویر ساده «الفت گرفتن مرغ دل به دام مشعوق» وجود دارد. سعدی گاه، از نظر بدیع لفظی با واژه‌ها بازی می‌کند؛ مانند: «به راستان و بر آستان...» اما صائب فقط به «مضمون‌های نو» می‌اندیشد.

۲) در ابیات و عبارات زیر تشبیه را مشخص کنید و ارکان تشبیهات فشرده را بنویسید.

الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی (قیصر امین‌پور)

کشتی عشق: تشبیه فشرده / عشق: مشبه / کشتی: مشبه‌به

ب) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد. (مرصاد العباد)

ابر کرم: تشبیه فشرده / کرم: مشبه / ابر مشبه‌به / باران محبت: تشبیه فشرده / محبت: مشبه / باران: مشبه‌به

پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور اتم. (صحیفه سجّادیه)

ظلمات جهل و ضلال: تشبیه فشرده / جهل و ضلال: مشبه / ظلمات: مشبه‌به / چراغ هدایت: تشبیه فشرده

هدایت مشبه / چراغ: مشبه به

ت) مه طاسک گردن سمندت / شب طره پرچم سیاهت

چرخ ار چه رفیع، خاک پایت / عقل ار چه بزرگ طفل راحت (جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی)

مه طاسک گردن سمندت: تشبیه فشرده / مه: مشبه / طاسک گردن سمندت: مشبه به

شب طره پرچم سیاهت: تشبیه فشرده / شب: مشبه / طره پرچم سیاهت: مشبه به

عقل ار چه بزرگ طفل راحت: تشبیه فشرده / عقل: مشبه / طفل راحت: مشبه به

ث) دریای شورانگیز چشمان تو زیباست / آنجا که باید دل به دریا زد، همین جاست (حسین منزوی)

دریای شورانگیز چشمان: تشبیه فشرده / چشمان: مشبه / دریای شورانگیز: مشبه به

۳) مجاز را در بیت‌های زیر مشخص کنید:

الف) عالم از شور و شر عشق مبادا خالی / فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود / پاسخ: نرگس: مجاز از چشم

ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را / چندان امان نداد که شب را سحر کن / پاسخ: خون مجاز از کشته شدن

پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست / وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست / پاسخ: دست مجاز از قدرت

۴) در ابیات و عبارات زیر استعاره را بیابید و مشخص کنید که آن استعاره، کدام رکن باقی مانده از تشبیه است؟

الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد / بهار عارضش خطی به رنگ ارغوان دارد (حافظ)

بت: استعاره از معشوق (مشبه به) / گل: استعاره از چهره (مشبه به) / سنبل: استعاره از گیسو (مشبه به)

ب) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی (سنایی)

زندان: استعاره از دنیا (مشبه به) / چاه: استعاره از دنیا (مشبه به) / جهان: استعاره از حقایق و معرفت (مشبه به)

۵) در ابیات زیر عبارت کنایه را مشخص کنید و مفهوم کنایه آن را بنویسید.

الف) به تیغم گر گشود، دستش نگیرم / وگر تیرم زند منت پذیرم / پاسخ: دستش نگیرم: کنایه از مانع شدن / (حافظ)

ب) یکی نغزبازی کند روزگار / که بنشاندت پیش آموزگار / (فردوسی)

پیش آموزگار نشانندن: کنایه از درس عبرت گرفتن

۶) آرایه‌های تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید:

الف) داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو / کز باغ جهان لاله‌عذاران همه رفتند (محمد تقی بهار)

داغ: استعاره از لگه سیاه وسط لاله / نیلی: استعاره از رنگ کبود سرو / باغ جهان: تشبیه فشرده / لاله‌عذاران: تشبیه فشرده

ب) با آسمان مفاخره کردیم تا سحر / او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم / (حسین منزوی)

دم زدن: کنایه از سخن گفتن / با آسمان مفاخره کردن: کنایه از فخر فروشی

پ) این نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران (شفیعی کدکنی)

نغمهٔ محبت: تشبیه فشرده / آواز باد و باران: استعاره مکنیه

ت) الهی، عقل گوید: الحذر، الحذر؛ عشق گوید: العجل، العجل. پاسخ: در واژه‌های عقل و عشق: تشخیص (حسن‌زاده آملی)

ث) از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر (حافظ)

روزگار عمر چو برق بشد: تشبیه گسترده / روزگار عمر: تشبیه فشرده

ج) روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی ماه شب‌افروز تویی، ابر شکر بار بیا (مولوی)

روشنی روز تویی: تشبیه فشرده / شادی غم‌سوز تویی: تشبیه فشرده / غم‌سوز: کنایه

ماه شب‌افروز تویی: تشبیه فشرده / ابر شکر بار بیا: استعارهٔ مکنیه

چ) چون در این آیات تأمل کنند، بهار توحید از دل‌های ایشان سر برزند. درخت معرفت به بار آید، چشمهٔ حکمت گشاید، یاسمین شوق بردهد. (کشف‌الاسرار میبدی)

«بهار توحید»، «درخت معرفت»، «چشمهٔ حکمت»، «یاسمین شوق»: تشبیه فشرده

ح) دلم شکستی و رفتی، خلاف شرط مودت به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی (سعدی)

دل شکستن: کنایه از ناراحت کردن.

خ) تو قامت بلند تمنّایی ای درخت / همواره خفته است در آغوش آسمان / بالای ای درخت (سیاوش کسرابی)

ای درخت آسمان خفته است، ای درخت: استعاره مکنیه / ای درخت تو قامت بلند تمنّایی: تشبیه فشرده.

بالایی ای درخت: کنایه از در اوج بودن.

د) جهان را سر به سر آینه می‌دان به هر یک ذره‌ای صد مهر تابان (شیخ محمود شبستری)

جهان آینه: تشبیه فشرده / مهر تابان: استعاره از حقیقت الهی

ذ) همگان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید. (اخوان ثالث)

خاموش بودن: کنایه از سکوت / به کردار صدف بر گرد مروارید: تشبیه گسترده

ر) ای گل بوستان‌سرا، از پس پرده‌ها در ا بوی تو می‌کشد مرا، وقت سحر به بوستان (صائب)

ای گل: استعاره از معشوق / از پس پرده در آمدن: کنایه از آشکار شدن.

ز) پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل یک روز خنده کردم و عمری گریستم (شهریار)

گلاب سرشک: تشبیه فشرده / من چو گل عمری خنده کردم: تشبیه گسترده / خنده کردن: کنایه از شاد بودن.

گریستن: کنایه از ناراحت بودن. / عمری: کنایه از مدت طولانی

ژ) موی سفید را فلکم رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام (رهی معیری)

رشته: استعاره از مو / نقد جوانی: تشبیه فشرده

۷) با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آن‌ها را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

الف	اگر تو ز آموختن سر نتابی	بجوید سر تو همی سروری را	(ناصر خسرو)
ا گ ر ت	ز ء ا مو	خ ت ن س ر	ن ت ا بی
ب جو ی د	س ر ت	ه می س ر	و ری را

(ب)	در هوایت بی‌قرارم روز و شب	سر ز پایت بر ندارم روز و شب	(مولانا)
د ر ه و ا ی ت	ب ی ق ر ا ر م	ر و ز ش ب	
س ر ز ک و ی ت	ب ر ن د ا ر م	ر و ز ش ب	

۸) با خوانش بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن‌ها طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید و وزن واژه آن‌ها را بنویسید.

الف)	ز چشم شوخ تو جان کی توان برد	که دایم با کمان اندر کمین است	(حافظ)
ز چ ش م شو	خ ت جان کی	ت وان بُ ر د	
ک د ا ی م با	ک م ا ن د ر	ک م ی ن س ت	
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی (فعولن)	

(ب)	نمیرم از این پس که من زنده‌ام	که تخم سخن را پراکنده‌ام	(فردوسی)
ن می ر م	ا ز ی ن پ س	ک م ن ز ن	د ا م
ک ت خ م	س خ ن را	پ ر ا ک ن	د ا م
فعولن	فعولن	فعولن	فعل

۹) با توجه به آهنگ بیت زیر، پایه‌هایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در جای خالی بنویسید:

نمی‌دانم بگو عشق تو از جانم چه می‌خواهد		چه می‌خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی‌دانم		(قیصر امین‌پور)
ن می د ا ن م	ب گو ع ش ق	ز ل ی خ ا ه م	چ می خ ا ه د	
ت می د ا ن ی	پ ری ش ا ن م	ط ری ق ی را	ن می د ا ن م	

۱۰) بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه و خوشه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها قرار دهید:

(الف)	باز آمدم باز آمدم، از پیش آن یار آمدم			در من نگر، در من نگر، بهر تو غمخوار آمدم	(مولوی)
پایه‌های آوایی	با زَا مَ دَم	با زَا مَ دَم	با زَا مَ دَم	آز پِی شِ آن	یا رَا مَ دَم
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	— U — —	— U — —	— U — —	— U — —	— U — —

(ب)	ای همه هستی ز تو پیدا شده		خاک ضعیف از تو توانا شده		(نظامی)
پایه‌های آوایی	اِی هَم مَ هَس	تِی زِ تِ پی	دَا شُ دِ	خَا کِ ضَ عِی	نَا شُ دِ
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	فاعلن
خوشه‌های هجایی	— U U —	— U U —	— U —	— U U —	— U —

۱۱) پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف)	از نظرت کجا رود، و برود تو هم‌رهی		رفت و رها نمی‌کنی، آمد و ره نمی‌دهی		(سعدی)
پایه‌های آوایی	اَز نَ ظَ رَت	کُ جَا رَ وُد	وَر بِ رَ وُد	تُ هَم رَ هِی	رَفَتُ رَ هَا
وزن واژه	مفتعلن	مفاعلن	مفتعلن	مفاعلن	مفاعلن

(الف) مکث وسط مصراع (ب) ارکان شعر متناوب (ج) تعداد هجاهای مصراع زوج

(ب)	اشک سحر زداید، از لوح دل سیاهی		خُرم کند چمن را، باران صبحگاهی		(رهی معیری)
پایه‌های آوایی	اَش کِ سَ حَر	زُ دَا یِد	اَز لُ وِ حِ دِل	خُرَم کُنْد چَمَن رَا	سِ یَا هِی
وزن واژه	مستفعلن	فعلون	مستفعلن	فعلون	فعلون

(الف) مکث وسط مصراع (ب) ارکان شعر متناوب (ج) تعداد هجاهای مصراع زوج

۱۲) بیت‌هایی را که نظم همسان دولختی (دوری) دارند، مشخص کنید:

(الف) در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است (سلمان هراتی)

وزن شعر: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»، دولختی (دوری) نیست.

(ب) بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آن‌ها (سنایی)

وزن شعر: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن»، دولختی (دوری) است.

(پ) هر دم از این باغ بری می‌رسد تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد (نظامی)

وزن شعر: «مفتعلن مفتعلن فاعلن»، دولختی (دوری) نیست.

۱۳) بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن واژه و خوشه‌های هجایی آن را بنویسید:

الف) دایم گل این بستان، شاداب نمی ماند		درباب ضعیفان را در وقت توانایی		(سعدی)
پایه های آوایی	دا یم گُ	لِ این بُسـ تان	شا دا ب	نِ می ما نَد
	دَر یا ب	ضَ عی فان را	دَر وَق تِ	تَ وا نا یی
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه های هجایی	U — —	— — — U	U — —	— — — U

ب) هر نفس آواز عشق، می رسد از چپ و راست		ما به فلک می رویم، عزم تماشا که راست		(مولوی)
پایه های آوایی	هَر نَ فَ سا	وا زِ عِشِق	می رِ سَ دَز	چَ پُ رَاسِ ت
	ما بِ فَ لَک	می رَ وِیم	عَ ز مِ تَ ما	شا کِ رَاسِ ت
وزن واژه	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	فاعلن
خوشه های هجایی	— U U —	— U —	— U U —	— U —

پ) غمناک نباید بود، از طعن حسود ای دل		شاید که چو وابینی، خیر تو در این باشد		(حافظ)
پایه های آوایی	غَم نا کِ	نَ با یَد بود	اَز طَ عِ نِ	حَ سو دِی دِل
	شا یَد کِ	چُ وا بی نی	خِی رِ تَ	دَ رین با شَد
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه های هجایی	U — —	— — — U	U — —	— — — U

چند نمونه از تست کنایه

۱) مفهوم کنایه «چند مرده حلاجی» در کدام بیت دیده می شود؟

الف) گر تو مردی دیده حق بین گشا / بین چو حلاج این ز اسرار خدا

ب) مردان رهت که سرّ معنا دانند / از دیده کوتاه نظران پنهانند

ج) بیار آنچه داری ز مردی و زور / که دشمن به پای خود آمد به گور

د) پیش دونان چند ریزی آبرو بهر دو نان / هر نفس تا چند مردن بهر این یک زندگی

۲) مفهوم کنایه «دندان به دندان خاییدن» چیست؟

الف) خصومت ورزیدن ب) ترسیدن ج) زبون شدن د) خشمگین شدن

۳) در همه گزیندها به جز گزینه ... کنایه وجود دارد.

الف) پشت دستم را داغ کردم. ب) کاسه و کوزه یکی شده بودیم.

ج) بی اختیار دستش را دراز کرد. د) آب به دهانم خشک شده بود.

۴) در کدام یک از بیت‌های زیر «کنایه» به کار نرفته است؟

الف) با چنین نام و چنین دل که تو داری نه عجب گر جهان گردد یک رویه تو را زیر نگیں

ب) برفتند گردان همه شاد و مست گرفته یکی دست دیگر به دست

ج) از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

د) تا کمال علم او ظاهر شود این همه اسرار بر صحرا نهاد

پاسخ‌نامه تشریحی کنایه

۱) پاسخ گزینه «ج» / چند مرده حلاجی؟ یعنی توانایی تو چه اندازه است؟ و توانایی خودت را نشان بده که این مفهوم در گزینه‌ی «ج» دیده می‌شود.

مفهوم سایر گزینه‌ها: الف) دعوت به روی آوردن به عرفان / ب) انسان‌های کوتاه نظر از مقام مردان راه حق ناآگاهانند.

د) نکوهش حرص زدن برای روزی

۲) پاسخ گزینه «د»: خشمگین شدن.

۳) پاسخ گزینه «ج» / مفهوم سایر گزینه‌ها: الف) پند گرفتن و متنیه شدن. / ب) دوست و صمیمی شدن. / د) ترسیدن یا تعجب کردن.

۴) پاسخ گزینه «ب» / مفهوم سایر گزینه‌ها: الف) زیر نگیں: تحت تسلط بودن. / ج) «به گوش آمدن بانگ رحیل» و «بانگ از جرس برخاستن» هر دو به معنی: آماده شدن کاروان. / د) بر صحرا نهادن: آشکار شدن.

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
info

<https://konkur.info>